



قواعد



به جملات زیر دقت کنید:

- من امروز حتماً استراحت می‌کنم.
- ← کلمه «حتماً» بر «استراحت کردن من» تأکید می‌کند.
- دوستانم بلند درس می‌خوانند.
- ← کلمه «بلند» بیانگر چگونگی و حالت «درس خواندن» است.
- دشمن از ما حقیقتاً می‌ترسد.
- ← «حقیقتاً» بر اتفاق افتادن فعل تأکید می‌کند.
- چرا تو آرام حرف می‌زنی؟
- ← «آرام» بیانگر چگونگی و حالت وقوع فعل است.
- کلماتی که به آن‌ها اشاره کردیم به نوعی قید فعل هستند: یعنی با فعل جمله سر و کار دارند، یا بر اتفاق افتادن آن تأکید می‌کنند یا می‌گویند فعل چگونه و با چه کیفیتی اتفاق می‌افتد. این وظیفه در زبان عربی به عهده مفعول مطلق است: پس مفعول مطلق همان قید فعل است. حال سؤال اصلی این است که مفعول مطلق چه ویژگی‌ای دارد و در چه جملاتی می‌آید؟ برای داشتن مفعول مطلق، یک جمله فعلیه می‌خواهیم که بعد از فعل و اجزای جمله (فاعل، مفعول و...)، مصدر منصوب همان فعل بیاید: یعنی هم‌ریشه با آن فعل باشد.

فرمول مفعول مطلق: فعل + فاعل ... مصدر فعل

مثال: كَلِمَ الْمَدِيرِ تَكْلِماً ← با مدیر قطعاً حرف می‌زنیم.

فعل و فاعل مفعول مطلق

• تَطَالَعُونَ الْمَقَالَاتِ مُطَالَعَةً دَقِيقَةً ← مقاله‌ها را دقیق مطالعه می‌کنید.

فعل و فاعل مفعول مطلق صفت

پس برای داشتن مفعول مطلق، وجود یک فعل و یک اسم (مصدر) هم‌ریشه با آن فعل، ضروری است.

تست نمونه: عین ما لیس فیہ المفعول المطلق:

(هنر ۹۲)

- ۱) أَطْعَمَ اللَّهُ عِبَادَهُ مِنْ كُلِّ مَا خَلَقَ لَهُمْ مُشْفَقاً عَلَيْهِمْ!
- ۲) كُنَّا نَشْكُرُ الْمَعْلَمَ فِي حَفْلَةِ تَكْرِيمِ يَوْمِ الْمَعْلَمِ شُكْراً!
- ۳) يُحَسِّنُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الْآخِرِينَ إِحْسَانًا مَنْ يَعْلَمُ عَاقِبَتَهُ!
- ۴) قَدْ حَصَلَ الْعِلْمُ عَلَى حَقَائِقِ حَصُولًا لَمْ يَحْصُلْ عَلَيْهِ أَحَدًا!

پاسخ: در این گزینه «مُشْفَقاً» اسم فاعل و حال است و اصلاً دو کلمه هم‌ریشه نداریم. بنابراین گزینه «۱» درست است: ولی در سایر گزینه‌ها مفعول مطلق داریم: «شُكْرًا ... شُكْرًا، يُحَسِّنُ ... إِحْسَانًا، حَصَلَ ... حَصُولًا».

• **عین ما لیس فیہ المفعول المطلق:**

- ۱) تَمَامُ الْبِرِّ أَنْ تَعْمَلَ فِي السَّرِّ عَمَلَ الْعَلَانِيَةِ!
- ۲) وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِیلاً!
- ۳) كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَباً وَرَهَباً!
- ۴) مَتَى يَتَحَرَّرَ الْمُجْتَمَعُ تَحَرُّراً حَقِيقَتِيّاً مِنَ الْعِبَادِيَّةِ!

پاسخ: مصدر هم‌جنس با فعل جمله نداریم. بنابراین گزینه «۳» درست است. در سایر گزینه‌ها مفعول مطلق داریم: «تَعْمَلْ ... عَمَلْ، اهْجُرْ ... هَجْراً، يَتَحَرَّرْ ... تَحَرُّراً».

بعد از آشنایی کلی با مفعول مطلق، باید با انواع مفعول مطلق و کاربردهای آن آشنا شویم.

- مفعول مطلق به دو دسته تقسیم می‌شود و دو کاربرد متفاوت دارد:

۱ مفعول مطلق تأکیدی

مصدر منصوب فعل جمله است که بر وقوع فعل جمله تأکید می‌کند و تنها (یعنی بدون صفت و مضاف‌الیه و جمله وصفیه) بعد از فعل می‌آید و همواره تنوین دارد.

مثال: يَذْهَبُ عَلِيٌّ ذَهَباً ← علی حتماً می‌رود.

فعل فاعل مفعول مطلق تأکیدی

• اسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَاراً ← از خداوند قطعاً طلب بخشش کردم.

فعل و فاعل مفعول مطلق تأکیدی

• نَجْتَهِدُ اجْتِهَاداً ← قطعاً تلاش می‌کنیم.

فعل و فاعل مفعول مطلق تأکیدی

این سه تارو با ریتیم به‌خاطر بسپارید: «تأکیدی، تنها، تنوین»

۲ مفعول مطلق نوعی (بیانی)

مصدر فعل جمله به همراه صفت یا مضاف‌الیه یا جمله وصفیه، بعد از فعل می‌آید و چگونگی انجام فعل را مطرح می‌کند.

مثال: صَبَرَ الْمُؤْمِنُ صَبْرًا حَسَنًا ← مؤمن به نیکی (خوب) صبر کرد.

فعل فاعل مفعول صفت

مطلق نوعی

• صَبَرَ الْمُؤْمِنُ صَبْرًا أَيُّوبَ ← مؤمن مانند ایوب صبر کرد.

فعل فاعل مفعول م. الیه

مطلق نوعی

مفعول مطلق نوعی به همراه مضاف‌الیه بیانگر تشبیه است.

• صَبَرَ الْمُؤْمِنُ صَبْرًا لَا يُوصَفُ ← مؤمن به گونه‌ای صبر کرد که

فعل فاعل مفعول جمله وصفیه

مطلق نوعی وصف نمی‌شد.

شیر خشک

جمله وصفیه، جمله‌ای است که بعد از اسم نکره می‌آید و آن را توصیف می‌کند.

مثال: جاء رجلٌ يضحك ← مردی که می‌خندید آمد.

نکره جمله وصفیه



تست نمونه: عین المصدر لا یُبین نوع الفعل:

(ریاضی ۹۸)

۱) یا أصدقاء أوفوا بعهدکم وفاءً جَمِیلاً!

۲) شَجَعْنَا أصدقاءنا فی المسابقة تشجيعاً کثیراً!

۳) إن كنت تلميذاً عاقلاً فلا تُضَيِّعْ أوقاتک تضييعاً!

۴) إن العطار یشم رائحة المسک شماً دقیقاً و یعرفه!

پاسخ: «لا تُضَيِّعْ» فعل و «تضييعاً» مصدر آن است که تنها آمده: پس مفعول مطلق تأکیدی است. بنابراین گزینه «۳» درست است.

مفعول مطلق نوعی در سایر گزینه‌ها: ۱) أوفوا (فعل)، وفاء (مصدر)، جَمِیلاً (صفت) ۲) شَجَعْنَا (فعل)، تشجيعاً (مصدر)، کثیراً (صفت) ۴) یشم (فعل)، شماً (مصدر)، دقیقاً (صفت)

ترجمة انواع مفعول مطلق

۱ **مفعول مطلق تأکیدی:** با قیدهای تأکیدی (حتماً، قطعاً، یقیناً، واقعاً، کاملاً، حقیقتاً و...) و در نزدیکی فعل ترجمه می‌شود.

مثال: تَابَ الْمُذْنِبُ تَوْبَةً. ← گناهکار واقعاً (قطعاً) توبه کرد.

۲ **مفعول مطلق نوعی با مضاف الیه:** با قیدهای «مثل، مانند» ترجمه می‌شود.

مثال: جَلَسْتُ جُلُوسَ الْمُعَلِّمِ عَلَى الْكَرْسِ. ← مثل معلم روی صندلی نشستم.

۳ **مفعول مطلق نوعی با صفت:** از خود صفت استفاده می‌کنیم و در این حالت، غالباً خود مصدر را ترجمه نمی‌کنیم.

مثال: صَبَرْنَا صَبْرًا جَمِيلًا. ← به زیبایی (زیبا) صبر کردیم.

۴ **ترجمة مفعول مطلق نوعی با جمله وصفیه:**

الف. مصدر + ی + که + جمله وصفیه

ب. فعل + به گونه‌ای که + جمله وصفیه

مثال: خَافَ الرَّجُلُ خَوْفًا مَنَعَهُ:

الف. مرد ترسید، ترسیدنی که او را منع کرد.

ب. مرد به گونه‌ای ترسید که او را منع کرد. (مرد ترسید به گونه‌ای که او را منع کرد).

دوبینک

۱ دقت کنید که ترجمه مفعول مطلق حتماً قبل از فعل جمله

قرار می‌گیرد نه در ابتدای جمله: مثلاً ترجمه «ذهب علی ذهاباً» «علی قطعاً رفت» است، نه «قطعاً علی رفت».

(این جمله معادل «إِنَّ عَلِيًّا ذَهَبَ» می‌باشد.)

۲ اصولاً یادتان باشد مفعول مطلق تأکیدی روی فعل تأکید دارد ولی «إِنَّ»

روی کل جمله تأکید می‌کند، پس مترادف هم نیستند.

مثال: يَصْبِرُ الْمُؤْمِنُ صَبْرًا. ← مؤمن، حقیقتاً صبر می‌کند.

■ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَصْبِرُ. ← قطعاً مؤمن صبر می‌کند.

■ يُعَلِّمُ الْأَبُ وَلَدَهُ الْقُرْآنَ تَعْلِيمًا. ← پدر به فرزندش قرآن را حقیقتاً می‌آموزد.

■ إِنَّ الْأَبَ يُعَلِّمُ وَلَدَهُ الْقُرْآنَ. ← به درستی که پدر به فرزندش قرآن را یاد می‌دهد.

انواع تأکیدات (مؤکدات)

به طور کلی موارد زیر در حیطه کنکور بیانگر تأکید هستند:

البته قبل از بررسی تأکیدات با اصطلاحات زیر آشنا شوید:

• **مؤکد، یؤکد، اؤکد** ← تأکیدکننده، رکن تأکیدکننده

• **مؤکد، یؤکد، اؤکد** ← تأکیدشونده، رکن مورد تأکید

۱ **إِنَّ** **تأکید بر** ← تمام جمله پس از خود **مثال:** إِنَّ الصَّادِقَ لَا يَكْذِبُ عَلَى النَّاسِ

مؤکد **مؤکد** (رکن مورد تأکید)

۲ **إِنَّمَا** **تأکید بر** ← رکن دورتر **مثال:** إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ.

مؤکد **مؤکد**

۳ **مفعول مطلق تأکیدی** **تأکید بر** ← فعل جمله **مثال:** لَا تَعْتَمِدْ عَلَى الْآخِرِينَ اعْتِمَادًا

مؤکد **مؤکد**

۴ **ساختار انحصار** **تأکید بر** ← کلمه بعد از «إِلَّا» **مثال:** لَنْ نَسْتَشِيرَ إِلَّا الْعَاقِلَ.

مؤکد **مؤکد**

۵ **لَ** **تأکید بر** ← کلمه یا جمله بعدش **مثال:** لَوْ سَافَرْتُمْ لَكُنْتُمْ نَشِيطِينَ.

مؤکد **مؤکد**

۶ **«لا» نفی جنس** **تأکید بر** ← اسم بعدش **مثال:** لَا هِدَايَةَ فِي طَرِيقِكُمْ.

مؤکد **مؤکد**

۱ **مفعول مطلق تأکیدی** در جمله منفی را می‌توان یا قید «هرگز» ترجمه کرد.

مثال: لَا أَخَافُ مِنَ الظَّالِمِ خَوْفًا. ← از ستمگر هرگز نمی‌ترسم.

• **عَيْنُ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ لِلنَّوْعِ:**

۱ لی طالبان تَرْتَلَانِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا يُؤَثِّرُ فِي قُلُوبِنَا!

۲ نَدْعُو اللَّهَ أَنْ تَحَقِّقَ آمَالُنَا فِي بِنَاءِ مَجْتَمَعِنَا تَحَقُّقًا!

۳ كَأَنَّ شَبَابَنَا أَسْوَدَ هَاجَمُوا الْعَدُوَّ مَهَاجِمَةً!

۴ اللَّهُمَّ! وَفَّقْنَا لِرِعَايَةِ حَقُوقِ ذِي الْحَقِّ تَوْفِيقًا!

پاسخ: «تَرْتَلَان» فعل، «تَرْتِيلًا» مفعول مطلق نوعی و «يؤثر» صفت (جمله وصفیه) برای آن است. در سایر گزینه‌ها «تَحَقُّقًا»، «مَهَاجِمَةً» و «تَوْفِيقًا» مفعول مطلق تأکیدی هستند که تنها بدون صفت و مضاف الیه آمده‌اند. بنابراین گزینه ۱ درست است.

آقا اجازه



• شما گفتید که مفعول مطلق مصدر فعل هست، حُب ما مصادر فعل‌ها رو چطوری تشخیص بدیم؟

پاسخ: مصادر دو نوع هستند:

۱ **باقاعده یا ثلاثی مزید:** در درس‌های ۳ و ۴ سال دهم با باب‌های

مزید آشنا شدیم و یاد گرفتیم که مصادر مزید همواره بر اساس قاعده و نظمی مشخص می‌آیند، مثلاً مصدر فعل‌هایی که در الگوی «أَفْعَل - يُفْعِل» هستند همواره بر وزن «إِفْعَال» می‌آیند و یا مصدر فعل‌هایی که بر وزن «إِفْتَعَلَ - يَفْتَعِل» هستند، همیشه «افتعال» است. حواستان باشد که این نوع مصادر در سؤالات مفعول مطلق نقش مهمی را ایفا می‌کنند، پس آن‌ها را به خوبی مرور کنید.

۲ **حفظی، بی‌قاعده یا سماعی:** این مصدرها را تا امروز از شما نخواستند و احتمال بسیار زیاد بعداً هم نخواهند خواست: چون دارای قانون و قاعده نیستند و باید از قبل آن‌ها را دیده باشید و بدانید که مثلاً مصدر «ذَهَبَ» می‌شود «ذَهَابًا» و یا مصدر «نَصَرَ» می‌شود «نَصْرًا»، پس نیازی به حفظ کردن این مصدرها نیست، ولی برای جمع شدن خیالتان مهم‌ترین مصدرهای بی‌قاعده را در ادامه می‌آوریم.

مرور انواع مصدر

۱ **مصدرهای مزید (باقاعده):** هشت گروه هستند:

ماضی	أَفْعَل	فَعَّلَ	فَاعَلَ	تَفَعَّلَ	تَفَاعَلَ	إِفْتَعَلَ	إِسْتَفْعَلَ
مضارع	يُفْعِلُ	يُفْعِلُ	يُفَاعِلُ	يَتَفَعَّلُ	يَتَفَاعَلُ	يُفْتَعِلُ	يَسْتَفْعِلُ
مصدر	إِفْعَال	تَفْعِيل	مُفَاعَلَة (فعال)	تَفَعُّل	تَفَاعُل	إِفْتِعَال	إِسْتِفْعَال

۲ **مصدرهای معروف ثلاثی مجرّد:** حفظ این موارد ضروری نیست، اما خوب است که پرتکرارترین مصدرهای ثلاثی مجرّد را ببینید:

ماضی	مضارع	مصدر	ماضی	مضارع	مصدر
كَتَبَ	يَكْتُبُ	كِتَابَةً	هَجَمَ	يَهْجُمُ	هُجُومًا
نَصَرَ	يَنْصُرُ	نَصْرًا	ذَهَبَ	يَذْهَبُ	ذَهَابًا
خَرَجَ	يَخْرُجُ	خُرُوجًا	قَالَ	يَقُولُ	قَوْلًا
لَعِبَ	يَلْعَبُ	لَعِبًا	ذَكَرَ	يَذْكُرُ	ذِكْرًا
جَلَسَ	يَجْلِسُ	جُلُوسًا	خَافَ	يَخَافُ	خَوْفًا
صَبَرَ	يَصْبِرُ	صَبْرًا	تَلَا	يَتْلُو	تِلَاوَةً
صَرَبَ	يَصْرِبُ	صَرَبًا	رَغِبَ	يَرْغَبُ	رَغْبَةً
حَصَلَ	يَحْصُلُ	حُصُولًا	عَاشَ	يَعِيشُ	عِيشًا، عَيْشَةً
بَاعَ	يَبِيعُ	بَيْعًا	دَعَا	يَدْعُو	دَعْوَةً
شَكَرَ	يَشْكُرُ	شُكْرًا	نَزَلَ	يَنْزِلُ	نُزُولًا
عَمَلَ	يَعْمَلُ	عَمَلًا	عَرَفَ	يَعْرِفُ	مَعْرِفَةً
نَجَحَ	يَنْجَحُ	نَجَاحًا	وَقَفَ	يَقِفُ	وُقُوفًا
وَصَلَ	يَصِلُ	وُصُولًا	رَجَا	يَرْجُو	رَجَاءً
فَتَحَ	يَفْتَحُ	فَتْحًا	طَارَ	يَطِيرُ	طَيْرَانًا
نَامَ	يَنَامُ	نَوْمًا	ظَلَمَ	يَظْلِمُ	ظُلْمًا
سَعَى	يَسْعَى	سَعْيًا	دَرَسَ	يَدْرُسُ	دِرَاسَةً، دَرْسًا
قَرَأَ	يَقْرَأُ	قِرَاءَةً	دَخَلَ	يَدْخُلُ	دُخُولًا
مَرَّ	يَمُرُّ	مُرُورًا، مَرًّا	قَامَ	يَقُومُ	قِيَامًا



تست نمونه: عین ما لیس فیہ بیان للفعول:

- (۱) تحصلن علی صحة الفکر حصولاً كاملاً!
 - (۲) فهم الطلاب أن يقترب النجاح منهم اقتراباً تاماً!
 - (۳) نشکر النبی شکراً و هو یرشدنا إلی الحق!
 - (۴) واجهنا مدیر المدرسة مواجهة الأب الرؤوف!
- پاسخ:** بعد از مفعول مطلق نوعی صفت یا مضاف‌الیه می‌آید، ولی در گزینه (۳) بعد از «شکر» نه صفت آمده نه مضاف‌الیه، پس مفعول مطلق تأکیدی است. (حرف «و» رابطه را قطع کرده است.) در سایر گزینه‌ها به ترتیب «حصولاً» «اقتراباً» «مواجهة» مفعول مطلق نوعی یا بیانی هستند که با صفت (کاملاً، تاماً) یا مضاف‌الیه (الأب) آمده‌اند. بنابراین گزینه «۳» درست است.

- تذکره:** دقت کنید «فعل + مصدر» مفعول مطلق می‌سازد نه «اسم + اسم» یا «فعل + فعل» یا «اسم + فعل»، پس در عبارت‌های زیر مفعول مطلق نداریم، چون کلمه اول فعل و دومی اسم نیست:
- مثال:** کان صبری صبراً جميلاً. ← صبر من صبری نیکو بود.

اسم اسم
المُعْتَقِد بالله يَعْتَقِدُ بأنه حسبهُ.

اسم فعل
← معتقد به خداوند ایمان دارد که او (خدا) برایش کافیست.

تست نمونه: عین المفعول المطلق:

(هنر ۹۶)

- (۱) لماذا تنظر إلی نظراً مملوءاً بالتعجب هكذا!
 - (۲) سأعود عند أبي معتذراً، و أنا لم أعتذر منه حتى الآن!
 - (۳) كنت خائفاً من حرارة الشمس الشديدة في هذا اليوم الحار!
 - (۴) اليوم وُلدت من جديد لقا تعلمت منك درساً جديداً لن أنساه أبداً!
- پاسخ:** «تنظر» فعل و «نظراً» مفعول مطلق نوعی و «مملوءاً» صفت است. در سایر گزینه‌ها فعل و مصدر هم‌ریشه نداریم. در گزینه (۲) «معتذراً» اسم است و «أعتذر» فعل (که «معتذراً» مصدر آن نیست.) که مناسب مفعول مطلق بودن نیست. در گزینه (۳) «حرارة» و «الحار» هر دو اسم‌اند. در گزینه (۴) «جديد» اسم است و دو بار آمده. بنابراین گزینه «۱» درست است.

عین المفعول المطلق:

- (۱) قُسمت الصلاة بين العبد و بين ربّه إلی نصفين.
 - (۲) نِصْفُهَا للعبد و نِصْفُهَا للربّ، فإذا قال العبدُ،
 - (۳) «الحمد لله ربّ العالمين» يقول الله: حَقَّدَنِي عَبْدِي و ...
 - (۴) فهكذا يُجِيبُ الله عبده عند الصلاة إجابةً جميلة!
- پاسخ:** «يُجِيبُ» فعل، «إجابةً» مفعول مطلق نوعی و «جميلةً» صفت است. دقت کنید در گزینه‌های (۲) و (۳) «نِصْفُ» اسم است و دو بار آمده و «الحمد» اسم است و «حَقَّدَ» فعل، ولی ما برای ایجاد مفعول مطلق به «فعل + اسم» نیاز داریم. بنابراین گزینه «۴» درست است.

- تذکره:** مفعول مطلق حتماً بی «ال» و مصدر است، بنابراین اسم‌های «مُد» دار مثل «مؤمن، مسلم، مُحَقَّد، مُعَلِّم» که اسم فاعل یا اسم مفعول هستند، نمی‌توانند مفعول مطلق باشند به‌جز وزن «مُفَاعَلَةٌ» یا کلمه «مُرور» که مصدر هستند و می‌توانند مفعول مطلق شوند. درواقع اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل و اسم مکان هرگز مفعول مطلق نمی‌شوند.

مثال: سافرت النساء مسافرةً. / حاسبوا أنفسكم مُحاسبَةً.

مفعول مطلق تأکیدی مفعول مطلق تأکیدی

- ۷ «لا، نهی» تأکید بر عدم وقوع فعل **مثال:** لا تَمْتَنِعُوا عن الرياضة.

مُؤَكَّد مُؤَكَّد

- ۸ «لِ، امر» تأکید بر وقوع فعل **مثال:** لِيَنْتَبِعْ عن الخطر.

مُؤَكَّد مُؤَكَّد

- ۹ «قَدْ، ماضی» تأکید بر وقوع فعل **مثال:** قد أرسلناك بالحق.

مُؤَكَّد مُؤَكَّد

- ۱۰ عدد ۱ و ۲ تأکید بر اسم قبلش **مثال:** هذان كتابان اثنان.

مُؤَكَّد مُؤَكَّد

- ۱ در تأکیدکننده‌ها مفعول مطلق و عدد ۱ و ۲ اسم هستند، ولی «إِنَّ»، «لَ»، «لِ»، «لَا»، «إِنَّمَا»، «إِلَّا» و «قَدْ» حرف هستند. ۲ در دو حالت «مُؤَكَّد» بعد از «مُؤَكَّد» می‌آید: الف) مفعول مطلق تأکیدی ب) عدد «۱» یا «۲»

نسوزی



تست نمونه: عین الصحيح في تعيين المؤكّد و المؤكّد على الترتيب:

- (۱) إِنَّ الْجُنُودَ يُدَافِعُونَ عن الوطن! ← إِنَّ الْجُنُودَ يُدَافِعُونَ عن الوطن
- (۲) لو اشتريت بيتاً لكثرت أموالك! ← كثرت أموالك، لَ
- (۳) أثر كلامك على تأثيراً! ← تأثيراً، كلام
- (۴) إنهم الأعداء إنهمزاً! ← إنهمز، إنهمزاً

پاسخ: بررسی گزینه‌ها: ۱) إِنَّ الْجُنُودَ يُدَافِعُونَ عن الوطن.

مُؤَكَّد مُؤَكَّد

- ۲) لَكثُرَتِ أموالك. ۳) أثر كلامك على تأثيراً. ۴) إنهمز الأعداء إنهمزاً.

مُؤَكَّد

مُؤَكَّد

مُؤَكَّد

مُؤَكَّد

مُؤَكَّد

بنابراین گزینه «۱» درست است.

- ۱ مضاف «ال»، «تنوین» و «نون» مثنی و جمع مذکر سالم نمی‌گیرد: پس مفعول مطلق که مضاف‌الیه دارد این سه مورد را نمی‌پذیرد. **مثال:** عاش المؤمن العيش الضالحين. ← غلط است، چون «عیش» مضاف است و بدون «ال» می‌آید (عیش الضالحين، درسته).

نسوزی



۲ اذکر الله ذكراً المُنْقِيْن. ← غلط است، چون «ذکر» مضاف است و باید بدون تنوین بیاید. (ذکر المُنْقِيْن، درسته)

تست نمونه: أنتم تحسنون إلی المساكين المتقين:

عین المناسب للمفعول المطلق:

- (۱) حَسناً (۲) إحساناً (۳) إحسان (۴) إحساناً بالغاً
- پاسخ:** «المتقين» مضاف‌الیه است، پس «إحسان» که مضاف و مفعول مطلق نوعی است نباید تنوین بگیرد. «تُحَسِّنُونَ» فعل مضارع از باب «إفعال» است و مصدر آن هم بر وزن «إفعال» می‌آید. بنابراین گزینه «۳» درست است.

- ۲ اگر بعد از مصدر، حروف «و، ف، ثم، بل، لَ، لكن، حتى» بیاید، مفعول مطلق، تأکیدی است، چون بعد از این حروف نه صفت می‌آید نه مضاف‌الیه نه جمله وصفیه. **مثال:** خرجنا خروجا فجاء على بعدنا.

فعل م.م.ت. جملة جدید است نه وصفیه
و فاعل

- ۱ اگر سایر قطع‌کننده‌های رابطه (عندما، حينما، دون) هم بیایند، مفعول مطلق تأکیدی داریم. **مثال:** ذهبْتُ ذهاباً عندما ذهبْتُ.

۲ گاهی حال به مفعول مطلق تأکیدی می‌چسبد که از نظر ظاهری شبیه صفت می‌شود. مراقب باشید آن را با صفت اشتباه نگیرید.

مثال: ذهب الرجل ذهاباً قريحاً. ← مرد شاد است یا رفتنش؟ قطعاً مرد! پس «قريحاً» حال است و حالت اسم را مطرح می‌کند نه فعل و «ذهاباً» مفعول مطلق تأکیدی.

■ صبر المؤمن صبراً مجاهداً. ← مؤمن جهادگر است یا صبرش؟ بله مؤمن، پس «مجاهداً» حال است و حالت اسم را مطرح می‌کند نه فعل و «صبراً» مفعول مطلق تأکیدی.

تست نمونه: عین ما ليس فيه تأكيد للفاعل:

(۱) تلا القارئ القرآن تلاوةً حسنةً! (۲) تدور عقرب الدقائق دورة دائماً! (۳) تحسنت حال أمتي صباح اليوم تحسناً! (۴) ابتعد عن المعاصي ابتعاداً خلاقاً من العقاب! **پاسخ:** «تلا» فعل، «تلاوة» مفعول مطلق نوعی (که بر فعل تأکید نمی‌کند) و «حسنة» هم صفت آن است. بنابراین گزینه «۱» درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها: «دوره» مفعول مطلق تأکیدی و «دائماً» قید زمان است. «تحسنت» فعل و «تحسناً» مفعول مطلق تأکیدی است. «ابتعاداً» مفعول مطلق تأکیدی و «خلاقاً» (با ترس) حال است.

۳ همان طور که گفتیم مفعول مطلق نوعی به همراه مضاف الیه بی‌انگر تشبیه است.

مثال: نَعْبُدُ اللَّهَ عِبَادَةَ الْمُخْلِصِينَ
فعل و فاعل مفعول مطلق نوعی ماله
← خدا را مانند افراد مخلص عبادت می‌کنیم.

تست نمونه: عین ما فيه تشبيه حدوث الفعل:

(۱) «لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا» (۲) لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إعطاءً الدليل! (۳) وقف اللاعبون بعد لعبهم وقوفاً للاستراحة! (۴) تكلم الأستاذ معكم تكلماً ألا تتذكر ذلك! **پاسخ:** «أعطى» فعل، «إعطاء» مصدر (مفعول مطلق) و «الدليل» مضاف الیه است که بی‌انگر تشبیه است (مانند انسان پست به شما دست نمی‌دهم). گزینه (۱) مفعول مطلق ندارد. در گزینه‌های (۳) و (۴) مصادر «وقوفاً» و «تكلماً» هر دو مفعول مطلق تأکیدی هستند، چون بعد از آن‌ها صفت یا مضاف الیه ذکر نشده است. بنابراین گزینه «۲» درست است.

تمام تشبیهات در حیطه کنکور:

۱ مفعول مطلق نوعی با مضاف الیه ← گزونا تکریم الکبار
۲ مثل ← العلم مثل الماء للبشر.
۳ ک ← أنت كالصديق
۴ «کأن» به همراه دو اسم ← كأن السماء سقف مرفوع.
۵ فعل‌های «شبه» و «أشبه» و «يُشبه» ← يُشبهك أخوك

دوبینک
اگر کلمه «کیف» چگونه، «کیفیه» چگونه، از حالت اسم در جمله بپرسد. ← در پاسخ از حال استفاده می‌کنیم.
و اگر کلمه «کیف» کیفیت از حالت فعل یا مصدر جمله بپرسد. ← در پاسخ از مفعول مطلق نوعی استفاده می‌کنیم.

تست نمونه: عین الخطأ للفراغ لبيان كيفية وقوع الفعل: «ينظر العاقل إلى الأمور»

(۱) ناظر الحقيقة (۲) نظر المتأمل (۳) نظر الباحث (۴) نظرة دقيقة **پاسخ:** «ناظر» اسم فاعل است نه مصدر و نمی‌تواند مفعول مطلق باشد. بنابراین گزینه «۱» درست است.

عین المفعول المطلق:

(۱) أحسنتُ إلى ولدتي المجتهدتين مُحسناً!
(۲) أحسن إلى الآخرين كما أحسنوا إليك مُحسنين!
(۳) إنا أحسنًا إلى المساكين إحسان الخالصين!
(۴) إن أحسن المؤمنين إيماناً يعيش ويموت مؤمناً!
پاسخ: بررسی گزینه‌ها: ۱ «مُحسناً» اسم فاعل و حال است! ۲ «أحسنوا» فعل و «مُحسنين» اسم فاعل و حال می‌باشد. ۳ «إحسان» مفعول مطلق نوعی به همراه مضاف الیه «الخالصين» می‌باشد. ۴ «مؤمناً» اسم فاعل و حال است. بنابراین گزینه «۳» درست است.

۵ در تطابق فعل و مصدر دقت کنید که هر دو ثلاثی مجرد یا ثلاثی مزید از یک باب باشند. به عنوان مثال در سه جمله زیر مفعول مطلق به درستی نیامده و غلط است:

مثال: اجْتَهِدَ التلميذُ مُجاهدَةً / يَدْرُسُ صديقى تدریساً / أَقْبَلَ الشُّبَابُ عليكم تقبلاً.
افتعال مفاعلة ثلاثی مجرد ثلاثی مزید إفعال تفعل

تست نمونه: عین المناسب للمفعول المطلق: «إنا نحن نزلنا عليك القرآن»

(۱) نزولاً - قولاً (۲) تنزيلاً - قولاً (۳) تنزيلاً - القول (۴) إنزالاً - مقالاً **پاسخ:** «نزلنا» ماضی از باب «تفعیل» است و مصدر آن «تنزیلاً» درست است (رد ۱ و ۴)، مصدر فعل «يقول»، «قولاً» است و «باطلاً» صفت آن است (رد ۳ و ۴): ضمناً مفعول مطلق هرگز «ال» ندارد (رد ۳). بنابراین گزینه «۲» درست است.

دوبینک
۱ اگر فعل و اسم منصوب بعدش هم‌ریشه بودند ولی هم‌مصدر نبودند مفعول عادی داریم نه مفعول مطلق. (مفعول عادی، یعنی همان مفعولی که در جواب چه کسی را؟ چه چیزی را؟ می‌آید)

مثال: أطعمتُ المساكين طعاماً. ← اگر «إطعاماً» بود، مفعول مطلق داشتیم.
فعل و فاعل مفعول ۱ مفعول ۲
■ دَرَسَ المعلمُ درساً ← اگر «تدریساً» بود، مفعول مطلق داشتیم.
فعل فاعل مفعول

تست نمونه: عین ما ليس فيه المفعول المطلق:

(۱) اذكروا نعمة الله عليكم ذكراً، إذ جعل فيكم أنبياءً
(۲) علم الرجل الطلاب علماً كثيراً للسعادة
(۳) أحب أن تناقشوا الموضوع مناقشة علمية
(۴) الشباب المخلصون يخدمون وطنهم خدمة جليلاً
پاسخ: «علماً» مفعول دوم است نه مفعول مطلق و مصدر «علم»، «تعليم» است. در سایر گزینه‌ها «ذكراً» مناقشة خدمه مفعول مطلق هستند. بنابراین گزینه «۲» درست است.



کلمات کلیدی در صورت سؤال:

- سؤالاتی که مفعول مطلق تأکید می‌خواهند: التأكيد، التوكيد، الاسم المؤكد، الإهتمام والعناية على وقوع الفعل (حدوث الفعل، تحقق الفعل)، لا شك، لا تردد، وقوعه حتمی، يُزيل الشك، يرفع التردد عن وقوع الفعل، الفعل المؤكد، ليس متردداً
- سؤالاتی که مفعول مطلق نوعی (بیانی) می‌خواهند: نوع الفعل، بیان الفعل، مثل، که تشبیه وقوع الفعل، کیفیت حدوث الفعل، كيف وقع (حدث)، يُبين نوع الفعل، حالة الفعل، مصدر يُمكن أن يُحذف في الترجمة
- الحدوث = التحقق = الوقوع ← همگی مترادف هستند و به معنای «اتفاق افتادن» می‌باشند.

تست نمونه: مخاطب یُرید أن یدرك کیفیتة ذهاب الطالبة فنقول له:

(انسانی ۹۰)

«ذهب الطالبة.....!»

(۱) ذهاباً سريعاً (۲) سروراً كثيراً (۳) مسرورة (۴) ذاهبة

پاسخ: مخاطب می‌خواهد که چگونه رفتن دانش‌آموز را بداند، پس به او می‌گوییم: «دانش‌آموز رفت» در جای خالی به مفعول مطلق نوعی نیاز داریم (رد ۳ و ۴)، که باید با «ذهاب» هم‌ریشه باشد (رد ۲ و ۳). بنابراین گزینه «۱» درست است.

ترجمه گزینه‌ها:

۱ به سرعت ۲ شادی بسیاری ۳ شاد ۴ در حالی که می‌رفت

ترجمه و تحلیل متن درس «نظام الطبيعة: سیستم (نظم) طبیعت»

﴿هَذَا خَلَقَ اللَّهُ قَارُونَ مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ...﴾ لقمان: ۱۱

مبتدا خبر م. الیه فعل و فاعل مفعول مفعول فعل فعل ج. م. م. الیه

ترجمه: این، آفرینش خداست، پس به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند (او هستند)، چه آفریده‌اند؟

کالبدشکافی: «ن» در «قارونی» از نوع وقایه است و ضمیر «ی» مفعول است. (لغات مشابه: «رای دید» / «اری نشان داد»)

• «ارونی»: «اروا + ن + ی»، «اروا» فعل امر از باب «إفعال» و متعدی است، ولی تغییراتی داشته که دانستن این تغییرات برای شما ضروری نیست.

﴿تَوَازُنَ الطَّبِيعَةِ جَمِيلٌ. خَلَقَ اللَّهُ لِلطَّبِيعَةِ نِظَامًا يَخْتُمُ جَمِيعَ الْمَوْجُودَاتِ مِنْ نَبَاتٍ وَحَيَوَانٍ وَكَائِنَاتٍ أُخْرَى يَعِيشُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ﴾

مبتدا م. الیه خبر فعل فاعل ج. م. مفعول فعل و فاعل مفعول م. الیه ج. م. معطوف معطوف صفت فعل فاعل م. الیه ج. م.

ترجمه: تعادل طبیعت، زیباست! خداوند برای طبیعت نظامی (سیستمی) آفرید که بر همه موجودات از گیاه و حیوان و موجودات دیگری که با یکدیگر زندگی می‌کنند، حکمرانی می‌کند.

کالبدشکافی: «تَوَازُنَ» مصدر ثلاثی مزید باب «تَفَاعُلٌ» است. «خَلَقَ» فعل ماضی ثلاثی مجرد و متعدی است. «يَخْتُمُ» فعل مضارع متعدی است: ضمناً جمله وصفیه برای اسم نکره قبل خود (نظاماً) است. «الْمَوْجُودَاتِ» صحیح است نه «الموجودات» و «حَيَوَانٍ» صحیح است نه «حيوان». «كَائِنَاتٍ» اسم مفعول از ثلاثی مجرد است. «يَعِيشُ» جمله وصفیه برای «كائنات» است. «أُخْرَى» اسم تفضیل مؤنث است و مذکر آن «آخر» می‌باشد.

﴿فَيَتَحَقَّقُ التَّوَازُنُ وَالْإِسْتِقْرَارُ فِيهَا. وَ أَيْ خَلَلٍ فِي نِظَامِهَا يُؤْذِي إِلَى تَخْرِيبِهَا وَ مَوْتٍ مَنْ فِيهَا.﴾

فعل فاعل معطوف ج. م. مبتدا م. الیه ج. م. م. الیه فعل (خبر) ج. م. م. الیه معطوف م. الیه ج. م.

ترجمه: پس تعادل و آرامش (ثبات) در آن، تحقق می‌یابد و هر اختلالی در نظم آن، به ویران‌سازی‌اش و مرگ کسی که (هرکس) در آن است، منجر می‌شود.

کالبدشکافی: «يَتَحَقَّقُ» فعل مضارع ثلاثی مزید باب «تَفَعُّلٌ» و لازم است. «الْإِسْتِقْرَارُ» مصدر ثلاثی مزید باب «إِسْتِفْعَالٌ» می‌باشد. «أَيْ» اسم پرسشی معرب است. «خَلَلٌ» درست است نه «خلل». (مراقب این‌گونه کلمات در مبحث ضبط حرکات باشید). «يُؤْذِي» فعل مضارع لازم و ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيلٌ» است و همین‌طور «تَخْرِيبٌ» مصدر ثلاثی مزید باب «تَفْعِيلٌ» می‌باشد.

﴿و مِنْ مُهَيِّدَاتِ نِظَامِ الطَّبِيعَةِ: تَلَوُّنُ الْهَوَاءِ الَّذِي يُسَبِّبُ أَمْطَارًا حَمِضِيَّةً.﴾

ج. م. (خبر) م. الیه م. الیه مبتدا م. الیه صفت فعل و فاعل مفعول صفت

ترجمه: و از جمله تهدیدکننده‌های نظم طبیعت: «آلودگی هوا است که موجب باران‌های اسیدی می‌شود.»

کالبدشکافی: «مُهَيِّدَاتِ» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيلٌ» و مصدر آن «تهدید» است. «تَلَوُّنُ» مصدر ثلاثی مزید باب «تَفَعُّلٌ» می‌باشد. «يُسَبِّبُ» فعل مضارع متعدی و ثلاثی مزید باب «تَفْعِيلٌ» است، ضمناً جمله صله می‌باشد و نقشی ندارد.

﴿و الْإِكْتَارُ فِي اسْتِخْدَامِ الْمُبِيدَاتِ الزَّرَاعِيَّةِ وَ الْأُسْمِدَةِ الْكِيمَاوِيَّةِ وَ إِيجَادِ النُّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ وَ الْمَنْزِلَةِ﴾

معطوف ج. م. م. الیه صفت معطوف صفت معطوف م. الیه صفت معطوف

ترجمه: و «زیادروی در به کارگیری حشره‌کش‌های کشاورزی و کودهای شیمیایی» و «ایجاد زباله‌های صنعتی و خانگی».

کالبدشکافی: «الْإِكْتَارُ» مصدر ثلاثی مزید باب «إفعال» است. «إِسْتِخْدَامُ» مصدر ثلاثی مزید باب «إِسْتِفْعَالٌ» است. «الْمُبِيدَاتِ» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «إفعال» است. «ي» در «الزراعية الكيميائية» علامت نسبت است. «المنزلية» چون «ی» نسبت گرفته اسم مکان نیست. «إيجاد» مصدر ثلاثی مزید از باب «إفعال» است.

﴿فَيَتِمُّ التَّوَازُنُ فِي الطَّبِيعَةِ مِنْ خِلَالِ وُجُودِ رَوَابِطٍ مُتَدَاخِلَةٍ بَيْنَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ وَ بَيْنِهَا،﴾

فعل فاعل ج. م. ج. م. م. الیه صفت قید م. الیه صفت معطوف م. الیه

ترجمه: پس تعادل در طبیعت به واسطه وجود روابط درهم تنیده (تو در تو) میان موجودات زنده و محیط زیستشان انجام می‌شود (برقرار می‌شود).

کالبدشکافی: «يَتِمُّ» فعل مضارع ثلاثی مجرد و لازم است. «مُتَدَاخِلَةٍ» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «تَفَاعُلٌ» می‌باشد. «الْكَائِنَاتِ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است.

وَلَكِنْ ظَلَمَ الْإِنْسَانُ الطَّبِيعَةَ فِي نَشَاطَاتِهِ الَّتِي تُؤَدِّي إِلَى اخْتِلَالِ هَذَا التَّوَازُنِ ظُلْماً وَاسِعاً؛
فعل فاعل مفعول ج.م. م.اليه صفت فعل ج.م. م.اليه وابسته م.من صفت

ترجمه: ولی انسان در فعالیت‌هایش که منجر به اختلال این توازن می‌شود، به شکل گسترده به طبیعت ستم کرد.

کالبدشکافی: «ظَلَمَ» فعل ماضی ثلاثی مجرّد و متعدی است. «نَشَاطَات» صحیح است نه «نشاطات». (دام آموزشی در ضبط حرکات) «اِخْتِلَال» مصدر ثلاثی مزید از باب «اِفْتِعَال» می‌باشد. «ظَلَمَ» مصدر ثلاثی مجرّد است. «وَاسِعاً» اسم فاعل از ثلاثی مجرّد می‌باشد.

و الآن لِنَقْرَأْ هَذِهِ الْقِصَّةَ قِرَاءَةً دَقِيقَةً لِكَيْ نَطْلُعَ عَلَى أَفْعَالِ الْإِنْسَانِ الْمُخَرَّبَةِ لِلْبَيِّئَةِ؛
قید فعل و فاعل مفعول وابسته م.من صفت فعل ج.م. م.اليه صفت ج.م.

ترجمه: و اکنون باید این داستان را با دقت (دقیق) بخوانیم تا از کارهای ویرانگر انسان نسبت به محیط زیست آگاهی یابیم.

کالبدشکافی: نوع لام (ل) در «لِنَقْرَأْ» امری یا جازمه است. «نَقْرَأْ» فعل مضارع ثلاثی مجرّد و متعدی می‌باشد. «قِرَاءَةً» مصدر ثلاثی مجرّد است.

«نَطْلُعَ» فعل مضارع ثلاثی مزید باب «اِفْتِعَال» و لازم می‌باشد ضمناً مضارع منصوب است. «الْمُخَرَّبَةِ» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيل» است.

يُخْبِي أَنْ مُزَارِعاً كَانَتْ لَهُ مَزْرَعَةٌ كَثِيرَةٌ فِيهَا خَضِرَاوَاتٌ وَأَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ. وَ كَانَ يُرَبِّي فِي مَزْرَعَتِهِ أَنْوَاعَ الطُّيُورِ؛
فعل حرف مشبهة اسم و آن فعل ناقص ج.م. (خبر) اسم و کان صفت ج.م. (خبر) مبتدا معطوف صفت فعل و فاعل ج.م. م.اليه مفعول م.اليه

ترجمه: حکایت می‌شود که کشاورزی کشتزار بزرگی داشت که در آن سبزیجات و درختان بسیاری بود و در کشتزارش، انواع پرندگان را پرورش می‌داد.

کالبدشکافی: «كَانَتْ لَهُ مَزْرَعَةٌ» خبر «أَنْ» است. «يُخْبِي» فعل مضارع مجهول، ثلاثی مجرّد و متعدی است. «مُزَارِع» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «مُفَاعَلَة» می‌باشد. آن را با «مُزَارِع» که جمع «مَزْرَعَة» و اسم مکان است اشتباه نگیرید. «كَانَتْ» فعل ماضی ناقص و ثلاثی مجرّد است. «فِيهَا خَضِرَاوَات» جمله وصفیه اسمیه برای «مَزْرَعَة» است. «يُرَبِّي» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيل»، متعدی و مصدر آن «تَرْبِيَة» است: همچنین خبر «كَانَ» است. اسم کان «هُوَ» مستتر است.

ذَاتَ يَوْمٍ لَاحَظَ الْمُزَارِعُ أَنَّ عَدَدَ أَفْرَاحِ الطُّيُورِ يَنْقُصُ تَدْرِيجاً. بَدَأَ الْمُزَارِعُ يُفَكِّرُ فِي سَبَبِ ذَلِكَ وَ يُرَاقِبُ الْمَزْرَعَةَ لَيْلاً وَ نَهَاراً؛
قید م.اليه فعل فاعل حرف مشبهة اسم و آن م.اليه م.اليه فعل قید فعل ج.م. م.اليه فعل و فاعل مفعول قید معطوف

ترجمه: روزی کشاورز ملاحظه کرد که تعداد جوجه‌های پرندگان به تدریج کم می‌شود. کشاورز، شروع به اندیشیدن در مورد دلیل آن کرد و از کشتزار، شب و روز مراقبت می‌کرد.

کالبدشکافی: «لَاحَظَ» فعل ماضی ثلاثی مزید باب «مُفَاعَلَة» و متعدی است. «يَنْقُصُ» فعل مضارع ثلاثی مجرّد، لازم و خبر «أَنْ» است. «يُفَكِّرُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيل» و لازم می‌باشد. «يُرَاقِبُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «مُفَاعَلَة» و متعدی است. «الْمَزْرَعَة» اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَة» می‌باشد.

فَلَا حَظَّ أَنْ عَدَدًا مِنَ الْبُومَاتِ تَسْكُنُ قُرْبَ الْمَزْرَعَةِ، فَتَهْجُمَ عَلَى الْأَفْرَاحِ هُجُوماً كَثِيراً وَ تَأْكُلُهَا.
فعل حرف مشبهة اسم و آن ج.م. فعل قید م.اليه فعل ج.م. م.من صفت فعل و فاعل مفعول

ترجمه: پس ملاحظه کرد که تعدادی از جغدها در نزدیکی کشتزار، زندگی می‌کنند و به جوجه‌ها زیاد (به طور گسترده) حمله می‌کنند و آن‌ها را می‌خورند.

کالبدشکافی: «تَسْكُنُ» فعل مضارع ثلاثی مجرّد، لازم و خبر برای «أَنْ» است. «تَهْجُمُ» فعل مضارع ثلاثی مجرّد و لازم می‌باشد. «هُجُوم» مصدر ثلاثی مجرّد است. «تَأْكُلُ» فعل مضارع ثلاثی مجرّد و متعدی می‌باشد.

فَقَرَّرَ الْمُزَارِعُ التَّخْلُصَ مِنْهَا، وَ هَكَذَا فَعَلَ. وَ بَعْدَ شُهُورٍ شَهِدَ الْمُزَارِعُ أَنَّ الْخَضِرَاوَاتِ بِالْمَزْرَعَةِ تَتَعَرَّضُ لِلْأَكْلِ وَ التَّلْفِ.
فعل فاعل مفعول ج.م. ج.م. فعل قید م.اليه فعل فاعل حرف مشبهة اسم و آن ج.م. فعل ج.م. معطوف

ترجمه: پس کشاورز، تصمیم گرفت که از آن‌ها رهایی یابد (نجات یابد) و همین کار را کرد (چنین کرد) و بعد از چند ماه، کشاورز دید که سبزیجات در کشتزار در معرض خوردن و از بین رفتن، قرار می‌گیرند.

کالبدشکافی: «قَرَّرَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيل» و متعدی است. «التَّخْلُصَ» مصدر ثلاثی مزید باب «تَفْعِيل» می‌باشد. «هَكَذَا»: «هَكَذَا» حرف تنبيه، «كَ» حرف جرّ و «ذَا» اسم اشاره است. «فَعَلَ» فعل ماضی ثلاثی مجرّد و متعدی است. «شَهِدَ» فعل ماضی ثلاثی مزید باب «مُفَاعَلَة» و متعدی است. «تَتَعَرَّضُ» فعل مضارع ثلاثی مزید باب «تَفْعِيل»، لازم و خبر «أَنْ» است. «الأكل» و «التلف» مصدر ثلاثی مجرّد هستند.

وَلَمَّا رَاقَبَ الْأَمْرَ مُرَاقَبَةً شَدِيدَةً، لَاحَظَ أَنَّ مَجْمُوعَةَ كَثِيرَةً مِنْ فِئْرَانِ الْحَقْلِ تَهْجُمُ عَلَى الْخَضِرَاوَاتِ وَ تَأْكُلُهَا.
فعل و فاعل مفعول م.من صفت فعل حرف مشبهة اسم و آن صفت ج.م. م.اليه فعل ج.م. فعل و فاعل مفعول

ترجمه: و هنگامی که موضوع را به شدت تحت نظر گرفت، ملاحظه کرد که مجموعه بزرگی از موش‌های کشتزار به سبزیجات حمله می‌کنند و آن‌ها را می‌خورند.

کالبدشکافی: «رَاقَبَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «مُفَاعَلَة» و متعدی است. «مُرَاقَبَة» مصدر ثلاثی مزید باب «مُفَاعَلَة» می‌باشد. «مَجْمُوعَة» اسم مفعول ثلاثی مجرّد است. «تَهْجُمُ» خبر «أَنْ» است. «فِئْرَان» جمع مکسر است نه مثنی.

أَخَذَ الْمُزَارِعُ يُفَكِّرُ: لِمَاذَا أَزْدَادَ عَدَدَ فِئْرَانِ الْحَقْلِ أَزْدِياداً كَثِيراً؟
فعل ج.م. فعل فاعل م.اليه م.اليه م.من صفت

ترجمه: کشاورز، شروع به اندیشیدن کرد. چرا تعداد موش‌های کشتزار، بسیار افزایش یافت؟

کالبدشکافی: «أَزْدَادَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «اِفْتِعَال» و لازم می‌باشد و مصدر آن «إِزْدِياد» است.

(لغات مشابه: «زَادَ - يَزِيدُ» زیاد کرد، «زَادَ - يَزِيدُ» زیاد شد، «إِزْدَادَ - يَزْدَادُ» زیاد شد، افزایش یافت) (لازم)

فَذَهَبَ إِلَى خَبِيرِ الزَّرَاعَةِ وَ اسْتَشَارَهُ. فَقَالَ لَهُ الْخَبِيرُ: «كَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ، وَ هُنَاكَ بُومَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي مَنَاطِقِكُمْ؟»
فعل ج.م. م.اليه فعل و فاعل مفعول فعل ج.م. فاعل خبر يَكُونُ اسم و كان خبر مبتدا صفت ج.م. م.اليه

ترجمه: پس نزد کارشناس کشاورزی رفت و با او مشورت کرد: پس کارشناس به او گفت: چگونه آن امکان دارد؟ در حالی که جغدهای بسیاری در منطقه شما وجود دارند.

م.من ← مفعول مطلق نوعی



❧ **کالبدشکافی:** «إِسْتَشَارَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «استفعال» و متعدی است. «مِنْطَقَةً» با این که شبیه وزن «مَفْعَلَةٌ» است؛ ولی اسم مکان محسوب نمی‌شود.

❧ **قال له المزارع:** «إِنِّي تَخَلَّصْتُ مِنَ الْبُومَاتِ بِقَتْلِ الْكَثِيرِ مِنْهَا»

فعل ج.م فاعل حرف مشبهة اسم «إِن» فعل ج.م م.اليه ج.م

ترجمه: کشاورز به او گفت: همانا من از دست جغدها با کشتن بسیاری از آن‌ها خلاص شدم (رهایی یافتم).

❧ **کالبدشکافی:** «تَخَلَّصْتُ» فعل ماضی ثلاثی مزید باب «تَفَعَّلَ»، لازم و خبر «إِن» است. (تَخَلَّصَ - يَتَخَلَّصُ) مصدر ثلاثی مجرد می‌باشد.

❧ **قال الخبير:** «إِنِّي تَعَدَّيْتُ عَلَى نِظَامِ الطَّبِيعَةِ تَعَدِّي الظَّالِمِينَ. فَالْبُومَاتُ كَانَتْ تَتَغَدَّى عَلَى فِئْرَانِ الْحَقْلِ إِضَافَةً إِلَى الْأَفْرَاحِ»

فعل فاعل حرف مشبهة اسم «إِن» فعل ج.م م.اليه م.من م.اليه مبتدا فعل ناقص خبر «كَانَ» ج.م م.اليه ج.م

ترجمه: همانا تو مانند ستمگران به نظام طبیعت دست درازی کردی؛ زیرا جغدها علاوه بر جوجه‌ها از موش‌های کشتزار تغذیه می‌کردند.

❧ **کالبدشکافی:** «تَعَدَّيْتُ» فعل ماضی ثلاثی مزید لازم از باب «تَفَعَّلَ» و خبر «إِن» است. «الظَّالِمِينَ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد می‌باشد. «تَتَغَدَّى» فعل مضارع ثلاثی مزید

باب «تَفَعَّلَ» و لازم است. «إِضَافَةً» مصدر ثلاثی مزید باب «إِفْعَالَ» است. «كَانَتْ تَتَغَدَّى» خبر «الْبُومَاتُ» است. ضمناً اسم آن «هی» مستتر است.

❧ **و بَعْدَ التَّخْلُصِ مِنْ أَكْثَرِ الْبُومَاتِ أَزْدَادَ عَدَدُ فِئْرَانِ الْحَقْلِ»**

قيد م.اليه ج.م م.اليه فعل فاعل م.اليه م.اليه

ترجمه: و بعد از رهایی یافتن از بیشتر جغدها، تعداد موش‌های کشتزار افزایش یافت.

❧ **کالبدشکافی:** «التَّخْلُصُ» مصدر ثلاثی مزید باب «تَفَعَّلَ» است. «أَكْثَرُ» اسم تفضیل می‌باشد.

❧ **كَانَ الْوَاجِبُ عَلَيْكَ تَصْحِيحَ هَذَا الْخَطَا بِالْحِفَافِ عَلَى طُيُورِكَ لَا بِقَتْلِ الْبُومَاتِ»**

فعل ناقص اسم «كَانَ» ج.م خبر «كَانَ» م.اليه وابسته ج.م م.اليه ج.م م.اليه

ترجمه: تو باید این اشتباه را با مراقبت از پرندگان تصحیح (اصلاح) می‌کردی نه با کشتن جغدها.

❧ **کالبدشکافی:** «الوَاجِبُ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است. «تَصْحِيحُ» مصدر ثلاثی مزید باب «تَفَعَّلَ» می‌باشد. «الْحِفَافُ» مصدر ثلاثی مزید باب «مُفَاعَلَةٌ» بر وزن «فِعَال» است.

❧ **فَإِنْ اسْتَمَرَّتِ الْحَالَةُ هَكَذَا، فَسَتُشَاهِدُ مَشَاكِلَ جَدِيدَةً فِي الْبَيْتَةِ الَّتِي تَعِيشُ فِيهَا مُشَاهِدَةً مُؤَلَّمَةً»**

ادات شرط فعل فاعل فعل و فاعل مفعول صفت ج.م صفت فعل ج.م م.من صفت

ترجمه: پس اگر (این) حالت، این چنین ادامه یابد مشکلات جدیدی را در محیط زیستی که در آن زندگی می‌کنی، به گونه ای دردناک خواهی دید.

❧ **کالبدشکافی:** «اسْتَمَرَّتِ» فعل ماضی ثلاثی مزید باب «اسْتَفْعَلَ»، لازم و فعل شرط است. «تُشَاهِدُ» فعل مضارع ثلاثی مزید باب «مُفَاعَلَةٌ»، متعدی و جواب شرط می‌باشد.

❧ «مَشَاكِلَ» جمع «مُشْكِلَةٍ» اسم فاعل ثلاثی مزید باب از «إِفْعَالَ» است. «تَعِيشُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد و لازم است. «مُؤَلَّمَةً» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «إِفْعَالَ» می‌باشد.

❧ **و هَكَذَا قَرَّرَ الْمَزَارِعُ الْحِفَافَ عَلَى الْأَفْرَاحِ وَ السَّمَاحَ لِلْبُومَاتِ بِدُخُولِ مَزْرَعَتِهِ»**

فعل فاعل مفعول ج.م معطوف ج.م م.اليه م.اليه

ترجمه: و این چنین کشاورز تصمیم گرفت که از جوجه‌ها مراقبت کند و به جغدها اجازه دهد وارد کشتزارش شوند.

❧ **کالبدشکافی:** «دُخُولُ» مصدر ثلاثی مجرد است. «قَرَّرَ» فعل ماضی ثلاثی مزید باب «تَفَعَّلَ» و متعدی است.

(**لغات مشابه:** «سَمَحَ: اجازه داد» / «سَامَحَ: بخشید»)

❧ **فَازْدَادَ عَدَدُهَا مَرَّةً أُخْرَى، وَ أَكَلَتْ فِئْرَانِ الْحَقْلِ؛ وَ عَادَتْ الْبَيْتَةُ إِلَى حَالِهَا الطَّبِيعِيَّةِ»**

فعل فاعل م.اليه قيد صفت فعل و فاعل مفعول م.اليه فعل فاعل ج.م م.اليه صفت

ترجمه: پس بار دیگر تعدادشان افزایش یافت و موش‌های کشتزار را خوردند و محیط زیست به حالت طبیعی‌اش بازگشت.

❧ **کالبدشکافی:** «أَكَلَتْ» فعل ماضی ثلاثی مجرد و متعدی است. «عَادَتْ» فعل ماضی ثلاثی مجرد و لازم است. (عادَ ← يَعُودُ)

لغات



لغات

اَذَى (يُؤْذِي): منجر شد	اِكْتَفَى بِـ: کفایت کرد	تَوَازَنَ: تعادل	سَجَنَ: زندان «جمع: سجون»
أَرَى (يَرَى): نشان داد	إِنْتَبَهَ: آگاه شد	حَقْل: کشتزار «جمع: حُقُول»	طَعِمَ: غذا «جمع: طَعُوم»
أَسْمَدَةٌ: کودها «مفرد: سَمَاد»	بَدَأَ يُفَكِّرُ: شروع به اندیشیدن کرد	حَمَضِيَّة: اسیدی	طِفْر: لباس کهنه «جمع: أَطْمَار»
أَعَانَ (يُعِينُ): کمک کرد	بَيْتَةٌ: محیط زیست	حِيلَةٌ: چاره‌اندیشی‌ها «مفرد: حيلة»	عَلِيل: فقیر
أَفْرَاحٌ: جوجه‌ها «مفرد: فَرَح»	تَأَكَّدَ مِنْ: از... مطمئن شد	حَبِير: کارشناس «جمع: حُبَرَاء»	فَتَى: جوان «جمع: فُتَيَّة»
إِكْتَارَ: بسیار گردانیدن، زیاده‌روی	تَبَيَّنَ: تعقیب کرد	حَضْرَاوَات: سبزیجات «مفرد: حَضْرَاء»	فِئْرَانِ: موش‌ها «مفرد: فَار»
إِسْتَشَارَ (يَسْتَشِيرُ): مشورت خواست	تَحَقَّقَ: تحقق یافت	خِدَاع: نیرنگ	قَرَّرَ: تصمیم گرفت
إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	تَعَدَّى (يَتَعَدَّى): دست‌درازی کرد	رَاقِبَةٌ: مراقبت کرد	قُرْص: قطعه نانی دایره‌ای شکل
إِسْتَضَاءَ (يَسْتَضِيءُ): طلب نور کرد	تَعَرَّضَ: در معرض قرار گرفت	رَقِي (يُرْقَى): پرورش داد	«جمع: أَقْرَاص»
إِسْتِقْرَار: آرامش و ثبات	تَغَدَّى (يَتَغَدَّى): تغذیه کرد	سَدَاد: درستی	نَجَا: پناه بُرد
إِطْلَعَ (يُطْلِعُ): آگاهی یافت	تَلَفَ: نابودی، فنا شدن، تلف شدن	سَوَاء: خواه، چه، یکسان	ما أَظْلَمَ: چقدر ستمگر است!
إِقْتَدَى: اقتدا کرد، تبعیت کرد	تَنَاصَرَ: همیاری کرد	السَّمَاحُ لـ (سَمَحَ): اجازه دادن به ...	مَأْمُوم: پیرو، اقتدا کننده، رهرو
	تَلَوْتُ: آلودگی	سَجَل (يُسَجَّلُ): ثبت کرد	مَأْذِبَةٌ: سفره مهمانی «جمع: مَادِب»

مترادف

أَعَانَ = نَصَرَ = سَاعَدَ (کمک کرد)
 الْمَأْمُوم = التَّابِع = الْمُقْتَدِي (پیرو، تابع)
 إِكْثَار = إِفْرَاط (زیاده‌روی)
 تَأَكَّدَ مِنْ = إِطْمَأَنَّ (مطمئن شد)
 تَبِعَ = إِقْتَدَى = أَطَاعَ (پیروی کرد)
 حَلَلَ = عَيَبَ = نَقَصَ (اختلال، ایراد)
 جَدَعَ = مَكَرَ = حِيلَ (نیرنگ، مکر)
 سَدَاد = صَوَاب (درست، درستی)
 طَزَدَ = إِبْعَاد (دور کردن، راندن)
 فَتَى = شَابَ (جوان)
 قَرَزَ = عَزَمَ (تصمیم گرفت)
 كَانِسَات = مَوْجُودَات = مَخْلُوقَات
 (موجودات، آفریده‌ها)

مُيَبَّد: نابود کننده
 مَجْثُوق: طرد شده
 مَدْعُوق: دعوت شده
 مَكْسُور: شکسته
 مَوْلِم: درداور
 مُتَشَالِم: بدبین
 مُتَفَائِل: خوش‌بین
 مُسْتَمِر: ادامه‌دار
 مُفْتَرَس: درنده، شکارچی درنده
 مُهْدَد: تهدید کننده
 مُوَاطِن: هم‌وطن، هم‌شهری
 نُفَايَةِ: زبانه
 كَلَنَات: موجودات
 هُنَاكَ: آن‌جا، وجود دارد
 يَعْيشُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ: از یکدیگر
 تغذیه می‌کنند

جملات و اصطلاحات مهم تمارین

- يَفْرُجُ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ مِنَ الْغِلَافِ خُرُوجاً عَجِيباً: ماهی دفن شده به‌صورت عجیبی از پوشش خارج می‌شود.
- تُعَدُّ النُّفَايَةُ الصَّنَاعِيَّةُ تَهْدِيداً لِنِظَامِ الطَّبِيعَةِ: زبانه‌های صنعتی تهدیدی برای نظام طبیعت به‌شمار می‌رود.
- الْحَبِيرُ عَالِمٌ مُتَخَصِّصٌ بِأُمُورٍ مِهْنَةٍ أَوْ عَمَلٍ أَوْ بَرْنَامَجٍ: کارشناس، عالمی متخصص به امور یک شغل یا یک حرفه یا یک برنامه می‌باشد.
- قَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْنَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادَّةٍ فَاسْرَعْتَ إِلَيْهَا: به من (خبر) رسید که مردی از مردان بصره، تو را به سفره مهمانی‌ای فراخوانده و تو به سوی آن شتافتی.
- مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَالِلِهِمْ مَجْثُوقٌ وَغَنِيَّهُمْ مَدْعُوقٌ: گمان نمی‌کردم که مهمانی مردمی را بپذیری که تهی‌دستان رانده و ثروتمندشان دعوت شده است.
- لَكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامٌ يَفْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ: هر رهرویی پیشوایی دارد که از او پیروی می‌کند و از نور دانشش روشنی می‌جوید.
- أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِفَةٍ وَسَدَادٍ: با پارسایی و تلاش و پاکدامنی و درستی، مرا یاری کنید.
- لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ: هیچ چیزی شایسته‌تر از زبان به زندان نیست.
- مَنْ لَمْ يُؤْذِبْهُ الْوَالِدَانِ صَغِيرًا يُؤْذِبُهُ الرَّقْمَنُ: هر کس، پدر و مادر در کودکی او را ادب نکنند، روزگار او را ادب می‌کند.
- يَهْتَمُّ الْمَوَاطِنُ الْفَهِيمُ بِنِظَافَةِ الْبَيْتَةِ اهْتِمَامًا بِالْعَالِ: شهروند فهمیده به نظافت محیط زیست بسیار اهمیت می‌دهد (اهتمام می‌ورزد).
- يَرَى الْمُتَشَالِمُ الصُّعُوبَةَ فِي كُلِّ فُرْصَةٍ: فرد بدبین در هر فرصتی، سختی را می‌بیند.
- الْمُتَفَائِلُ يَرَى الْفُرْصَةَ فِي كُلِّ صُعُوبَةٍ: فرد خوش‌بین در هر سختی‌ای، فرصت را می‌بیند.

جمع‌های مکسر

لَجَأَ = عَاذَ (پناه برد)
 مَجْثُوقٌ = مَطْرُودٌ (رانده شده)
متضاد
 إِكْثَار، إِفْرَاط (زیاده‌روی) ≠ تَقْرِيظ (کوته‌ای)
 تَبِعَ، إِقْتَدَى (پیروی کرد) ≠ عَصَى (سرپیچی کرد)
 تَأَكَّدَ (آلودگی) ≠ تَنْظُف (پاکیزگی)
 جَدَعَ (خشکی) ≠ رَطُوبَةٌ (رطوبت)
 سَدَاد (اجازه داد) ≠ مَنَعَ (منع کرد)
 عَالِلٌ، فَقِيرٌ (فقر) ≠ غَنِيٌّ (بی‌نیاز، ثروتمند)
 فَتَى، شَابَ (جوان) ≠ عَجُوزٌ (پیر)
 قَتَلَ (کشتن) ≠ أَحْيَا (زنده کردن)
 مَجْثُوقٌ (طرد شده) ≠ مَدْعُوقٌ (دعوت شده)
 مُتَشَالِمٌ (بدبین) ≠ مُتَفَائِلٌ (خوش‌بین)
 آمال — أَمَل (آرزو)
 أَسْمَدَة — سَمَد (کود)
 أَطْمَار — طَمَر (لباس کهنه)
 أَفْرَاح، فِرَاح — فَرَح (جوجه)
 أَفْرَاص — قُرْص (نان)
 حَقُول — حَقْل (کشتزار)
 حَيْل — حِيلَة (چاره‌اندیشی)
 حَبْرَاء — حَبِير (کارشناس)
 سُجُون — سَجْن (زندان)
 طُعُوم — طَعْم (غذا)
 فِئْرَان — فَار (موش)
 فِتْنَة — فِتْن (جوان)
 مَادِب — مَادِبَة (سفره مهمانی)

- لَا يَتَرَكُ الصَّدِيقُ سَبَبَ رُفْهِ أَوْ عَيْبٍ فِيهِ: دوست به علت لغزش یا عیبی که در اوست رها نمی‌شود.
- بَعْضُ الطُّيُورِ قَدْ تَلَجَّأَ إِلَى حَيْلٍ لِيُطْرَدَ مُفْتَرِسُهَا عَنْ عُشِّهَا: گاهی برخی پرندگان برای دور کردن شکارچی‌شان از لانه خود به چاره‌اندیشی‌هایی پناه می‌برند.
- يَتَّظَاهَرُ أَمَامَهُ أَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ: در مقابل او وانمود می‌کند که بالش شکسته است.
- يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ جِدَاعِ الْعَدُوِّ وَ إِيْتِمَاعِهِ مِنْ عُشِّهِ: پرنده از نیرنگ زدن به دشمن و دور شدنش از لانه‌اش مطمئن می‌شود.
- إِنَّا لَنُحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا: همانا ما قرآن را بر تو یقیناً نازل کردیم.
- يَعِيشُ الْبَخِيلُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ: خسیس در دنیا همچون فقیران زندگی می‌کند.
- يَسْتُرُ هَذَا السَّمَكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْجَفَافِ فِي غِلَافٍ مِنَ الْمَوَادِّ الْمُخَاطِيَةِ: این ماهی هنگام خشکی (خشکسالی) خودش را در پوششی از مواد مخاطی پنهان می‌کند.
- الصَّيَادُونَ يَذْهَبُونَ إِلَى مَكَانٍ اخْتِفَائِهِ قَبْلَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ يَخْفِرُونَ التُّرَابَ الْجَفَّافَ لِصَيْدِهِ: صیادان قبل از بارش باران به مکان مخفی شدن آن می‌روند و خاک خشک را برای شکار او می‌کنند.
- تَدْخُلُ الْإِنْسَانُ فِي أُمُورِ الطَّبِيعَةِ يُؤْذِي إِلَى إِخْتِلَالٍ تَوَازُنِهَا: دخالت انسان در امور طبیعت منجر به مختل شدن توازن و تعادل آن (طبیعت) می‌شود.
- الْخَضِرَاوَاتُ أَنْوَاعٌ مِنَ الثَّبَاتَاتِ الَّتِي يَتَغَذَّى الْإِنْسَانُ بِهَا: سبزیجات، انواعی از گیاهانی است که انسان به‌وسیله آن تغذیه می‌کند.
- السَّمَكُ الْمَدْفُونُ يَدْفِنُ نَفْسَهُ تَحْتَ الطِّينِ ثُمَّ يَنَامُ نَوْمًا عَمِيقًا أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ: ماهی دفن شده خودش را زیر گل دفن می‌کند، سپس بیشتر از یک‌سال، عمیق می‌خوابد.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای



ترجمه و تعریب (۵۲ تست)



۱. ترجمه تک عبارتی

(خارج انسانی ۹۹)

۲۳۲۳. «إِنْ تَحَقَّقَ التَّوَازُنُ فِي الطَّبِيعَةِ فَسُتُشَاهِدُ الْكَائِنَاتُ الْحَيَّةَ الْإِسْتِقْرَارَ فِيهَا»: **کد پاسخ تصویری: ۹۹۱۷۰۵۸۰**

- اگر توازن در طبیعت محقق شود آرامش را موجودات زنده خواهند دید!
- چنانچه تعادل در طبیعت وجود داشته باشد موجودات زنده آرامش در آن می‌بینند!
- اگر برابری در طبیعت برقرار باشد آرامش و ثبات در موجودات زنده دیده خواهد شد!
- چنانچه توازن در طبیعت تحقق یابد موجودات زنده آرامش و ثبات را در آن خواهند دید!



۲۳۲۴. ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ﴾: این

(۱) آفرینش الله است؛ پس ببینید آن‌ها که غیر او هستند چه خلق کرده‌اند؟!

(۲) آفرینش الهی است، پس مرا ببینید که غیر او، چه آفریده‌اند؟!

(۳) خلق خدا است، پس به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند چه آفریده‌اند؟!

(۴) آفریده خداوند است، پس به من نشان دهید معبودانی غیر او چه چیزی را خلق کرده‌اند؟!

(تجربی ۹۹)

۲۳۲۵. «كَمْ شَخْصًا نَعْرِفُ أَنَّهُمْ يَعْمَلُونَ بِمَا يَقُولُونَ، فَيُؤْثَرُونَ عَلَيْنَا تَأْثِيرًا عَمِيقًا لَا نَجِدُ مِثْلَهُ فِي الْآخِرِينَ؟!»:

(۱) چند شخص را می‌شناسیم که می‌گویند چیزی را که بدان عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که همانند آن را در دیگران نمی‌یافتیم؟!

(۲) چند شخص را شناخته‌ایم که به چیزی که می‌گویند عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان تأثیری دارند که در دیگران مثل آن را نیافته‌ایم؟!

(۳) چند نفر را می‌شناسیم که آن‌ها چیزی می‌گویند که عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان اثری دارند که در افراد دیگر همانندش را نمی‌یابیم؟!

(۴) چند نفر را می‌شناسیم که به آنچه می‌گویند عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که در دیگران مثل آن را نمی‌یابیم؟!

(انسانی ۱۴۰۰)

۲۳۲۶. ﴿مَا أَسْرَعَ تَلَوُّتُ الْهَوَاءِ فِي تَخْرِيبِ بَيْتِنَا إِنْ لَمْ يَتَحَقَّقِ التَّوَازُنُ فِيهَا، فَهُوَ مُهْدَدٌ لِلْبَشَرِيَّةِ!﴾: ﴿کد پاسخ تصویری: ۰۰۱۷۰۵۸۱﴾

(۱) اگر تعادل در محیط زیست محقق نشود چقدر آلودگی هوا برای خراب شدن محیط زیست ما سریع، و برای بشریت چقدر تهدیدکننده می‌باشد!

(۲) آلودگی هوا در خراب کردن محیط زیست ما چقدر سریع است اگر تعادل در محیط زیست محقق نشود، و این امر تهدید کننده بشریت است!

(۳) برای خراب شدن محیط زیست ما آلودگی هوا بسیار سریع است و برای بشریت تهدیدکننده است، اگر تعادل در آن محقق نشود!

(۴) آلودگی هوا برای خراب کردن محیط زیست ما سریع نیست اگر تعادل در آن محقق شود، وگرنه بشریت را تهدید می‌کند!

(ریاضی ۹۹)

۲۳۲۷. «إِنَّ الْهَمْسَ الَّذِي يَمْنَعُكَ عَنِ التَّعَلُّمِ فِي الضَّفِّ، يَضُرُّكَ ضَرْبًا لَا تَنْتَبِهُ إِلَيْهِ إِلَّا فِي نَهَايَةِ السَّنَةِ!»:

(۱) آهسته سخن گفتنی که تو را از آموزش در کلاس باز دارد، کاملاً به تو ضرری می‌زند که متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!

(۲) در کلاس درگوشی سخن گفتن، تو را از آموختنی باز می‌دارد که به تو قطعاً ضرر می‌زند و متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!

(۳) آهسته سخن گفتن در کلاس، تو را از یادگیری باز می‌دارد و به تو ضرر می‌زند به گونه‌ای که فقط در پایان سال متوجهش می‌شوی!

(۴) بیج کردنی که تو را از آموختن در کلاس باز دارد، به تو ضرری می‌زند که فقط در پایان سال متوجه آن می‌شوی!

(انسانی ۱۴۰۰)

۲۳۲۸. «كَانَ الْمَزَارِعُ يُرَاقِبُ أُمُورَ الْمَرْعَةِ مُرَاقِبَةً وَلَكِنَّ الْبُومَاتِ كَانَتْ تَتَغَذَّى عَلَى الْأَفْرَاحِ، وَ هَذِهِ سَنَةُ الطَّبِيعَةِ!﴾: ﴿کد پاسخ تصویری: ۰۰۱۷۰۵۸۲﴾

(۱) کشاورز مراقب امور مزرعه بود ولی تغذیه جغد ها از جوجه ها انجام می‌گرفت، و این قانون طبیعت بود!

(۲) مزرعه دار امور مزرعه را نگرهبانی می‌کرد اما جغد ها جوجه ها را خورده بودند، و این سنت طبیعت بود!

(۳) مزرعه دار از کارهای مزرعه با دقت مراقبت می‌کرد ولی جغد ها جوجه ها را خورده بودند، و این قانون طبیعت است!

(۴) کشاورز کارهای مزرعه را بی‌گمان مراقبت می‌کرد ولی جغد ها از جوجه ها تغذیه می‌کردند، و این سنت طبیعت است!

۲۳۲۹. «قَدْ قَرَرْنَا أَنْ نَكْتُبَ أَبْحَاثًا عَنِ الْعَوَامِلِ الْمُهِدِّدَةِ لِلْبَيْئَةِ وَ نَقْدَمُ طَرِيقَةً لِرَفْعِهَا!»:

(۱) تصمیم گرفته‌ایم که پژوهش‌هایی درباره عوامل تهدیدکننده محیط زیست بنویسیم و راهی را برای رفع آن‌ها ارائه دهیم!

(۲) قرار گذاشتیم که تحقیقاتی را در خصوص عوامل تهدیدکننده برای محیط زیست نوشته تا یک راهکار برای رفع آن پیشنهاد کنیم!

(۳) تصمیم گرفته‌ایم که درباره عواملی که برای محیط زیست، تهدیدکننده هستند، پژوهش کنیم و برای حل آن یک راه ارائه کنیم!

(۴) قرار گذاشته‌ایم که پژوهش‌های خود را پیرامون عواملی که تهدیدکننده محیط زیست هستند، بنویسیم تا برای رفع آن‌ها راهی ارائه کنیم!

(خارج معارف ۱۴۰۳)

۲۳۳۰. «قَدْ سَبَّبَ التَّقَدُّمُ التَّكْنُولُوجِي تَلَوُّتَ الْجَوِّ، وَ كَمَ مِنَ النَّاسِ أَصْبَحُوا مُصَابِينَ بِأَمْرَاضٍ مُخْتَلِفَةٍ بِسَبَبِهِ، وَ لَا مَفْزَ إِلَّا اللَّجُوءُ إِلَيْهِ!»:

(۱) بی‌شک پیشرفت تکنولوژی آلوده شدن هوا را هم باعث شده، و دچار شدن بسیاری از مردم به امراض مختلف بدین سبب است، اما راه فراری هم نیست جز اینکه به خودش پناه ببریم!

(۲) پیشرفت تکنولوژی قطعاً باعث آلوده شدن هوا می‌شود، و از میان مردم بسیاری هستند که بدین سبب دچار بیماری‌های مختلف شده‌اند، لذا هیچ گریزگاهی جز پناه بردن به خود آن نیست!

(۳) قطعاً پیشرفت تکنولوژی سبب آلودگی هوا شده است، و چه بسیار مردمی که به خاطر آن دچار بیماری‌های مختلف شده‌اند و هیچ راه گریزی جز پناه بردن به خودش نیست!

(۴) پیشرفت تکنولوژی است که آلودگی هوا را به وجود آورده و بسیاری از مردم را به بیماری‌های مختلف گرفتار کرده است اما جز پناه بردن به خودش، مفزی هم نیست!

(Level Up)

۲۳۳۱. «تَلَوُّتُ الْجَوِّ يَسَبِّبُ الْأَمْطَارَ الْحَمِضِيَّةَ وَ لِهَذَا فَهُوَ مِنَ الْعَوَامِلِ الَّتِي يَهْدَدُ بِهَا نِظَامُ الطَّبِيعَةِ!»:

(۱) آلودگی جوی، سبب باران‌های اسیدی می‌شود و به همین خاطر آن از عواملی است که نظام طبیعت را تهدید می‌کند!

(۲) آلودگی هوا، سبب باران‌های اسیدی می‌شود و از این رو آن از عواملی است که به وسیله آن‌ها نظام طبیعت تهدید می‌شود!

(۳) آلودگی هوا، سبب باران‌های اسیدی می‌گردد و به همین خاطر از عواملی است که نظام طبیعی با آن تهدید می‌شود!

(۴) آلودگی جوی، سبب می‌شود که باران‌های اسیدی که از عوامل تهدیدکننده برای نظام طبیعی است، شکل گیرد!

۲۳۳۲. «نستهلك الأسمدة الكيماوية بكثرة و نحن نعلم أن إستخدامها الكثير يُؤدى إلى الإختلال فى نظام الطبيعة!»: <كد پاسخ تصویری: ۰۱۲۰۵۸۳>

- (۱) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می‌کنیم حال آن‌که می‌فهمیم که کاربرد زیادشان اختلالی در نظام طبیعت به وجود می‌آورد! (خارج انسانی ۱۴۰۰)
 (۲) ما کودهای شیمیایی را زیاد مصرف می‌کنیم درحالی‌که می‌دانیم که به کار بردن زیادشان به اختلال در نظام طبیعت منجر می‌شود!
 (۳) ما کودهای شیمیایی زیادی مصرف می‌کنیم با این‌که می‌دانیم که به کار بردن زیادشان اختلال در نظام طبیعت را به وجود می‌آورد!
 (۴) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می‌کنیم با وجود این‌که فهمیده‌ایم که زیاد به کار بردنشان منجر به اختلال در نظام طبیعت می‌شود!

۲۳۳۳. «لا یعیثنی فی دروسی إلا من یُحِبُّنى حُباً، و هو صدیقى الذى تقدّمه فی الدّروس أكثر منى، و تقدّمی الدّراسی فی هذه السّنة یرتبط بمساعدته!»: <كد پاسخ تصویری: ۰۳۱۲۰۵۸۴>

(انسانی اردیبهشت ۱۴۰۳)

- (۱) حتماً مرا در درس‌هایم کمک می‌کند کسی که واقعاً مرا دوست دارد، کسی که در درس از من پیشرفته‌تر است، و او دوست من است و پیشرفت درسی من امسال به یاری‌اش وابسته است!
 (۲) مرا در درس‌هایم یاری نمی‌رساند جز کسی که حقیقتاً به من علاقه دارد، و او دوستی است که در درس از من جلوتر است، و این سالی است که پیشرفت درسی من به کمک او بستگی دارد!
 (۳) فقط کسی که مرا واقعاً دوست دارد در درس‌هایم حتماً به من کمک می‌کند، و او آن دوستی است که در درس از من جلوتر است، و در این سال ارتقاء تحصیلی من به یاری او وابسته است!
 (۴) فقط آنکه مرا واقعاً دوست دارد مرا در درس‌هایم یاری می‌کند، و او دوستی است که پیشرفتش در درس از من بیشتر است، و امسال پیشرفت تحصیلی من به کمک او بستگی دارد!

۲۳۳۴. «ما أجمل توازن الطبيعة، و أجمل منه هو أن نسعى كلنا أن نمنع تعدى الظالمين على نظام العالم و ما فيه من أجل منفعتهم!»: چه زیباست _____

(انسانی ۱۴۰۱)

- (۱) توازن طبیعت، و زیباتر تلاش ماست و این‌که همه ما در برابر ستم منفعت‌طلبانه ظالمان بر نظم موجود در عالم و هرچه در آن است، بایستیم!
 (۲) تعادل در طبیعت، و از آن زیباتر تلاش همگی ماست تا جلو ستمگری ستمکاران را در نظام عالم و هرچه در آن است برای نفع شخصی خویش، بگیریم!
 (۳) توازن طبیعت، و از آن زیباتر است که ما همگی تلاش کنیم برای منفعت خویش مانع ستمکاری ظالمان در نظام موجود در جهان و آنچه در آن است شویم!
 (۴) تعادل طبیعت، و زیباتر از آن این است که ما همگی تلاش کنیم از دست‌درازی ستمگران بخاطر سود خودشان بر نظام جهان و آنچه در آن است، جلوگیری کنیم!

۲۳۳۵. «لا أقدر أن أرى هذه الطيور إلا أن تُساعدنى مُساعدَةً مُثمرة!»: <كد پاسخ تصویری: ۰۱۱۲۰۵۸۵>

- (۱) قادر نیستم این پرندگان را تربیت کنم، جز این‌که تو به من، حقیقتاً کمکی پرثمر نمایی!
 (۲) فقط زمانی قادر به تربیت کردن این پرندگانم، که قطعاً مساعدتی تأثیرگذار به من داشته باشی!
 (۳) نمی‌توانم که این پرندگان را پرورش دهم، مگر این‌که به گونه‌ای ثمر بخش، به من کمک نمایی!
 (۴) فقط، چنانچه به شکل ثمر بخش، به من یاری رسانده شود، می‌توانم این پرندگان را تربیت کنم!

۲۳۳۶. «إذا نظرت بنظارة التفاؤل إلى الوجود رأيت الجمال رؤية في كل ذرّاته!»: (Level Up)

- (۱) هرگاه به هستی، با عینک خوش‌بینی بنگری، زیبایی را در همه ذرات آن قطعاً می‌بینی!
 (۲) اگر با خوش‌بینی عرصه وجود را ببینی، زیبایی را در تک‌تک ذراتش می‌بینی!
 (۳) هرگاه با عینک خوش‌بینی به هستی بنگری، قطعاً زیبایی را در همه ذراتش می‌بینی!
 (۴) اگر به هستی نگاهی خوش‌بینانه داشته باشی، در همه ذرات آن زیبایی را قطعاً خواهی دید!

۲۳۳۷. «ليس هناك عظم في اللسان ولكنه يستطيع أن يكسر القلوب استطاعة، فلنراقب كلامنا!»: <كد پاسخ تصویری: ۰۱۲۰۵۸۶>

- (۱) در زبان استخوانی وجود ندارد، ولی قطعاً می‌تواند دل‌ها را بشکند، پس باید مواظب سخنانمان باشیم!
 (۲) در زبان استخوانی نیست، اما به خوبی توانایی شکستن قلب‌ها را دارد، پس باید از سخنانمان مراقبت کنیم!
 (۳) استخوانی در زبان وجود ندارد، اما توانایی دارد قلب‌های دیگران را کاملاً بشکند، پس باید مراقب سخن‌گفتنمان باشیم!
 (۴) در هیچ زبانی استخوان نیست، ولی واقعاً می‌تواند قلب‌ها را بشکند، پس باید به خوبی از سخن‌گفتنمان مواظبت کنیم!

۲۳۳۸. «ما حدث حيرنى كثيراً، كانت البوماتُ تتغذى على فئران الحقل إضافة إلى الأفراخ!»: <كد پاسخ تصویری: ۰۱۲۰۵۸۷>

- (۱) آنچه رخ داد، بسیار مرا شگفت‌زده کرد، جفدها از دو موش مزرعه و علاوه بر آن از جوجه‌ها، تغذیه می‌کنند!
 (۲) آنچه اتفاق افتاد، مرا بسیار متحیر کرد، جفدها علاوه بر جوجه‌ها، از موش‌های کشتزار تغذیه می‌کردند!
 (۳) تغذیه کردن جفدها از دو موش کشتزار و افزون بر آن جوجه‌ها، اتفاقی نبود که من را خیلی شگفت‌زده کند!
 (۴) از اتفاقی که افتاد، شگفت‌زده شدم، جفدها از موش‌های کشتزار و افزون بر آن جوجه‌ها تغذیه می‌کردند!

۲۳۳۹. «بعضُ الطيور عندما تشعر بالخطر حولها تلجأ إلى الحيل التي تُنقذ حياتها من الموت!»: <كد پاسخ تصویری: ۰۱۲۰۵۸۷>

- (۱) عده‌ای از پرندگان هنگام احساس خطر، به چاره‌ای می‌اندیشند که زندگی‌شان را از مرگ نجات دهد!
 (۲) زمانی‌که تعدادی از پرندگان خطر را احساس کردند به چاره‌هایی پناه آوردند تا زندگی‌شان از مرگ نجات یابد!
 (۳) هرگاه برخی پرندگان پیرامون خود احساس خطر کنند چاره‌اندیشی می‌کنند تا زندگی خود را از مرگ نجات دهند!
 (۴) برخی پرندگان هنگامی‌که در اطراف خود احساس خطر می‌کنند به چاره‌اندیشی‌هایی که زندگی آن‌ها را از مرگ نجات می‌دهد، متوسل می‌شوند!

۲۳۴۰. «لا فرق بين القَط الأسود و القَط الأبيض، القَط يجب أن يقدر أن يصيد الفأر صيداً ليشبع بطنه!»: **«کد پاسخ تصویری: ۰۰۱۲۰۵۸۸»** (خارج انسانی ۱۴۰۰)

- (۱) هیچ فرقی بین گربه سیاه و گربه سفید نیست، گربه باید بتواند حتماً موش بگیرد تا شکمش را سیر کند!
 - (۲) فرقی بین گربه سفید و گربه سیاه اصلاً نیست، چه گربه باید قادر باشد موش بگیرد تا شکمش سیر شود!
 - (۳) اصلاً فرقی بین گربه‌ای که سیاه باشد و گربه‌ای که سفید باشد وجود ندارد، حتماً گربه باید قادر باشد موشی بگیرد تا شکمش را سیر کند!
 - (۴) فرقی بین گربه که سیاه باشد یا سفید باشد وجود ندارد، قطعاً گربه باید بتواند موشی بگیرد تا شکمش سیر شود!
۲۳۴۱. «ما أَظْلَمُ مَنْ يَقُومُ بِنَشَاطَاتٍ مُخَرَّبَةٍ تُؤَدِّي إِلَى أَنْ يَخْتَلَّ تَوَازُنُ الطَّبِيعَةِ!»:

- (۱) هر کس به فعالیت‌های مخربی که به نام تعادل شدن طبیعت، منجر شود، پردازد، چقدر ظالم است!
- (۲) چقدر ستمگر است کسی که به اقدامات تخریب گرایانه‌ای پردازد که منجر شود تعادل طبیعت را مختل کند!
- (۳) کسی که به فعالیت‌های تخریب گرایانه‌ای پردازد که منجر شود تعادل طبیعت مختل شود، چقدر ستمگر است!
- (۴) چقدر ظالم است هر کس که به فعالیت‌های مخرب اقدام کند و منجر به برهم زدن تعادل در طبیعت شود!

۲۳۴۲. «ما أَكْثَرَ الْمُبِيدَاتِ الزَّرَاعِيَّةِ، وَلَكِنْ مُزَارَعِينَا لَا يَلَا حَظُّونَ مُضَرَّاتِهَا!»: **«کد پاسخ تصویری: ۰۹۸۱۲۰۵۸۹»** (خارج معارف ۹۸)

- (۱) حشره‌کش‌های کشاورزی با این که زیادند، اما کشاورزان ما ضررهایشان را نمی‌بینند!
- (۲) حشره‌کش‌های کشاورزی زیادند، ولی کشاورزانمان به ضررهای آن‌ها توجه نمی‌کنند!
- (۳) چه زیادند حشره‌کش‌های کشاورزی، اما کشاورزانمان به مضرات آن بی‌توجه هستند!
- (۴) چه بسیارند حشره‌کش‌های کشاورزی، ولی کشاورزان ما مضرات آن‌ها را ملاحظه نمی‌کنند!

۲۳۴۳. «مِنَ النَّاسِ مَنْ يَلْتَزِمُونَ بِآدَابِ الْكَلَامِ التَّزَاماً لَا يُسَبِّحُونَ أَثَرَهُ لِلْآخِرِينَ!»:

- (۱) بعضی از مردم پایبندند که با ادب سخن بگویند تا باعث هیچ‌گونه اذیتی برای دیگران نگردند!
- (۲) عده‌ای از مردم چنان پایبند به آداب سخن گفتن هستند که سبب هیچ آزاری برای دیگران نمی‌شوند!
- (۳) در میان مردم کسانی هستند که پایبند به رعایت ادب در کلامند و پایبندی آن‌ها سبب هیچ آزاری برای دیگران نمی‌شود!
- (۴) از میان مردم عده‌ای هستند که به گونه‌ای به آداب در سخن گفتن پایبندند که این پایبندی باعث هیچ اذیتی برای دیگران نمی‌گردد!

۲۳۴۴. «هُؤُلَاءِ الْأَطْفَالُ قَدْ أَجَابُوا عَنْ أَسْئَلَةِ سَأَلْنَاهَا إِبْجَاءَ الصَّادِقِينَ!»:

- (۱) این‌ها کودکانی‌اند که راستگویانه سؤال‌های ما را پاسخ داده‌اند!
- (۲) این کودکان به سؤالاتی که پرسیده بودیم، همچون راستگویان پاسخ داده‌اند!
- (۳) این بچه‌ها قطعاً با راستگویی به پرسش‌هایی که ما پرسیده‌ایم پاسخ می‌دهند!
- (۴) این بچه‌ها به سؤالاتی که پرسیده بودیم پاسخ دادند در حالی که راستگو هستند!

۲۳۴۵. «قَلْبُ الْمُسْلِمِ كَطَائِرٍ يَرْتَفِعُ فِي السَّمَاءِ الَّتِي لَيْسَ لَهَا حُدٌّ ارْتِفَاعاً مُسْتَمَرًّا!»:

- (۱) قلب مسلمان، مثل پرنده است که او را در آسمان بی‌حد و مرز، به طور مستمر بالا می‌برد!
- (۲) دل مسلمان، به سان پرنده‌ای است که در آسمانی که حد و مرزی ندارد، پی‌درپی بالا می‌رود!
- (۳) قلب مسلمان، همچون پرنده‌ایست که در آسمان بی‌حد و مرز، بی‌شک، به شکل مستمر ارتفاع می‌گیرد!
- (۴) دل مسلمان، همچون پرنده‌ایست که در آسمانی که حدی برای آن نیست، پی‌درپی او را بالا می‌برد!

۲۳۴۶. «لَا يُتْرَكُ الصَّدِيقُ بِسَبَبِ زَلَّةٍ أَوْ عَيْبٍ فِيهِ، لِأَنَّا لَا نَجِدُ كَامِلاً إِلَّا اللَّهَ!»: دوست **«کد پاسخ تصویری: ۱۲۰۴۰۵۹۰»** (Level Up)

- (۱) نباید به خاطر لغزشی یا عیبی که در اوست، ترک شود؛ زیرا که ما فقط خداوند را کامل می‌یابیم!
- (۲) به خاطر لغزشی یا یک عیب در آن ترک نمی‌شود؛ زیرا که جز الله را کامل نمی‌یابیم!
- (۳) به سبب لغزش یا نقصش رها نمی‌گردد؛ چرا که کاملی جز خداوند یافت نمی‌شود!
- (۴) نباید رها شود به سبب لغزش یا عیبی که دارد؛ زیرا که جز خداوند کسی را کامل پیدا نمی‌کنیم!

۲۳۴۷. «لِحَسَنِ الْحَقِّ أَدْرَكَ الْكَثِيرُ مِنَ الْبُلْدَانِ أَخْطَارَ التَّلَوُّثِ الْبَيْنِيِّ وَ يَتَّخِذُ الْإِجْرَاءَاتِ الْإِلْزَامَةَ لِتَقْلِيلِهِ!»: خوشبختانه

- (۱) بسیاری از کشورها خطرات آلودگی محیطی را درک کرده درحالی که برای کم شدن آن تصمیمات لازم را می‌گیرند!
- (۲) کشورهای بسیاری شروع به هشدار دادن در برابر خطرات ناشی از آلودگی هوا نموده و اقداماتی هم برای کاهش آن به اجرا می‌گذارند!
- (۳) بسیاری از کشورها خطرهای آلودگی زیستی را درک کرده و برای کاهش دادن آن اقدامات لازم را اتخاذ می‌کنند!
- (۴) بسیاری از کشورها، خطرات آلودگی محیط زیست را درک می‌کنند و برای کم کردن آن اقداماتی انجام می‌دهند!

۲۳۴۸. «إِنْ شَخَبَ الْأَعْدَاءُ مِنْ بِلَادِنَا خَاسِرِينَ لَأَنَّا قَدْ مَنَّا شَبَاباً أَعْرَاءَ لِنَسْتَطِيعَ أَنْ نَهْزِمَهُمْ فَنَطْرُدَهُمْ!»: دشمنان

- (۱) زیان دیده، از سرزمین ما عقب‌نشینی کردند، چون ما جوانانی عزیز را پیش فرستادیم، تا توانستیم آن‌ها را شکست دهیم و بیرون برانیم!
- (۲) زیان دیده عقب‌رانده شدند، چون ما جوان‌های عزیزمان را تقدیم نمودیم، تا بتوانیم آن‌ها را شکست داده و بیرون کنیم!
- (۳) بازنده، از کشورمان عقب‌نشینی کردند، زیرا که ما جوانانی عزیز را تقدیم کردیم، تا بتوانیم آن‌ها را شکست دهیم و بیرونشان برانیم!
- (۴) از سرزمین ما در حالی که زیان دیدند، عقب‌نشینی کردند، و ما جوانانی عزیز را تقدیم کردیم تا بتوانیم آن‌ها را شکست دهیم، سپس طرد کنیم!

۲۳۴۹. «نَحْنُ الْبَشَرِيَّةُ كَأَقْلَامِ التَّلَوِينِ قَدْ لَا يَكُونُ لَوْنُنَا مَحْبُوباً وَ قَدْ لَا تُعْجِبُنَا أَلْوَانُ الْآخَرِينَ وَ لَكِنَّا سَنَحْتَاجُ إِلَى بَعْضِنَا بَعْضاً لِاحْتِيَاجِ الْيَكْتَمَلِ الرَّسْمُ!»؛ ما بشریت مثل مدادهای رنگی هستیم

- (۱) ممکن است رنگ ما دوست داشتنی نباشد و شاید از رنگ های دیگران خوشمان نیاید، لیکن برای اینکه نقاشی کامل شود، به همدیگر قطعاً نیاز خواهیم داشت!
- (۲) که رنگمان محبوب نمی باشد و رنگ های دیگران ما را به وجد نمی آورد، اما به یکدیگر احتیاج خواهیم داشت تا نقاشی کامل شود!
- (۳) که رنگ محبوبمان را پیدا نمی کنیم و گاهی از رنگ دیگران خوشمان نمی آید، لیکن عده ای از ما به عده ای دیگر نیاز خواهد داشت تا نقاشی کامل شود!
- (۴) شاید رنگمان دوست داشتنی نباشد و گاهی از رنگ های دیگران خوشمان نمی آید، لیکن برای اینکه نقاشی کامل شود، به یکدیگر بسیار احتیاج خواهیم یافت!

۲. ترجمه چهار عبارتی

۲۳۵۰. عَيْنُ الْخَطَا:

(ریان ۹۸)

- (۱) رَغِبْتُ فِي الصَّدَقِ رَغْبَةً كَثِيرَةً؛ توبه صداقت، بسیار تمایل پیدا کردی!
- (۲) يَجَاهِدِ الْمُؤْمِنُ فِي اللَّهِ مُجَاهِدَةً؛ مؤمن (و نه کس دیگر) حتماً در راه خدا تلاش می کند!
- (۳) يَتَوَكَّلُ صَدِيقِي عَلَى رَبِّهِ تَوَكَّلِ الْمُؤْمِنِينَ؛ دوستم بر پروردگارش توکل می کند همچون توکل مؤمنان!
- (۴) يَبْلُغُ الْمُجْتَهِدُ أَمَالَهُ بِلَوْغاً، وَ أَنَا كُلُّ يَوْمٍ أَمْتِنَاهُ؛ انسان کوشا به آرزوهایش حتماً می رسد و من هر روز آرزوی آن را دارم!

۲۳۵۱. عَيْنُ الْخَطَا:

(خارج معارف ۱۴۰۳)

- (۱) الْقَطْمُ يُدْخِلُكَ فِي مَهْلَكَةٍ تَضُرُّكَ ضَرّاً؛ طمع تو را در هلاکت می اندازد و بسیار به تو ضرر می زند!
- (۲) تَغَافَلُ عَنْ زَلَلِ النَّاسِ تُبْقِي الْمَرْوَةَ بَيْنَهُمْ؛ از لغزش مردم چشم پوشی کن تا جوان مردی را بین آن ها باقی بگذاری!
- (۳) جَبْرَانُ مَا يُفْقَدُ بِسَبَبِ السَّكُوتِ أَيْسَرُ مِمَّا قَدْ فَاتَ بِسَبَبِ الْكَلَامِ؛ جبران آنچه بر اثر سکوت از دست می رود آسان تر از چیزی است که به خاطر سخن گفتن از دست رفته است!
- (۴) عِنْدَمَا بَدَأَتْ فَرْخَةُ الْعَصْفُورِ تَفْتَحُ فَمَهَا عَرَفَتِ الْأُمُّ أَنَّهَا تَشْعُرُ بِالْجُوعِ؛ هنگامی که جوجه گنجشک شروع به باز کردن دهان خود کرد مادر فهمید که او احساس گرسنگی می کند!

۲۳۵۲. عَيْنُ الْخَطَا:

(خارج معارف ۹۸)

- (۱) بَدَأَ الْحَاكِمُ يَطُوفُ الْكَعْبَةَ وَ النَّاسَ مَزْدَحْمُونَ؛ حاکم شروع به طواف کعبه کرد در حالی که مردم ازدحام کرده بودند،
- (۲) فَلَمْ يَقْدِرْ اسْتِلَامَ الْحَجَرِ لِأَنَّ النَّاسَ لَمْ يَعْرِفُوهُ مَعْرِفَةً؛ پس نتوانست «حجر» را مسح کند زیرا مردم واقعاً او را نشناخته بودند،
- (۳) وَ عِنْدَمَا شَاهَدَ عَالِماً يَسْتَلِمُهُ وَ النَّاسَ يُعَاوَنُونَهُ؛ و هنگامی که عالمی را دید که مردم به او کمک می کنند تا آن را مسح کند،
- (۴) خَافَ خَوْفاً مِنْ أَنْ يَرْغِبَ النَّاسُ إِلَى ذَلِكَ الْعَالِمِ؛ به شدت ترسید از اینکه مردم به آن عالم متمایل شوند!

۲۳۵۳. عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) أَلَا وَإِنْ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيَّةٍ؛ آگاه باشید، و بی شک امام شما از دنیایش، به جامه کهنه اش بسنده کرده،
- (۲) وَ مِنْ طُلْعِهِ بِقُرْصِيهِ، أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدَرُونَ عَلَى ذَلِكَ؛ و از خوراکش به دو قرص نان خود، آگاه باشید که قطعاً شما نمی توانید چنین کنید،
- (۳) وَلَكِنْ أَعْيُنُونِي بَوْرِعَ وَاجْتِهَادٍ وَ عَفَقَ وَ سَدَادٍ؛ ولی مرا با پارسایی و تلاش، و پاکدامنی و درستی یاری کنید،
- (۴) هَذَا نَصُّ رِسَالَةِ الْإِمَامِ الْأَوَّلِ إِلَى أَحَدِ عَامِلِيهِ؛ این متن نامه امام اول به یکی از استانداران است!

۲۳۵۴. عَيْنُ الْخَطَا: ﴿کد پاسخ تصویری: ۰۱۱۲۰۵۹۱﴾

(انسانی ۱۴۰۱)

- (۱) أَوْلَادُ: الْأَمْطَارُ لَا تُصْبِحُ حَمْضِيَّةً إِلَّا بَتَلَوْتُ الْهَوَاءَ؛ فرزندان؛ باران ها فقط با آلودگی هوا اسیدی می شوند!
- (۲) أَوْلَادُ: الْإِخْتِلَالُ فِي الطَّبِيعَةِ يُؤَدِّي إِلَى تَخْرِيْبِهَا، وَ هَذَا خَطَرُ؛ فرزندان؛ اختلال در طبیعت منجر به تخریب آن می شود، و این خطر است!
- (۳) أَوْلَادُ: لَا تُهْذَدُوا نِظَامَ الطَّبِيعَةِ بِكَثْرَةِ اسْتِخْدَامِ الْأَسْمَدَةِ الْكِيمِيَاوِيَّةِ؛ فرزندان؛ نظام طبیعت را با زیاد به کار بردن کودهای شیمیایی تهدید نکنید!
- (۴) أَوْلَادُ: إِنْ تَكُونُوا خَيْرِينَ تَجِدُوا رَوَابِطَ مِتَدَاخِلَةٍ بَيْنَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ؛ فرزندان من؛ اگر آگاه باشید می فهمید که روابط بین موجودات زنده پیچیده است!

۲۳۵۵. عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) طَرَدْنَا الْمُعْتَدِينَ عَلَى بِلَادِنَا طَرْدًا فَانْسَحَبُوا؛ متجاوزان به کشورمان را به گونه ای رانديم که عقب نشینی کردند!
- (۲) قَدْ يُمْكِنُ لِلْمَرْءِ الْعَيْشَ بِلَا بَصَرٍ لَكِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْعَيْشِ بِلَا أَمَلٍ؛ گاهی برای انسان امکان دارد که بدون بینایی زندگی کند، اما نمی تواند بدون آرزو زندگی کند!
- (۳) لَا شَكَّ أَنَّ كُلَّ عَسِيرٍ يَصْبِحُ سَيِّراً بِالْإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ؛ بی شک هر سختی با یاری خواستن از الله آسان می شود!
- (۴) الْمُتَشَائِمُ يَشْكُو مِنَ الرِّيحِ وَ الْمُتَفَائِلُ يَنْتَظِرُ تَغْيِيرَ الْمَسِيرِ؛ بدبین از باد شکوه می کند در حالی که خوش بین انتظار تغییر مسیر را می کشد!

۲۳۵۶. عَيْنُ الصَّحِيحِ: ﴿کد پاسخ تصویری: ۰۹۸۱۲۰۵۹۲﴾

(خارج انسانی ۹۸)

- (۱) إِنْ تَجَلَسُوا فِي الضَّفِّ هَادِئِينَ؛ اگر آرام در کلاس بنشینید،
- (۲) وَ تَسْتَمِعُوا إِلَى كَلَامِي اسْتِمَاعاً؛ و سخنانم را به خوبی بشنوید،
- (۳) سَأَقْرَأُ لَكُمْ بَعْضَ الْآيَاتِ؛ بعضی آیات را برایتان می خوانم،
- (۴) لَا تَأْخُذُونَ مِنْهَا إِلَّا الْعِبْرَةَ الْمُؤَثِّرَةَ؛ که از آن ها عبرت های تأثیرگذار می گیرید!

- (۱) إِنَّ الطَّبِيعَةَ قَلْبُ الْإِنْسَانِ فَلْنُحَافِظْ عَلَى دَقَّاتِ قَلْبِهَا! طبيعت مثل قلب انسان است پس مراقبت از ضربان قلبش لازم است!
- (۲) هَلْ إِنَّكَ مَنْظُمٌ وَأَنْتَ تُفْتَشُ دَائِمًا فِي غَرْفَتِكَ! آیا تو منظم هستی در حالی که در اتاق در حال جستجو می باشی!
- (۳) كَسْرُ غَصْنِ الْأَشْجَارِ كَانْكَسَارِ جَنَاحِ الْمَلَائِكَةِ! شکاندن شاخه های درخت مثل شکستن بال های فرشتگان است!
- (۴) إِنْ تُقَلِّلُوا مِنْ كَلَامِكُمْ تُصْبِحْ رَاحَتُكُمْ كَثِيرَةً! اگر از صحبت کردنتان بکاهید راحتیتان زیاد می شود!

- (۱) ﴿مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾: هر کس از خدا و پیامبرش اطاعت کند، قطعاً رستگار می شود!
- (۲) أَقْرَأْ دُرُوسِي قِرَاءَةً لَا يَتَصَوَّرُهَا أَحَدٌ! درسهایم را به گونه ای می خوانم که کسی تصورش را نمی کند!
- (۳) أَعْبِدْ رَبِّي الْحَنُونَ عِبَادَةَ الْمَحَبِّ وَلَا أَرْجُو إِلَّا عَفْوَهُ! پروردگار مهربانم را با عشق می پرستم، و فقط به بخشش او امید دارم!
- (۴) يَنْجِحُ الْإِنْسَانُ الذَّوْؤُوبُ فِي أَعْمَالِهِ نَجَاحًا! انسان پر تلاش (و نه کس دیگر) حتماً در کارهایش موفق می شود!

- (۱) إِنْ رَأَيْتَ أَنَّ كُلَّ أَصْدِقَائِكَ يَتَحَرَّكُونَ فِي جِهَةٍ تُخَالِفُ طَرِيقَكَ! اگر دیدی که همه دوستانت در جهتی که با راه تو مخالف است حرکت می کنند،
- (۲) وَهُوَ طَرِيقُ إِنْكَ إِخْتَرْتَهُ بَعْدَ تَفَكُّرٍ وَدَقَّةٍ وَتُؤْمِنُ بِهِ إِيْمَانًا! حال آن که راهی که تو با فکر و دقت انتخاب کرده ای و به شدت به آن ایمان داری،
- (۳) فَلَا تَتَرَدَّدْ فِيهِ أَبَدًا وَإِنْ كُنْتَ وَحِيدًا وَاسْتَمَرَّ فِيهِ بَجْدٍ! پس هرگز در آن اندیشه، تردید به خود راه مده، حتی اگر تنها بودی و با جدیت آن را ادامه بده،
- (۴) فَقَدْ تَكُونُ الْوَحْدَةُ خَيْرًا مِنَ الْعَيْشَةِ لِإِرْضَاءِ الْآخِرِينَ! قطعاً تنهایی برای تو بهتر از زندگی کردن برای کسب رضایت دیگران است!

- (۱) لَا حَظَّ الْمَزَارُغُ أَنْ عَدَدَ الْأَفْرَاحِ يَنْقُصَ نَقْصًا تَدْرِيجِيًّا! کشاورز دید که تعداد جوجه ها، قطعاً به تدریج کاهش می یابد!
- (۲) لَمْ يَزِدَادْ عَدَدُ فَتْرَانِ الْحَقْلِ ازْدِيَادًا كَبِيرًا! تعداد موش های کشتزار بسیار زیاد نشده است!
- (۳) لَا تُنْكَرْ كَلَامَكَ، قَدْ سَجَلْتُ صَوْتَكَ بِهَذِهِ الْمَسْجَلَةِ! سخنان را انکار نکن، با این ضبط صوت، صدایت را ضبط کرده ام!
- (۴) أَخَذَ الْخَبِيرُ يُفَكِّرُ حَوْلَ السَّمَّاحِ لِلْفَلَّاحِ الْخَاطِئِ! کارشناس شروع به فکر کردن درباره بخشیدن کشاورز خطا کار نمود!

- (۱) هَلْ يَتَقَدَّمُ الَّذِينَ لَيْسُوا مِنْ طُلَّابِ الْعِلْمِ وَلَا مَسْعَى لَهُمْ! آیا کسانی که از جویندگان علم نیستند و هیچ تلاشی ندارند، پیشرفت می کنند!
- (۲) إِذَا كَانَ اللَّهُ مَأْوَى الْإِنْسَانِ، يُعِينُهُ عِنْدَمَا يَدْعُوهُ دَعَاءً! هرگاه خدا پناهگاهی برای انسان باشد هنگامی که او را بخواند فراوان به او کمک می کند!
- (۳) إِبْدَأْ يَوْمَكَ بِعَزْمٍ وَصُمُودٍ، تَشَاهُذْ نَتَائِجَهُ الْجَمِيلَةَ! روزت را با تصمیمی پایدار شروع کن نتایج زیبای آن را می بینی!
- (۴) يُشْجَعُ السَّائِحُونَ لَزِيَارَةِ أَطْوَلِ الْكَهْوفِ الْمَائِيَّةِ! گردشگران را برای مشاهده طولانی ترین غار آبی تشویق می کنند!

- (۱) لَا تُغَيِّرُوا نِظَامَ الطَّبِيعَةِ حَتَّى لَا تُوَدَّى إِلَى تَخْرِيْبِهِ! نظام طبیعت را تغییر ندهید تا منجر به تخریبش نشود،
- (۲) لِأَنَّ الْبَيْئَةَ جُعِلَتْ رَاحَةً لِلْإِنْسَانِ وَلِأَمْنِهِ! زیرا محیط زیست را برای راحتی و امنیت انسان قرار دادند،
- (۳) مَا أَظْلَمَ الْإِنْسَانَ لِنَفْسِهِ فِي إِضَاعَةِ الطَّبِيعَةِ! انسان با ضایع کردن طبیعت به خودش بسیار ظلم می کند،
- (۴) كَمَا تَضَرَّرُهَا الْأَمْطَارُ الْحَمْضِيَّةُ الَّتِي هِيَ نَتِيجَةُ تَلَوُّثِ الْهَوَاءِ! همان طور که باران های اسیدی که به او زیان می رساند نتیجه آلودگی هواست!

۳. تعريب

۲۳۶۳. «آیا ندانستی که این پرنده، لانه بلندش را دور از شکارچیان می سازد!»:

- (۱) أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ الطَّائِرَ يَبْنِي هَذَا الْعُشَّ الْمُرْتَفِعَ بَعِيدًا عَنِ الْمُفْتَرْسِينَ! (۲) أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ هَذَا طَائِرَ يَصْنَعُ عُشَّهُ الْمُرْتَفِعَ بَعِيدًا عَنِ الصَّيَادِينَ!
- (۳) أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ هَذَا الطَّائِرَ يَبْنِي عُشَّهُ الْمُرْتَفِعَ بَعِيدًا عَنِ الْمُفْتَرْسِينَ! (۴) أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الطَّائِرَ يَبْنِي عُشَّهُ الْمُرْتَفِعَ الْبَعِيدَ عَنِ الصَّيَادِينَ!

۲۳۶۴. «مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می کند!» عَيْنُ الصَّحِيح: ﴿كِدَ پَاسِخِ تَصْوِيرِي: ۰۰۱۷۰۵۹۳﴾

- (۱) تَجْتَهِدُ الْأُمَّ لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا اجْتِهَادًا بِالْغَا! (۲) تُحَاوِلُ أُمَّنَا فِي تَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ اجْتِهَادًا!
- (۳) تَجْتَهِدُ أُمَّنَا لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا اجْتِهَادًا كَثِيرًا! (۴) تُحَاوِلُ هَذِهِ الْأُمُّ فِي تَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا كَثِيرًا!

۲۳۶۵. «پرنده باهوش تظاهر کرد که بالش شکسته است!» عَيْنُ الصَّحِيح: ﴿كِدَ پَاسِخِ تَصْوِيرِي: ۰۰۱۷۰۵۹۴﴾

- (۱) تَظَاهَرُ الطَّائِرُ الذَّكِيُّ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ! (۲) يَتَظَاهَرُ الطَّائِرُ الذَّكِيُّ بِأَنَّهُ مَكْسُورُ الْجَنَاحِ!
- (۳) تَظَاهَرُ طَائِرٌ ذَكِيٌّ أَنَّ الْجَنَاحَ لَهُ مَكْسُورٌ! (۴) يَتَظَاهَرُ طَائِرٌ ذَكِيٌّ أَنَّهُ مَكْسُورٌ فِي الْجَنَاحِ!

۲۳۶۶. «استاد موافقت کرد که امتحان را برای دانش آموزان به مدت دو هفته به تأخیر اندازد!»: ﴿كِدَ پَاسِخِ تَصْوِيرِي: ۰۰۱۷۰۵۹۵﴾

- (۱) وَافَقَ أَسْتَاذُنَا أَنْ يُؤَجَّلَ مَوْعِدُ الْامْتِحَانَاتِ أُسْبُوعَيْنِ اثْنَيْنِ! (۲) تَوَافَقَ أَسْتَاذُنَا أَنْ يَتَأَخَّرَ الْمَوْعِدُ لِلَامْتِحَانِ أُسْبُوعَيْنِ اثْنَيْنِ!
- (۳) تَوَافَقَ الْأُسْتَاذُ أَنْ يُؤَخَّرَ امْتِحَانَاتُ الطُّلَّابِ لِمُدَّةِ أُسْبُوعَيْنِ! (۴) وَافَقَ الْأُسْتَاذُ أَنْ يُؤَجَّلَ الْامْتِحَانُ لِلطُّلَّابِ لِمُدَّةِ أُسْبُوعَيْنِ!

۲۳۶۷. «شهروند بافهم نسبت به نظافت محیط زیست شدیداً اهتمام می‌ورزد!» عین‌الصحيح: ﴿کد پاسخ تصویری: ۰۳۷۰۵۹۶﴾ (انسانی اردیبهشت ۱۴۰۳)

- (۱) بی‌هتّم کلّ المواطنين بنظافة البيئة اهتماماً كثيراً!
- (۲) بی‌هتّم المواطنُ الفهیم بنظافة البيئة اهتماماً بالغاً!
- (۳) المواطن ذو اهتمام كثير بنظافة البيئة إذا كان فهيماً!
- (۴) کلّ المواطنين یهتّمون بنظافة البيئة إذا كانوا أصحاب الفهم!

۲۳۶۸. «این کودکان می‌خواستند مادران زمان بیشتری نزدشان بمانند!»:

- (۱) هؤلاء أطفال كانوا يريدون أن يبقين الأمهات لديهنّ زماناً أطول!
- (۲) كان هؤلاء الأطفال يُريدون أن تبقى الأمهات لديهم وقتاً أكثر!
- (۳) هؤلاء أبناء يريدون أن تُمضي الوالدات عندهم أكثر زمن!
- (۴) كان هذا الصغار يريدون أن تُقِفَ الوالدات عندهم أطول مدّة!

(تجربی ۱۴۰۱)

۲۳۶۹. «در زندگی این ادیب، با وجود شرایط دشوارش، به جز فعالیت نمی‌بینیم!»:

- (۱) لا تُشاهد إلا النشاط في حياة الأديب، على رغم الظروف القاسية!
- (۲) لم تُشاهد إلا الإجهاد، مع وجود ظروفه القاسية في حياة الأديب!
- (۳) لا تُشاهد في حياة هذا الأديب إلا النشاط، على رغم ظروفه القاسية!
- (۴) لم نشاهد في حياة هذا الأديب، مع وجود الظروف القاسية إلا الإجهاد!

۲۳۷۰. «در کلاس آیاتی از قرآن را به زیبایی خواندم!»: فی الصفّ _____

- (۱) قرأت آیات القرآن قراءة جميلة!
- (۲) قرأت آیات من القرآن قراءة جميلة!
- (۳) قرأت آیات من القرآن قراءة جميلاً!
- (۴) قرأت آیات من القرآن بصوت جميل!

۲۳۷۱. «ماه‌ها بعد کشاورز مشاهده کرد که سبزیجات در مزرعه در معرض خورده شدن و تلف‌گشتن قرار می‌گیرد!» عین‌الصحيح: ﴿کد پاسخ تصویری: ۰۷۱۷۰۵۹۷﴾ (خارج انسانی ۱۴۰۲)

- (۱) بعد شهور شاهد المزارع أنّ الخضراوات بالمزرعة تتعرض للأكل والتلف!
- (۲) بعد أشهر رأى الفلاح أنّ خضراوات المزرعة تتعرض للأكل والإتلاف!
- (۳) بعد كم شهر شاهد الفلاح أنّ الخضراوات و هي في المزرعة قد أكلت وتلفت!
- (۴) بعد بضعة أشهر رأى المزارع في داخل المزرعة أنّ الخضراوات قد أكلت وتلفت!

۲۳۷۲. «انگور برزیلی درختی است که میوه‌های آن بر تنه درخت می‌روید و از مهم‌ترین خصوصیات آن اینست که در طول سال میوه می‌دهد!» عین‌الصحيح: (معارف ۱۴۰۱)

- (۱) عنب البرازيل شجرة أثمارها تنمو على الجذع، و الموصافات المهمة لها أنّها تثمر طول السنة!
- (۲) العنب البرازيلي شجرة تنمو أثمارها على جذعها، و من أهمّ موصافاتها أنّها تعطى أثماراً طول السنة!
- (۳) عنب البرازيلي هو شجرة تنمو الأثمار لها على جذوعها، و من الموصافات المهمة لها أنّها تعطى الأثمار طول السنة!
- (۴) العنب البرازيلي شجرة آتني تنمو ثمارها على جذوعها، و أهمّ الموصافات فيها أنّها تعطى أثمارها طول السنة!

(معارف ۱۴۰۲)

۲۳۷۳. «در شهرهای بزرگ آلودگی هوا و بالا رفتن درجه حرارت آن سبب کاهش باریدن برف و باران شده است!»:

- (۱) إنّ تلوث الهواء و زيادة درجة الحرارة في المدن الكبيرة سبب النقصان في المطر و الثلج!
- (۲) تلوث الهواء في المدن الكبيرة و ازدياد درجة حرارته، قد سبباً قلّة نزول الأمطار و الثلوج!
- (۳) تلوث الجو و ارتفاع درجة حرارته يسبب قلّة في نزول الثلوج و الأمطار في البلاد الكبيرة!
- (۴) إنّ التلوث في الجو و ارتفاع الدّرجة للحرارة قد يسبب نقص الثلج و المطر في المدن الكبيرة!

۲۳۷۴. «رنگ چهره مادرم صبح امروز قطعاً تغییر کرد!»:

- (۱) غيّر لون وجه أمي صباح اليوم تغييراً!
- (۲) تغيّر لون وجه والدتي صباح اليوم تغيّراً!
- (۳) إنّ لون وجه أمي في صباح اليوم تغيّرت!
- (۴) تغيّر لون وجه والدتي صباح اليوم تغييراً!

مفهوم (۷ تست)



۲۳۷۵. «لا يترك الصديق بسبب زلة أو عيب فيه لأنه لا يوجد أحد كامل إلا الله!»: لا يكون مفهوم العبارة:

- (۱) من طلب أcha بلا عيب بقي بلا أخ!
- (۲) كفى للإنسان أن تُعدّ معايبه!
- (۳) من يبحث عن الصديق الخالي عن العيوب فلا بدّ أن يفشل!
- (۴) قل لي من تُعاشِر أقل لك من أنت؟

۲۳۷۶. ﴿هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه﴾ ليس الغرض من الآية:

- (۱) لا يكون قادراً على الخلق إلا الربّ الواحد!
- (۲) ما تعدّونه آلهتكم، ليسوا قادرين على إنشاء شيء!
- (۳) چه چیز آفریدند و کردند بود / از ایشان چه چیز آمد اندر وجود!
- (۴) أروني خالقكم لأعرف ما خلق لكم بدلي!

(ریاضی ۱۴۰۱)

۲۳۷۷. عین‌الصحيح عن ما يعادل المفهوم: «من طلب أcha بلا عيب بقي بلا أخ!»:

- (۱) لا يُدّمُ المرءُ بذنب أخيه!
- (۲) المُجالسة مؤثّرة في خلق الإنسان!
- (۳) إذا تَخَتَّار الوحدة خيرٌ من اختيار الشر!
- (۴) إنّه متردّد في انتخاب الصديق فبقى وحيداً!



(انسانی ۱۴۰۱)

۲۳۷۸. عَيْنُ الْخَطَا عَنْ مَا يُعَادِلُ الْمَفْهُومَ: ﴿كُدْ بِاسْخِ تَصْوِيرِي: ۱۱۲۰۵۹۸﴾

- (۱) ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ ← روغن ریخته را نذر امامزاده کردن!
- (۲) ﴿نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾ ← هر آن کس که دندان دهد نان دهد!
- (۳) ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ ← نیک را پاسخ جز نکو نیست!
- (۴) ﴿وَإِذَا مَرَّوَا بِاللَّغْوِ مَرَّوَا كِرَامًا﴾ ← شتر دیدی ندیدی!

۲۳۷۹. عَيْنُ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ:

- (۱) لَا تُجَرِّبَ الْمُجَرَّبَ! / روان را رنج بیهوده نمایی / که چندان آزموده آزمایی
- (۲) لَا تَكْزُزْ أَغْنَى مِنَ الْقِنَاعَةِ! / قناعت توانگر کند مرد را / خبر کن حریص جهانگرد را
- (۳) لَا شَيْءَ أَحَقُّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ! / گفته خودش که بر زبان آید / مرغ و حلوائی پخته زان آید
- (۴) لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا! / خداوند خداوندان و صورت ساز بی صورت / چه صورت می کشی بر من تو دانی من نمی دانم

(انسانی ۱۴۰۱)

۲۳۸۰. عَيْنُ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ (فِي الْمَفْهُومِ): ﴿كُدْ بِاسْخِ تَصْوِيرِي: ۱۱۲۰۵۹۹﴾

- (۱) ﴿لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ ← بی گدار به آب زن!
- (۲) ﴿كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدَرِ عُقُولِهِمْ﴾ ← در کار با کودک زبانش بیاموز!
- (۳) ﴿إِنَّمَا الْأَحمَقُ كَتُوبَ عَتِيقٍ﴾ ← احمق نه کور می کند نه شفا می دهد!
- (۴) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ ← سخن بهتر از گوهر آبدار / چو بر جایگاه بر برندش بکار

(خارج انسانی ۱۴۰۱)

۲۳۸۱. عَيْنُ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ: «أَفْضَلُ أَخْلَاقِ الرِّجَالِ التَّفَضُّلُ!» ﴿كُدْ بِاسْخِ تَصْوِيرِي: ۱۱۲۰۶۰۰﴾

- (۱) لَوْ كُنْتَ فَقْطاً لَأَنْفَضَ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكَ!
- (۲) إِنَّمَا الْفَضْلُ لِلْعَقْلِ السَّلِيمِ وَالْفَاضِلُ كَأَنَّهُ خُلِقَ مِنْ ذَهَبٍ!
- (۳) نِيكِي كُنِي بِجَايِ تَوْنِيكِي كُنْ بِبَازٍ وَرَبْدُ كُنِي بِجَايِ تَوَازٍ بِدُ بَتَرُ كُنْ بِدُ
- (۴) بَدِي رَابِدِي سَهْلٌ بِأَشَدِّ جَزَاً أَكْرَمُ مَرْدِي أَحْسَنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ

درس
۴

قواعد (۵۸ تست)



(انسانی ۹۸)

۲۳۸۲. عَيْنُ مَا فِيهِ تَأْكِيدُ الْفِعْلِ:

- (۱) خَيْرُنَا رَبُّنَا بِاخْتِيَارِ الْأَعْمَالِ مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ!
- (۲) قَبْلَ الْأَبِّ الْعَادِلِ أَوْلَادُهُ وَهُمْ يُقْبَلُونَ إِلَيْهِ!
- (۳) يَقْضُمُ الْجِرَادُ الْأَوْرَاقَ فِي فَمِهِ دَائِماً وَسَرِيعاً!
- (۴) لَا تُرِيدُ أَنْ نَعْصِيَ اللَّهَ فِي أَعْمَالِنَا عَصِياناً!

(هنر ۹۳)

۲۳۸۳. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ:

- (۱) لَوْ عَرَفْتَ خَالِقَكَ مَعْرِفَةً حَقِيقَةً، آمَنْتَ بِهِ إِيْمَانُ الْمُؤْمِنِينَ!
- (۲) عَلَيْكَ أَنْ تَتَفَكَّرَ فِي اخْتِيَابِ الصَّدِيقِ الْمُنَاسِبِ تَفَكُّراً عَمِيقاً!
- (۳) إِنَّ هَذَا الْمَصُورَ قَدْ صَوَّرَ مَنَاظِرَ جَمِيلَةً!
- (۴) وَجَدْتَ نَفْسِي عَاجِزاً مَنْ أَنْ أَشْكِرَهُ شُكْراً يَلِيقُ بِهِ!

(ریاضی ۹۳)

۲۳۸۴. عَيْنُ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:

- (۱) أَطِيعْكَ يَا إِلَهِي وَأَشْهَدْ بِرَبوبِيَّتِكَ مَقَرّاً بِأَنَّكَ إِلَهِي وَرَبِّي!
- (۲) لَا تَقْلُقْ أَبَداً؛ إِنَّ الَّذِي خَلَقَكَ مِنْ عَدَمٍ يَحْفَظُكَ مِنَ الْمَخَاطِرِ!
- (۳) حِينَمَا أَعْتَمَدُ عَلَى الْآخِرِينَ لَنْ أَبَادِرَ مَبَادِرَةً تُنْجِينِي مِنَ الْخَطَرَاتِ!
- (۴) هُنَاكَ نَظَرَةٌ خَاصَّةٌ لِلْإِنْسَانِ الصَّابِرِ إِلَى الْعَالَمِ، تَعْطِيهِ صَبْراً كَثِيراً!

(ریاضی ۱۴۰۰)

۲۳۸۵. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ:

- (۱) إِنْ أَكْرَمْتَ الْكَرِيمَ إِكْرَاماً بِالْغَا تَشَاهِدَ نَتِيجَتَهُ!
- (۲) أَذَبَ الْمُؤْمِنُ نَفْسَهُ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ تَأْدِيباً جَمِیلاً!
- (۳) كَانَ عَشٌّ بَعْضُ الظُّيُورِ بَعِيداً كَثِيراً عَنِ الْمَفْتَرَسِينَ!
- (۴) رَغِبَ الْمَسَافِرُونَ أَنْ يَسْكُنُوا فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ رَغْبَةً كَثِيراً!

(ریاضی ۹۸)

۲۳۸۶. عَيْنُ مَا فِيهِ الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ:

- (۱) إِنْ لِلصَّبْرِ إِحْتِرَاماً بِالْغَا لِحِكْمَةِ اللَّهِ، فَاصْبِرْ!
- (۲) نَسْتَقْبِلُ ضِيُوفَنَا كَمَا يَسْتَقْبِلُنَا الضُّيُوفُ عَادَةً!
- (۳) تَعَوَّدْنَا بِتَقْدِيمِ الْهَدَايَا فِي الْأَعْيَادِ لِلْأَطْفَالِ مَتَعَوِّدِينَ عَلَيْهِ!
- (۴) يَدُورُ الْمُؤْمِنُ حَوْلَ الْحَقِّ دَوَّراً يَحْصِلُ بِهِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ!

(خارج انسانی ۹۸)

۲۳۸۷. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ:

- (۱) أُعْطِيَ الْمَلِكُ الْفَلَاحَ إِعْطَاءً يُعْجِبُهُ!
- (۲) يُصَدِّقُ قَوْلَ الصَّادِقِ دَائِماً تَصْدِيقاً جَمِیلاً!
- (۳) تَحْضَنُ الْأُمُّ طِفْلَتَهَا فِي حَضْنِهَا مُحَبَّةً لَهَا!
- (۴) غَرَسَ الْفَلَاحُ فَسِيلَةً جُوزَ غَرْساً لَا يَأْمَلُ أَكْلَهُ!

(انساني اردي بهشت ١٤٠٣)

٢٣٨٨. عَيْن ما ليس فيه مفعول مطلق: <كد پاسخ تصويري: ٣١٧٠٦٠١>

- (١) الزامُ مُعلِّمنا بممارسة الدروس ليلاً ونهاراً إلزام يُصيبنا بالتعب ولكن علينا التَّعبية!
- (٢) عندما أسافر إلى قريتنا أمشي بين أشجارها صباح كل يوم مشياً سريعاً في هوائها التَّظيف!
- (٣) قد تُسخطني أعمالُ ابني إسقاطاً ولكني أغض عيني وأصبر عليه حتى أرشده إلى طريق أحسن!
- (٤) استغرق زمناً طويلاً في الماضي خائباً كأن أبواب الحياة أغلقت عليّ إغلاقاً، ولكنَّ الأمل يفتح طريقاً إلى حياتي بفتة!

٢٣٨٩. «هم يُجاهدون في سبيل الله المتوكلين!» عَيْن المناسب للمفعول المطلق:

(١) مُجاهدة (٢) جهاداً (٣) مُجاهداً (٤) مجاهدة

٢٣٩٠. «المؤمنون ربهم المحبين!» عَيْن المناسب للمفعول المطلق النوعي:

(١) ذكروا - حُب (٢) ساعدوا - محبة (٣) يحبون - مُحب (٤) يدعون - دعوة

(خارج ١٤٠٠)

٢٣٩١. عَيْن ما فيه المفعول المطلق النوعي:

- (١) مدح الشَّاعرُ الجَنَّةَ مدحاً جيِّداً و نال جائزة!
- (٢) رأيتُ حادثاً جديداً في مدينتنا عندما كنتُ أمشي هناك!
- (٣) لا تعمّر حكمته بالغة عمراً إلّا في قلب الإنسان المتواضع!
- (٤) شاهدتُ سمكاً عجيباً يعيش في الغلاف دون الماء و الطعام!

(Level Up)

٢٣٩٢. عَيْن ما فيه زال الشك عن حدوث الفعل:

- (١) ما أعانني أحدٌ في المصائب التي أصبتُ بها إعانَةً!
- (٢) على الإنسان أن يكرّم من علّمه تكريماً حسناً!
- (٣) أفرغ قلبك من الحسد، ليبقى إيمانك بقاء غير زائل!
- (٤) اجعل من أموالك صدقة تُحاسب في الآخرة حساباً أسرع!

(ريان ٩٥)

٢٣٩٣. عَيْن ما فيه اهتمام و عناية على «تأكيد الفعل» فقط:

- (١) تسير قافلة الليل و النهار من دون توقّف مُسرعة!
- (٢) ساعدني أحد الأصدقاء مساعدة أشكره عليها طول حياتي!
- (٣) وقف الحاضرون في وسط الساحة مستعدين لإكرام المدعوين!
- (٤) كان الوالدان يشجعان ولدهما على التحلّي بالأخلاق الحسنة تشجيعاً!

(Level Up)

٢٣٩٤. عَيْن الاسم الذي يُؤكد على إنجاز العمل: <كد پاسخ تصويري: ١٧٠٤٠٦٠٢>

- (١) رأى السائق بكرة أمام سيارته رؤية فتوقّف!
- (٢) جلست و قد منعتني الطبيب عن العمل منعاً كاملاً!
- (٣) تعرفن استعداداتك وتؤمن بالله إيماناً حقيقياً!
- (٤) أنتم تُساعدون الفقراء و الضعفاء مُساعدة أولياء الله!

(هنر ٩٥)

٢٣٩٥. عَيْن المفعول المطلق للبيان:

- (١) في الشارع لَمّا طلبت الأم من طفلها أن لا يترك يدها قبل قبولاً!
- (٢) في الصباح الباكر عندما كنتُ في النوم دُق باب البيت دقاً لا يُوصف!
- (٣) جُرح بعض المقاتلين في هذه العمليات جرحاً ولكن معنوياتهم جيّدة!
- (٤) كأن زميلتنا أيضاً دُعيت للاشتراك في حفلة التَّكريم دعوة!

(Level Up)

٢٣٩٦. انتخب ما فيه تُشرحُ كيفية تحقّق الفعل:

- (١) خفتُ من عمله خوفاً منعتني من التَّقرّب إليه!
- (٢) اجتهدنا اجتهداً لأن العزّة لا تحصل بالتَّكاسل!
- (٣) لن أبيع هيبة السكوت بالرَّخيص من الكلام بيعاً!
- (٤) دقتُ المُحتاجة باب بيتي دقتين و فتحتة لها حنونا!

٢٣٩٧. عَيْن المؤكّد فعلاً: <كد پاسخ تصويري: ١٧٠٤٠٦٠٣>

- (١) لن ينظر إلى المسائل بنظرة دقيقة إلّا المُفكّر الذي واقف بمشاكل مجتمعه!
- (٢) إن في نصائح الأستاذ للطلّاب لمنافع لمن يستمعون إليها عاملين بها!
- (٣) إذا أخذت الكتاب كأمانة فأريد منك أن تسلّمه في الزّمن المحدّد تسليماً!
- (٤) إنما يفوز في المباراة التي تجري غداً الرياضيون الذين مارسوا ماضياً!

(رياضي ٩٧)

٢٣٩٨. عَيْن الفعل الذي ليس مؤكّداً: <كد پاسخ تصويري: ٩٧١٧٠٦٠٤>

- (١) الكون يُسيّج ربه تسبيحاً.
- (٢) فاذكّر ربك مع الكون ذكراً.
- (٣) واحذر أن تكون الطيور و الأسماك أكثر منك تسبيحاً.
- (٤) و اذكر بجوارحك ذكراً حتى تجد الأمن و الراحة!

٢٣٩٩. عَيْن العبارة التي ليس فيها المؤكّد اسماً: <كد پاسخ تصويري: ١٧٠٤٠٦٠٥>

- (١) لن يحصل على التَّقدّم في برامجه إلّا من يحاول و يبتعد عن الكسل!
- (٢) إن في خلق السماوات و الأرض لآيات للذين يتفكّرون في خلق ربهم!
- (٣) كان المتفرّجون يُشجعون فريقهم المحبوب في الملعب الرياضي تشجيعاً!
- (٤) إنما ينجح في مباريات نهاية السنة الطّلاب الذين يجتهدون ليلاً و نهاراً!



٢٤٠٠. عَيْنُ الْخَطَا فِي تَحْدِيدِ الْمُؤَكَّدِ وَالْمُؤَكَّدِ عَلَى التَّوَالِي: ﴿كُدْ بِاسْخِ تَصْوِيرِي: ١٧٠٤٠٦٠٦﴾

- (١) لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ وَإِنَّمَا رَبُّكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ: الْمُؤَكَّدُ: إِلَّا وَإِنَّمَا/ الْمُؤَكَّدُ: اللَّهُ وَإِلَهُ
- (٢) لَوْ جَاءَ وَالِدِي بِضَيْفٍ لِأَكْرَمَتِهِ إِكْرَامًا بِالْغَاءِ: الْمُؤَكَّدُ: لَ/ الْمُؤَكَّدُ: إِكْرَامًا
- (٣) لَنْ يَنَالَ مِنْهُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا الَّذِي يَتْرَكَ الْحِرْصَ وَالظَّمْعَ: الْمُؤَكَّدُ: إِلَّا/ الْمُؤَكَّدُ: الَّذِي
- (٤) لَا قَوْلَ أَفْضَلَ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَاعْلَمْ ذَلِكَ وَاعْمَلْ بِهِ: الْمُؤَكَّدُ: لَا/ الْمُؤَكَّدُ: قَوْلَ

٢٤٠١. عَيْنُ عِبَارَةٍ جَاءَ فِيهَا الْمُؤَكَّدُ بَعْدَ الْمُؤَكَّدِ: ﴿كُدْ بِاسْخِ تَصْوِيرِي: ١٧٠٤٠٦٠٧﴾

- (١) فِي قَرِينَتِنَا مَدْرَسَتَانِ اثْنَتَانِ وَلِكُلٍّ وَاحِدٌ مِنْهُمَا أَرْبَعَةٌ عَشَرَ صَفًّا!
- (٢) لِنَطَالِعَ الدَّرُوسَ مَطَالَعَةً إِذَا نَرِيدُ أَنْ نَأْخُذَ دَرَجَةَ التَّجَاحِ فِي الْإِمْتِحَانِ!
- (٣) قَدْ أَرْسَلَ وَالِدِي أَحَدَ إِخْوَانِي إِلَى مِصْرَ لِيَتَعَلَّمَ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ بِشَكْلٍ جَيِّدٍ!
- (٤) لَا تَتَكَبَّرُوا عَلَى غَيْرِكُمْ، فَإِنَّ الْإِنْسَانَ الْعَاقِلَ لَا يَعْتَمِدُ عَلَى غَيْرِهِ!

(زبان ٩٨)

٢٤٠٢. عَيْنُ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ لِلنَّوْعِ:

- (١) أَحْسَنَ إِحْسَانًا وَعَيَّنَ قِيَمَتَكَ عِنْدَ اللَّهِ!
- (٢) زَيَّنَ عِلْمَكَ بِالْعَمَلِ تَزْيِينًا وَانْظُرْ جَمَالَ الْعِلْمِ!
- (٣) مَنْ يُقْصِرْ أَمَالَهُ فِي الدُّنْيَا تَقْصِيرًا فَهُوَ الْعَاقِلُ!
- (٤) أَهْجَرَ التَّوَمَ وَالْكَسَلَ هَجْرَانًا يُوصِلُكَ إِلَى الْأَعْلَى!

(تجربى ٩٨)

٢٤٠٣. عَيْنُ مَا فِيهِ التَّأَكِيدُ لِلْفِعْلِ:

- (١) لَمْ يَكُنِ الْإِنْسَانُ حَتَّى الْآنَ يَغُوصُ فِي الْبَحْرِ غَوْصًا أَكْثَرَ مِنْ عَشْرِينَ مِثْرًا!
- (٢) إِنَّ لَوْنِ الْأَحْمَرِ أَوَّلَ لَوْنٍ يَخْتَفِي فِي الْبَحْرِ اخْتِفَاءً وَفِي أَعْمَاقِهِ ظِلْمَةٌ كَثِيرَةٌ!
- (٣) يَعْفُو الْكَرِيمُ عَنِ أَخْطَاءِ النَّاسِ بِكَرَامَتِهِ عَفْوًا يَنْسَاهُ وَيَنْسُونَهُ!
- (٤) لَنْ نَسْمَحَ إِلَى أَعْدَائِنَا أَنْ يَتَعَدَّوْا عَلَيْنَا سَمَحًا قَاطِعًا!

(رياضى ١١٤٥)

٢٤٠٤. عَيْنُ مَا فِيهِ التَّأَكِيدُ:

- (١) هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الْعَاقِلَ لَا يَظْلِمُ لِأَنَّهُ يَرَى نَتِيجَتَهُ قَرِيبًا!
- (٢) كَأَنَّ الْهَوَاءَ بَارِدٌ فَيَجِبُ أَنْ نَلْبَسَ مَلَابِسَ خَاصَّةً!
- (٣) إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْذِفُ حُبَّ الْخَيْرِ إِلَّا فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِهِ!
- (٤) أَنْشَدَ الشَّاعِرُ إِشَادًا رَائِعًا فِي مَجْلِسِنَا!

(انسانی ٩٩)

٢٤٠٥. عَيْنُ مَا فِيهِ تَأَكِيدُ لِلْفِعْلِ: ﴿كُدْ بِاسْخِ تَصْوِيرِي: ٩٩١٧٠٦٠٨﴾

- (١) يُشَاهِدُ الْعَجَبُ بَيْنَ النَّاسِ مَشَاهِدَةً كَثِيرَةً،
- (٢) وَهَذَا حِينَمَا يَعْمَلُ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ عَمَلًا يُعْجِبُهُ،
- (٣) أَوْ يَقُومُ بِعَمَلٍ سَيِّئٍ وَيُريهِ إِرَاءَةً جَمِيلَةً،
- (٤) وَالْأَفْضَلُ أَنْ يُؤْمِنَ بِرَبِّهِ وَيَفْتَخِرَ افْتِخَارًا بِذَلِكَ!

(خارج انسانی ٩٩)

٢٤٠٦. عَيْنُ مَا فِيهِ تَأَكِيدُ لِلْفِعْلِ: ﴿كُدْ بِاسْخِ تَصْوِيرِي: ٩٩١٧٠٦٠٩﴾

- (١) لَا غَايَةَ هُنَاكَ إِلَّا أَنْ نَحْصِلَ عَلَيْهَا حَصُولًا كَامِلًا بِالشَّوْقِ وَالرَّغْبَةِ!
- (٢) يَجِبُ أَنْ نَعْمَلَ وَاجِبِنَا بِالرَّغْبَةِ لِلْوُصُولِ إِلَى الْهَدَفِ عَمَلِ الدَّوْبِينِ!
- (٣) أَرْغَبُ فِي أَقْوَى الْوَسَائِلِ الَّتِي أَوْصَلَتْنِي إِلَى النَّجَاحِ رَغْبَةً كَثِيرَةً!
- (٤) الرَّغْبَةُ فِي الْعَمَلِ تَحْتَاجُ إِلَى نَفْسٍ قَوِيَّةٍ احْتِيَاجًا فَعْلِيكَ بِهَا!

درس
٢٤

٢٤٠٧. عَيْنُ مَا يُبَيِّنُ كَيْفِيَّةَ حَدُوثِ الْفِعْلِ:

- (١) نَجَحَ الْمُؤْمِنُونَ نَجَاحًا إِنْ أَطَاعُوا اللَّهَ جَمِيعًا!
- (٢) صَدِيقِي يَصْرِفُ أَغْلَبَ أَوْقَاتِهِ فِي مَطَالَعَةِ الصُّحُفِ!
- (٣) عَلَيْنَا أَنْ نَحْتَرِمَ أَوْلَادِنَا إِحْتِرَامًا حَتَّى يُكْرَمُونَا!
- (٤) أَذْعُوكُمْ إِلَى النِّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي دَعْوَةَ الضَّالِّينَ إِلَى النَّارِ!

(هنر ٩٤)

٢٤٠٨. «طَالِبُو الْعِلْمِ فِي بِلَادِنَا تَقَدَّمُوا فِي جَمِيعِ الْمَجَالَاتِ!» عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِبَيَانِ نَوْعِ الْفِعْلِ:

- (١) تَقَدَّمَا!
- (٢) عِلْمِيًّا وَخَلْقِيًّا!
- (٣) مَتَقَدِّمِينَ مَجْتَهِدِينَ!
- (٤) تَقَدَّمَا لَمْ يَكُنْ لَهُ نَظِيرُ!

٢٤٠٩. عَيْنُ الْخَطَا لِلْفَرَاعِيْنِ لِإِيجَادِ اسْلُوبِ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ: ﴿كُدْ بِاسْخِ تَصْوِيرِي: ١٧٠٤٠٦١٠﴾

«..... مُدْرَسَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ طَالِبَاتُهَا الْمُجْتَهِدَاتِ!»

- (١) تَعْلَمُ - تَعْلَمًا
- (٢) اسْتَقْبَلَتْ - اسْتَقْبَالًا
- (٣) تَنْصَرُ - نَصْرًا
- (٤) تَذَكَّرُ - ذِكْرًا

(تجربى ٩٤)

٢٤١٠. عَيْنُ التَّأَكِيدِ لِلْفِعْلِ:

- (١) مَا شَاهَدْتُ تَنَافُسًا كَتَنَافُسِ هَؤُلَاءِ التَّلْمِيزَاتِ فِي الدَّرُوسِ!
- (٢) تَنَافَسَتِ التَّلْمِيزَاتُ فِي حِفْظِ الدَّرُوسِ تَنَافُسًا عَجِيبًا!
- (٣) قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى الْإِنْسَانِ إِنْعَامًا وَلَوْ كَانَ كَفُورًا!
- (٤) قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى الْبَشَرِ إِنْعَامًا وَافِرًا لَعَلَّهُ يَسْتَقِيمُ!

(زبان ٩٤)

٢٤١١. عَيْنُ «صَبْرًا» جَاءَ لِبَيَانِ نَوْعِ الْفِعْلِ:

- (١) لَمْ أَشَاهِدْ صَبْرًا أَكْثَرَ مِنْ صَبْرِ الْأُمَهَاتِ الْكَثِيرِ!
- (٢) إِنَّهُ صَبَرَ عَلَى الْمَصِيبَةِ وَكَانَ صَبْرُهُ صَبْرًا مَحْمُودًا!
- (٣) إِذَا كَانَ صَبْرُكَ صَبْرًا جَمِيلًا يُوَفِّقُكَ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ!
- (٤) إِذَا اسْتَطَعْتَ أَنْ تَصْبِرَ صَبْرًا كَثِيرًا عَلَى الْمَصَائِبِ يَجْزِيكَ اللَّهُ خَيْرًا!

٢٤١٢. عَيْنُ «إِحْسَانًا» يَكُونُ مَفْعُولًا مَطْلُوقًا: ﴿كُدْ بِاسْخِ تَصْوِيرِي: ١٧٠٤٠٦١١﴾

- (١) مَنْ يُحْسِنُ إِلَى النَّاسِ فَقَدْ رَزَقَهُ اللَّهُ إِحْسَانًا كَثِيرًا!
- (٢) إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ هُمُ الَّذِينَ يَحْتَوْنَ إِحْسَانًا يُرْضَى اللَّهُ وَاللَّهُ يُجِيبُهُمْ بِسَبَبِ ذَلِكَ!
- (٣) إِذَا أَحْسَنْتَ لِلْفُقَرَاءِ قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُهُ إِحْسَانًا لَكَ!
- (٤) يَا بُنَيَّ أَحْسِنْ فِي حَيَاتِكَ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ إِحْسَانًا!

(Level Up)

٢٤١٣. عَيْنُ مَفْعُولًا يُشِيرُ إِلَى حَالَةِ الْفِعْلِ:

- (١) الْمُؤْمِنُونَ يَقْرَأُونَ الْأَدْعِيَةَ وَقِرَاءَتُهُمْ جَمِيلَةٌ!
- (٢) مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَى مَعْلَمِهِ اسْتِمَاعًا يُفْزِ فِي امْتِحَانِ الْجَامِعَةِ!
- (٣) مَنْ يَتَّخِذُ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا!
- (٤) لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى إِبْطَالًا فَتَخْسَرُونَ!

(انساني ١٤٠١)

٢٤١٤. عَيْنِ ما ليس فيه التأكيد: <كد پاسخ تصویری: ١١٢٠٦١٢>

- (١) إِنَّ النَّاسَ يَتَعَجَّبُونَ مِنْ رُؤْيَا الْأَسْمَاكِ وَهِيَ تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ الْمَطَرِ الشَّدِيدِ!
- (٢) يَتَعَجَّبُ النَّاسُ مِنْ رُؤْيَا الْأَسْمَاكِ تَعَجُّباً وَهِيَ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ!
- (٣) يَتَعَجَّبُ النَّاسُ تَعَجُّباً شَدِيداً مِنْ مُشَاهَدَةِ الْأَسْمَاكِ وَهِيَ تَتَساقَطُ عَلَى الْأَرْضِ!
- (٤) كَانَ بَعْضُ النَّاسِ يُشَاهِدُونَ سَقُوطَ الْأَسْمَاكِ لِأَوَّلِ مَرَّةٍ مُشَاهَدَةً وَيَتَعَجَّبُونَ!

(خارج انساني ١٤٠٢)

٢٤١٥. عَيْنِ التأكيد يكون للجملة بأجمعها: <كد پاسخ تصویری: ١١٢٠٦١٣>

- (١) لَا يَأْكُلُ الْحَسَدُ إِلَّا الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ!
- (٢) إِنَّ أَكْرَهَ الْأَعْمَالِ هُوَ أَنْ تَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّفَرُّقَةِ!
- (٣) شَجَّعَ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ تَشْجِيعاً!
- (٤) إِنَّمَا الْإِنْسَانُ نَائِمٌ فَإِذَا مَاتَ انْتَبَهَ!

٢٤١٦. إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُبَيِّنَ «احترام الكبار» للمخاطب الذي لا يُضدقها بسهولة، نقول:

- (١) عَلَيْنَا أَنْ نَحْتَرِمَ كِبَارَنَا احْتِرَاماً كَثِيراً!
- (٢) عَلَى صِغَارِكُمْ أَنْ يَحْتَرِمُوا كِبَارَكُمْ احْتِرَاماً!
- (٣) الْإِحْتِرَامُ لِلْكِبَارِ عَلَى جَمِيعِ النَّاسِ وَاجِبٌ!
- (٤) يَجِبُ أَنْ يَكُونَ الْإِحْتِرَامُ أَمَامَ الْكِبَارِ كَثِيراً!

٢٤١٧. عَيْنِ المصدر الذي يدل على موضوع التشبيه:

- (١) الْمَعَالِمُ التَّارِيخِيَّةُ فِي بِلَدِنَا تَجْذِبُ كَثِيراً مِنَ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ جَذْباً!
- (٢) مَا شَاهَدْتُ اجْتِهَاداً لِلنَّجَاحِ فِي هَذِهِ الْمُبَارَايَاتِ كِاجْتِهَادِ هَؤُلَاءِ اللَّاعِبِينَ!
- (٣) عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الظَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَابْتِعَادِهِ مِنْ عَشِّهِ يَطِيرُ بَغْتَةً طَيْرَاناً سَرِيعاً!
- (٤) بَعْدَ هَذِهِ الْإِمْتِحَانَاتِ الضَّعْبَةِ شَجَّعَ مَدِيرُنَا الْحَنُونَ هَذَا الطَّالِبَ الْمِثَالِيَّ تَشْجِيعَ الْوَالِدِينَ!

٢٤١٨. عَيْنِ ما فيه تشبيه على طلب الإنفاق:

- (١) لَا تُنْفِقْ أَمْوَالَكُنَّ إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ!
- (٢) يَجِبُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْفِقُوا أَمْوَالَكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنْفَاقاً!
- (٣) أَنْفَقُوا أَمْوَالَكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنْفَاقاً كَثِيراً!
- (٤) أَنْفَقُوا أَمْوَالَكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنْفَاقَ الْمَخْلَصِينَ!

(Level Up)

- (٢) يَجْتَهِدُ أَصْدِقَاؤُنَا الْأَعْزَاءُ فِي دُرُوسِهِمْ اجْتِهَادَ الْمُنتَصِرِينَ!
- (٤) تَقَدَّمَ الْمُسْلِمُونَ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْعُلُومِ الْقَدِيمَةِ تَقَدُّماً!

(هنر ٩٨)

- (٢) إِخْوَنِي مِنَ الْحَادِثَاتِ حَمَايَةً! (ضمير الياء)
- (٤) إِنَّ الْعِلْمَ يَرْفَعُ الْإِنْسَانَ وَيُكْرِمُهُ! (الجملة بأجمعها)

(Level Up)

- (٢) أَشْكُرُ عَلَى اجْتِهَادِكُمْ لِانْتِصَارِ الْفَرِيقِ شُكْرًا كَثِيراً!
- (٤) عَلِمْتُ تَلَامِيذِي سَرَّ دُخُولِ الْجَامِعَةِ مُسْتَعِيناً بِاللَّهِ!

٢٤٢٢. فِي أَيِّ جَوَابٍ لَمْ يُسْتَخْدَمِ اسْلُوبُ مِنَ التَّشْبِيهِ:

- (١) أَكْرَمْتُ الضُّيُوفَ الْحَاضِرِينَ إِكْرَامَ الْمُضَيَّافِ!
- (٣) دَرَسْتُكَ تَسْتَغْرِقُ زَمَناً طَوِيلاً كَأَنَّ الدَّرُوسَ صُعُبَتْ جِداً!

٢٤٢٣. مَا هُوَ الْخَطَأُ حَوْلَ التَّرَادُفَاتِ أَوْ الْإِيضَاتِ:

- (١) دَرَسْتُ عَلَى دَرَساً = إِنَّ عَلَيَّ دَرَسَ!
- (٢) نَصَرْتُ صَدِيقِي نَصْرَ الْمُشْفَقِينَ ← يَدُلُّ عَلَى تَشْبِيهِ وَقُوعِ الْفِعْلِ
- (٣) كَانَ ضَرْبِي ضَرْباً مِّنْ يَكْرَهُنِي ← لَهَا الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ
- (٤) كَتَبْنَا كِتَاباً كِتَابَةَ الْأُسْتَاذِ = كَتَبْنَا كِتَاباً كَالْأُسْتَاذِ

٢٤٢٤. عَيْنِ ما ليس فيه بيان عن الفعل:

- (١) أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِكُمُ الْكَثِيرَةَ إِنْفَاقاً يُفِيدُ الضُّعْفَاءَ!
- (٢) دَخَلَ مَدِيرُ الشَّرْكََةِ الدَّائِرَةَ دُخُولاً فَرِحاً!
- (٣) النَّاسُ يَشْكُرُونَ نِعَمَاتَ اللَّهِ شُكْرَ الْمُؤْمِنِينَ!
- (٤) الشُّبَابُ تَأَثَّرُوا بِالْأَبْطَالِ الشُّجْعَانِ تَأَثُّراً يُعْطِيهِمُ السَّكِينَةَ!

٢٤٢٥. عَيْنِ عبارة ما جاء فيها ما يرفع الشك عن وقوع الفعل:

- (١) مَنْ يَقُمْ بِالْفَرَائِضِ قِيَاماً، يَصِلْ إِلَى جَنَّةٍ وَعَدَنَا اللَّهُ بِهَا!
- (٢) تَكَلَّمْنَا حَوْلَ ذِكْرِيَاتِ الْجَامِعَةِ تَكَلِّماً لِيَذْكُرُوا ذَلِكَ!
- (٣) حِينَمَا نَفْرَحُ فِي حَيَاتِنَا فَرِحاً يَسْهَلُ لَنَا الْعَيْشُ!
- (٤) نُسَاعِدُ الْفُقَرَاءَ مُسَاعَدَةً يَأْخُذُ أَوْلَادُنَا مِنْهُ دَرَساً!

٢٤٢٦. عَيْنِ ما لا يرفع الشك عن وقوع الفعل:

- (١) أَنْصُرُوا إِمَامَكُمْ الْيَوْمَ نَصراً حَتَّى تُشَاهِدُوا ثَمَرَتَهُ!
- (٢) إِنْ تَطَلَّبَ الْعِلْمَ طَلَباً تَصِلْ إِلَى الْغَايَةِ!
- (٣) عِنْدَمَا نَكْتُبُ رِسَالَةَ كِتَابَةٍ نَكْتُبُ فِكْرَتَنَا!
- (٤) جَاهِدِ الْمُؤْمِنُونَ جِهَاداً يُحِبُّهُ اللَّهُ كَثِيراً!



٢٤٢٧. عَيْنُ الْإِسْمِ الَّذِي يُؤَكِّدُ أَنَّ الْفِعْلَ يَحْدُثُ بِلَا شَكٍّ:

- (١) حَفَرَ الرِّجَالُ قُرْبَ الْغَارِ حُفْرَةً فَتَعَجَّبَ النَّاسُ!
- (٣) أَلْبَسْنَا الْأَبَّ لِبَاسًا وَأَطْعَمْنَا طَعَامًا فَفَرَحْنَا!

٢٤٢٨. مَا هُوَ الْخَطَأُ فِي الْإِيضَاحَاتِ:

- (١) سَأَلْتُ الْمَعْلَمَ عَنِ الدَّرْسِ سُؤَالَ: الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ لِلتَّوَكُّيدِ
- (٣) أَجَبْتُ عَنِ الْكِتَابِ إِجَابَةً حَسَنَةً: يَدُلُّ عَلَى كَيْفِيَّةِ تَحَقُّقِ الْفِعْلِ

٢٤٢٩. عَيْنُ الضَّحِيحِ فِي الْجُزْءِ الَّذِي يُؤَكِّدُ عَلَيْهِ:

- (١) اشْتَرَيْتُ الْكُتُبَ الْمُتَعَدِّدَةَ اشْتِرَاءً - اشْتَرَاءً
- (٣) إِنَّ الْمَعْلَمَ يَعْظُنَا وَعَظًا - كُلُّ الْجُمْلَةِ وَ «يَعْظُ»

٢٤٣٠. عَيْنُ الضَّحِيحِ فِي الْجُزْءِ الَّذِي قَدْ أَكَّدَ عَلَيْهِ:

- (١) أَمْسَى مَا رَأَى فِي الْغَايَةِ الْجَمِيلَةِ إِلَّا صَيَّادًا وَحِيدًا: يُؤَكِّدُ عَلَى فِعْلِ «مَا رَأَى»
- (٢) تَكَلَّمَ الْأُسْتَاذُ مَعَكُمْ تَكَلَّمَ لَا تَتَذَكَّرُونَ ذَلِكَ: تُفِيدُ التَّأَكُّيدَ بِمَصْدَرٍ عَلَى حَدُوثِ الْفِعْلِ
- (٣) مَنْ يَقُمْ بِالْفَرَائِضِ قِيَامًا، يَصِلُ إِلَى جَنَّةٍ وَعَدَنَا اللَّهُ: تُفِيدُ التَّأَكُّيدَ عَلَى حَدُوثِ فَعْلَيْنِ
- (٤) إِنَّ الْكِتَابَ مَعْلَمٌ يُسَهِّلُ لَكَ الْأُمُورَ وَالْأَعْمَالَ: يُؤَكِّدُ عَلَى «الْكِتَابِ»

٢٤٣١. عَيْنُ الْجَوَابِ يَدُلُّ عَلَى كَيْفِيَّةِ الْفِعْلِ عِنْدَ الْوُقُوعِ:

- (١) بَيْنَمَا انْصَرَفَ الْمُؤْمِنُونَ نَحْوَ الْبُيُوتِ انْصِرَافًا شَاهِدَهُمُ الْحَاكِمُ!
- (٣) مَنْ يَجْتَهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اجْتَهِادًا يَسَاعِدُهُ وَيُسَبِّبُ دُخُولَ الْجَنَّةِ!

٢٤٣٢. مَا هُوَ الْخَطَأُ حَوْلَ اسْتِخْدَامِ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ:

- (١) يَقْرَأُ عَلِيُّ الْقُرْآنَ فِي الصَّفِّ قِرَاءَةً هَادِنًا - تُبَيِّنُ كَيْفِيَّةَ وَقُوعِ الْفِعْلِ
- (٢) هَرَبَ أَخِي إِلَى الْبَيْتِ هَرَبًا ضَاحِكًا - تُفِيدُ التَّأَكُّيدَ عَلَى حَدُوثِ الْفِعْلِ
- (٣) لَا يَصِلُ إِلَى الْغَايَةِ مَنْ لَا يُحِبُّ إِلَّا الْمَنَامَ - يُمَكِّنُ أَنْ يَتَرَجَّمَ مَعَ لَفْظِ «فَقَطْ»
- (٤) شَاهَدْتُ مُحَمَّدًا جَالِسًا فِي الْمَكْتَبَةِ - يُشِيرُ إِلَى كَيْفِيَّةِ الْمَفْعُولِ حِينَ الْمَشَاهِدَةِ

٢٤٣٣. مَا هُوَ الْخَطَأُ فِي الْإِيضَاحَاتِ:

- (١) مَنْ سَعَى سَعْيًا مُتَوَكِّلًا يُرْشَدُ - يُرْفَعُ الشَّكُّ عَنْ وَقُوعِ الْفِعْلِ
- (٣) إِنَّهُ لَا يَسْتَفِيدُ مِنَ الْخِدَاعِ لَكِنَّكَ لَا تَفْهَمُ - يَرْفَعُ الشَّكَّ وَالْإِيْهَامَ

٢٤٣٤. عَيْنُ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:

- (١) إِنْ تَصْبِرْ وَنَحْنُ نَشَاهِدُ صَبْرًا مِنْكَ،
- (٣) كُلُّ مَا تَحِبُّهُ اكْتِسَابًا فَاعْلَمْ، يَا صَدِيقِي،

٢٤٣٥. فِي أَيِّ عِبَارَةٍ تَقْبَلُ أَدَاةُ التَّوَكُّيدِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ:

- (١) إِنَّ الطَّالِبَ قَدْ سَعَى كَثِيرًا لِلْإِخْتِبَارِ!
- (٣) لَا تَكُنْ مِنَ الْمَشْرِكِينَ هَذَا كَلَامُ اللَّهِ الْكَرِيمِ!

٢٤٣٦. عَيْنُ الْمَصْدَرِ يَتَرَجَّمُ فِي مَعْنَاهِ الْأَصْلِيِّ:

- (١) شَاهَدْنَا فِي زَمِيلِي سَعْيًا لَا يَوْصَفُ لِلْوُصُولِ إِلَى النَّجَاحِ!
- (٣) صَدِيقِي الْحَنُونُ هُوَ مَنْ يَهْتَمُّ بِمَشَاكِلِي اهْتِمَامًا بِالْغَا!

٢٤٣٧. عَيْنُ «زِينَةٍ» يَتَرَجَّمُ فِي مَعْنَاهِ الْأَصْلِيِّ:

- (١) زَانَتْ أُمِّي أَجْوَاءَ الْبَيْتِ زِينَةً أَعْجَبَ الْجَمِيعَ!
- (٣) يَجِبُ أَنْ يَزِينُ الْإِنْسَانُ الْمُؤْمِنُ بَاطِنَهُ زِينَةً كَظَاهِرِهِ!

٢٤٣٨. عَيْنُ «احْتِرَامًا» لَا يَتَرَجَّمُ فِي مَعْنَاهِ الرَّئِيسِيِّ:

- (١) احْتَرَمُوا الَّذِينَ أَكْبَرَ مِنْكُمْ احْتِرَامًا يَلِيقُ بِهِمْ!
- (٣) هَذِهِ الْمِهَنُ أَكْثَرُ احْتِرَامًا فِي مُخْتَلَفِ الْبُلْدَانِ!

٢٤٣٩. عَيْنُ الْخَطَأِ مِنْ حَيْثُ الْمَعْنَى:

- (١) ذَهَبَ الْمَعْلَمُ إِلَى الْبَيْتِ ذَهَابًا - إِنَّ الْمَعْلَمَ لَذَهَبَ إِلَى الْبَيْتِ!
- (٣) قَدْ تَكَتَّبَ الرِّسَالَةَ = لَعَلَّ الرِّسَالَةَ تُصَبِّحُ مَكْتُوبَةً!

- (٢) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْعَمَ الْخَلْقَ نِعْمًا فَعَلِينَا شُكْرَهُ!
- (٤) انْقَلَبَ الرَّجُلُ الَّذِي شَاهَدَ اسْتِشْهَادَ أَصْدِقَائِهِ انْقِلَابًا!

- (٢) بَكَى الرَّجُلُ بَكَاءَ الْأَطْفَالِ: يُفِيدُ تَشْبِيْهَهُ تَحَقُّقِ الْفِعْلِ
- (٤) أَحَبُّ مُحِبَّةٍ أَبِي إِلَيَّ: لَيْسَ فِيْهَا الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ

- (٢) نَلْعَبُ مَعَ بَعْضِ أَصْدِقَائِنَا لَعِبًا كَثِيرًا - نَلْعَبُ
- (٤) اشْتَرَكِ التَّلَامِيْذُ فِي الْإِمْتِحَانِ اشْتِرَاكَ - التَّلَامِيْذُ

- (٢) وَقَفَ الرَّجُلُ أَمَامَ سَقْرَاطِ الْعَالَمِ وَقُوفًا سَائِلًا عَنْهُ الْمَوْضُوعَاتِ!
- (٤) إِنْ تُنْفِقُوا مِنَ الْأَمْوَالِ لِلْفُقَرَاءِ إِنْفَاقًا لَمْ يَفْهَمُوا أَحَدَكُمْ فُرْتَمَ!

- (٢) لَمْ نَقْرَأِ الْقُرْآنَ الْكَرِيمَ إِلَّا فِي مَدْرَسَتِنَا - لَيْسَ لَهَا الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ
- (٤) أَعْطَى اللَّهُ الْإِنْسَانَ قُدْرَةَ إِعْطَاءٍ - فِيْهَا مَفْعُولَانِ

- (٢) تُمَكِّنُ لَكَ أَنْ تَكْتَسِبَ عَنْ قَرِيبٍ،
- (٤) مَنْ دَرَسَكَ دَرَسًا يُسَهِّلُ لَكَ الْحَصُولَ عَلَى الْغَايَةِ!

- (٢) صَبَرْتُ عَلَى الْمَصَائِبِ صَبْرًا حَتَّى تَفْهَمَ سِرِّي!
- (٤) لَوْ عَمِلْتَ بِقَوَانِينِ الْمَدْرَسَةِ لَكُنْتَ نَاجِحًا الْآنَ!

- (٢) إِذَا دُعِيتَ إِلَى مَجْلِسِ كَرِيمٍ فَاسْتَجِبْ الدَّعْوَةَ اسْتِجَابَةً!
- (٤) كَانَتْ الْبَلَابِلُ تَغْرُدُ فِي الْحَدِيقَةِ تَغْرِيدًا أَعْجَبَ الْجَمِيعَ!

- (٢) يَجِبُ أَنْ يَزِينُ الطَّلَابُ الصَّالَةَ زِينَةً قَبْلَ بَدْءِ الْحَفْلَةِ!
- (٤) إِنْ رَبَّنَا الْمُقْتَدِرُ زَانَ سَمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ!

- (٢) هَذَا الشَّخْصُ إِنْسَانٌ طَيِّبٌ وَلَمْ نَرِ مِنْهُ إِلَّا احْتِرَامًا!
- (٤) حَتَّى وَلَوْ لَمْ تَوَافِقِ الْمَدِيرَ رَأْيَكَ فَعَلَيْكَ أَنْ تَبْدِيَ لَهُ احْتِرَامًا!

- (٢) مَا نَامَ إِلَّا عَلِيٌّ = إِنَّمَا عَلِيٌّ نَامَ!
- (٤) لِنَذْكُرَ الشُّهَدَاءَ = يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَذْكُرَ الشُّهَدَاءَ!

۲۳۰۱. ۱ «فقط خوشحال به خانه رفتیم» حصر است. در سایر گزینه‌ها: «الطالبات، طالب، الناس» مستثنی‌منه هستند.

۲۳۰۲. ۱ (در جشن امشب فقط با مادر خوشحال شدیم) این گزینه مستثنی‌منه ندارد، ضمناً بعد «إلا» قید آمده. در سایر گزینه‌ها «نحن» مستتر، «صغار»، «ما» مستثنی‌منه هستند.

۲۳۰۳. ۲ «نحن» در «نذهب» مرجع «جعفر» است. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «مُبْتَسِماً» حال است، پس حصر داریم. ۳ بعد «إلا» قید زمان آمده و حصر است. ۴ جمله قبل «إلا» ناقص است. (ندارد در جامعه مگر جایگاهی والا).

۲۳۰۴. ۳ مورد حصر «علی الغاصب» است؛ پس باید بگوید «ارفع صوتک أمام الغاصب فقط».

۲۳۰۵. ۴ قید «فقط» برای «مَنْ» است نه برای «إلی المجد» یعنی فقط کسی که صبر می‌کند به عظمت می‌رسد (إنما یصل إلی المجد مَنْ یصبر).

۲۳۰۶. ۲ «لهو» مفعول دوم است پس حصر می‌سازد. در گزینه (۱) «أکرّم» اسم تفضیل است (أکرّم: فعل) پس استثنا داریم. در گزینه (۳) «جالساً» حال است و حصر ساخته است. در گزینه (۴) هم «قراءة» مفعول مطلق و حصر است. ۲۳۰۷. ۱ حصر داریم: فقط مؤمنانه به خدای متعال توکل خواهم کرد. بررسی سایر گزینه‌ها: ۲ حصر داریم (روزگار را در دوری محبوب خود فقط عذاب تصور کردم). ۳ مرجع «کتاباً» مشخص نیست، پس حصر است. ۴ حصر داریم (فقط به طور کامل به معلم احترام گذاشتم).

۲۳۰۸. ۴ «مشتاقاً» حال است، پس حصر داریم. (انسان سگ را فقط مشتاقانه نجات داد). در گزینه (۱) «استفاده» مفعول مطلق است و حصر داریم. حواستان باشد در گزینه‌های (۲) و (۳) منظور این است که قبل «إلا» فاعل و خبر نداریم و چون این‌ها بعد «إلا» آمده‌اند، پس محصور هستند. وقتی می‌گوید «فلان نقش محصور است»، یعنی در جمله قبل از «إلا» آن نقش را کم داریم.

۲۳۰۹. ۲ «أشیاء» مستثنی‌منه و مفعول است. گزینه‌های (۱) و (۴) با فعل ناقص آمده که اصلاً فاعل و مفعول ندارند. در گزینه (۳) هم «نا» در «رجعنا» فاعل است. در گزینه (۱) «الضيوف»، در گزینه (۳) ضمیر بارز «نا» فاعل، و در گزینه (۴) ضمیر بارز «نَ» مستثنی‌منه هستند که مفعول نیستند.

۲۳۱۰. ۳ مرجع «من» کلمه «المُجاهدون» می‌باشد و نقش آن فاعل است. در گزینه‌های (۱) و (۴) مستثنی‌منه در جمله محذوف است. در گزینه (۲) مستثنی‌منه «کُلّ مرض» مجرور به حرف جر است.

۲۳۱۱. ۲ در گزینه (۱) «الناس» مستثنی‌منه است. در گزینه (۳) مستثنی‌منه حذف شده و در گزینه (۴) «أنتم» مستثنی‌منه است.

۲۳۱۲. ۳ در گزینه (۱) اصلاً مستثنی‌منه موجود نیست. در گزینه (۲) مستثنی‌منه، محذوف است. در گزینه (۴) مستثنی‌منه «الموظفین» است.

۲۳۱۳. ۳ در سایر گزینه‌ها مستثنی‌منه به ترتیب «مقالات»، «العمّال» و «الجماعة» هر سه دارای نقش «مبتدا» هستند، ولی در گزینه (۳) مستثنی‌منه «جميع» نقش فاعل دارد.

۲۳۱۴. ۲ حصر داریم و مستثنی‌منه محذوف است. (جمله قبل از «إلا» خبر ندارد).

۲۳۱۵. ۱ صورت سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، محلّ اعرابی (نقش) مستثنی‌منه با بقیه متفاوت باشد. در گزینه (۱)، مستثنی‌منه «الأدویة» است که محلّ اعرابی آن، مفعول است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «أحد»، «شخص»، «شیء» مستثنی‌منه هستند و نقش آن‌ها، فاعل است.

۲۳۱۶. ۱ در این عبارت «شیء» مستثنی‌منه و نقش اعرابی آن «نائب فاعل» است (فعل مجهول است)؛ در سایر عبارات به ترتیب «الشعراء»، «مشکلة»، «التلاميذ» مستثنی‌منه هستند و نقش آن‌ها فاعل می‌باشد.

۲۳۱۷. ۱ کد پاسخ تصویری ۹۹۱۲۰۵۷۹ بررسی گزینه‌ها: ۱ مستثنی: مَصْدَر (اسم مکان بر وزن «مَفْعَل» است). مستثنی‌منه: مَصَادِر (اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است). ۲ مستثنی: مخزنا (اسم مکان است). مستثنی‌منه: عُرفاً (به معنی اتاق‌ها است؛ ولی اسم مکان نیست). ۳ مستثنی: مِنْطَقَة (اسم مکان نیست). مستثنی‌منه: (کُلّ) المناطق (اسم مکان نمی‌باشد زیرا مفرد آن «مِنْطَقَة» است). ۴ مستثنی: الشّارع (اسم مکان نیست). مستثنی‌منه: الشّوارع (اسم مکان نیست).

۲۳۱۸. ۴ صورت سؤال عبارتی را می‌خواهد که در آن مستثنی و مستثنی‌منه هر دو نکره باشند که در گزینه (۴) «لغات» مستثنی‌منه و «فارسیّة» مستثنی است که هر دو نکره می‌باشند. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ در این گزینه «أحد» که مستثنی‌منه است نکره است، اما «محمّد» مستثنی است که معرفه به عَلم است. (اسم‌های معرفه به عَلم حتی اگر تنوین هم بگیرند، باز عَلم‌اند). ۲ در این گزینه ساختار حصر داریم و مستثنی‌منه وجود ندارد. دقت کنید که «صديق» در این عبارت اسم «یکن» می‌باشد که بعد از «إلا» آمده است. ۳ در این عبارت ساختار حصر وجود دارد و مستثنی‌منه حذف شده است. «شاعر» فاعل برای فعل «یُنشد» می‌باشد.

۲۳۱۹. ۳ مستثنی‌منه باید کلی‌تر، یعنی جمع یا نکره باشد (لاعب) و مستثنی باید جزئی‌تر یعنی (معرفه) باشد؛ الّا لعب (بازیکنی موفق نشد مگر آن بازیکن (مورد نظر)). گزینه (۲) از نظر جنس با فعل (نجح) مطابق نیست.

۲۳۲۰. ۲ در گزینه (۲) «الزّملاء» که جمع مکسر است، مستثنی‌منه قرار گرفته است. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «درس» مستثنی‌منه و مفرد است. ۳ «قانون» مستثنی‌منه و مفرد است. ۴ «المواطنون» مستثنی‌منه و جمع مذکر سالم است.

۲۳۲۱. ۳ «مستثنی‌منه» باید کلی‌تر از مستثنی باشد، پس «التّلمیذ» که مفرد و معرفه است نمی‌تواند مرجع «سعید» باشد. «التّلمیذ» ← «التّلامیذ» یا «تلمیذ» درست است.

۲۳۲۲. ۱ در جمله قبل «إلا» به فاعل نیاز داریم، پس «الشوکل» در جایگاه فاعل است اما فعل آن به صورت مؤنث (تساعد) آمده که غلط است («یُساعد» صحیح می‌باشد؛ فقط توکل به من کمک کرد).

پایه دوازدهم درس چهارم

۲۳۲۳. ۴ کد پاسخ تصویری ۹۹۱۲۰۵۸۰ «سُشاهدُ: خواهند دید» فعل معلوم و زمان آن آینده است (رد ۲ و ۳)، «إِنْ تَحَقَّقْ: چنانچه تحقق یابد» (رد ۲ و ۳).

۲۳۲۴. ۳ «أرونی: به من نشان دهید» (رد ۱ و ۲)، «خلق الله: آفرینش خداوند» ترکیب وصفی نیست (رد ۲)، «الذین من دونه: کسانی که غیر او هستند» (رد ۲ و ۴).

دلمه: «رأی: دید» / «یَری: می‌بیند» / «أری: نشان داد، می‌بینم» / «یُری: نشان می‌دهد» / «أُر: نشان بده»



۲۳۲۵. ۴ «نعرف: می‌شناسیم» مضارع است (رد ۲)، همچنین «لا نجد: نمی‌یابیم» مضارع است (رد ۱ و ۲)، «یعملون بما یقولون: به آنچه می‌گویند عمل می‌کنند» (رد سایر گزینه‌ها)، «تأثیراً عمیقاً: تأثیر عمیقی، تأثیری عمیق» (رد ۲ و ۳).

۲۳۲۶. ۲. کد پاسخ تصویری ۰۰۱۷۰۵۸۱ «ما أسرع: چقدر سریع است» بیانگر ساختار تعجب است (رد سایر گزینه‌ها)، ضمیر «نا» در گزینه (۱) ترجمه نشده، ضمناً «چقدر» در انتهای این گزینه اضافی است، «مُهِدُّ» اسم است نه فعل (رد ۴)، «تخریب» مصدر از باب «تفعیل» به معنای «خراب کردن» است (رد ۱ و ۳)، «لم يتحقق: محقق نشود» (رد ۴).

۲۳۲۷. ۴. الهمس الذی: پیچ کردنی که، آهسته سخن گفتنی که» (رد ۲ و ۳)، در گزینه (۱) «کامل» و در گزینه (۲) «قطعه» اضافی است چون مفعول مطلق تأکیدی نداریم، «ضرراً» مفعول مطلق نوعی است و «لا تتنبه» جمله وصفیه است و همراه با حرف «که» ترجمه می‌شود (رد ۲ و ۳).

۲۳۲۸. ۴. کد پاسخ تصویری ۰۰۱۷۰۵۸۷ «مُراقِبَةٌ» مفعول مطلق تأکیدی است که تنها در گزینه (۴) قید تأکید (بی‌گمان) داریم، «کانت تتغذى» ماضی استمراری است، نه مصدر یا ماضی بعید (رد سایر گزینه‌ها).

۲۳۲۹. ۱. تقدّم: ارائه کنیم» (رد ۲)، «أن نکتب: که بنویسیم» (رد ۲ و ۳)، «العوامل المهددة للبيئة: عوامل تهدیدکننده محیط زیست» نیازی به «که» ندارد (رد ۳ و ۴)، «أبحاثا: پژوهش‌هایی» اسم نکره است (رد ۳ و ۴).

۲۳۳۰. ۳. سَبَب: سبب (باعث) شده» ماضی است نه مضارع (رد ۲)، «هم» در گزینه (۱) اضافی است، «أصبحوا: شده‌اند» فعل است نه اسم (رد ۱)، ضمناً فعل ناقصه است و به شکل متعدی ترجمه نمی‌شود (رد ۴)، «لا مفز: هیچ راه گریزی» (لا) از نوع نفی جنس است و لفظ «هیچ» باید ترجمه شود (رد ۱ و ۴)، «اللاجء: پناه بردن» اسم است نه فعل (رد ۱).

۲۳۳۱. ۲. تلوث الجو: آلودگی هوا» ترکیب اضافی است نه وصفی (رد ۱ و ۴)، «یهدد: تهدید می‌شود» فعل مجهول است (رد ۱ و ۴)، ضمناً «الطبيعة» صفت نیست پس «طبیعی» غلط است (رد ۳ و ۴).

۲۳۳۲. ۲. کد پاسخ تصویری ۰۰۱۷۰۵۸۳ «بکثرة: به زیادی، زیاد» نباید به صورت صفت ترجمه شود (رد ۳)، دقت کنید که با توجه به سؤالات کنکورهای اخیر، جمله «ونحن...» که یک جمله حالیه است را می‌توان به دو صورت «در حالی که» و «با این که» ترجمه کرد و هر دو صورت صحیح است، «نَعْلَم: می‌دانیم» (رد ۱ و ۴)، «استخدامها الكثير: بکار بردن زیادشان» یک ترکیب وصفی-اضافی است، (رد ۱ و ۴)، «الإختلال: اختلال» معرفه و مفرد است (رد ۱)، «يؤدي إلى: به ... منجر می‌شود، سبب می‌شود» (رد ۱ و ۳).

۲۳۳۳. ۴. کد پاسخ تصویری ۰۳۱۷۰۵۸۴ «لا يُعِينُنِي... إلّا مَنْ» بیانگر ساختار «حصراً» (مستثنی منه محذوف) است، چون جمله قبل از «إلّا» ناقص است و فاعل ندارد؛ بنابراین چنین جمله‌ای را می‌توان به دو صورت «منفی» + «إلّا: جز، مگر» همانند گزینه (۲) [یاری نمی‌رساند... جز کسی که...] یا «مثبت» + «إلّا: فقط، تنها» همانند گزینه‌های (۳) [فقط کسی که... کمک می‌کند] و (۴) [فقط آنکه... یاری می‌کند] ترجمه کرد؛ ولی حواستان باشد گزینه (۱) با اینکه جمله را به صورت «مثبت» ترجمه کرده، اما «إلّا: فقط، تنها» را در ترجمه نیاورده که نادرست است، «حُبّاً» مصدر فعل خود (يُحِبُّ) است و به عنوان مفعول مطلق، چون پس از آن «صفت»، جمله وصفیه یا «مضاف الیه» نیامده، مفعول مطلق تأکیدی محسوب می‌شود که باید به صورت قیدهای «تأکیدی» (حتماً، واقعاً و...) و قبل از فعل خود ترجمه شود، اما دقت کنید فعل «لا يُعِينُ» چون مصدرش به عنوان مفعول مطلق تأکیدی در جمله نیامده؛ پس نیازی ندارد که بالفظ «حتماً» ترجمه شود (رد ۱ و ۳)، «هو صديقي: او دوست من است» در گزینه (۱) در جای درستی ترجمه نشده، «أن» در گزینه (۳) اضافی است، «تقدّمه: پیشرفتش» فقط در گزینه (۴) ترجمه شده، «هذه السنة: این سال، امسال» [اسم اشاره + اسم «ال» دار] به صورت ترکیب ترجمه می‌شود نه جمله (رد ۲)، «يرتبط: بستگی دارد» فعل است نه اسم (رد ۱ و ۳).

۲۳۳۴. ۴. کد پاسخ تصویری ۰۰۱۷۰۵۸۵ «توازن الطبيعة: توازن طبیعت، تعادل طبیعت» در عبارت عربی «فی» نداریم (رد ۲)، «منه: از آن» (رد ۱)، «نَسعى: تلاش کنیم» فعل است نه مصدر (رد ۱ و ۲)، «تَعَدَّى: دست‌درازی» مصدر است (رد سایر گزینه‌ها)، «من أجل منفعتهم: به خاطر سود خودشان»، در گزینه (۱) منفعت طلبانه ترجمه شده است.

۲۳۳۵. ۳. «مُساعدة» مفعول مطلق نوعی است پس با قید تأکید ترجمه نمی‌شود (رد ۱ و ۲)، «تُساعدني: به من کمک کنی» فعل مضارع معلوم است (رد ۴).

۲۳۳۶. ۱. «رؤية» مفعول مطلق تأکیدی است که در گزینه (۲) ترجمه نشده و در گزینه (۳) نیز ابتدای جمله آمده که غلط است؛ زیرا قید تأکید در ترجمه مفعول مطلق تأکیدی باید قبل از فعل باشد. در گزینه (۴) «رأيت» به صورت آینده ترجمه شده که غلط است.

۲۳۳۷. ۱. کد پاسخ تصویری ۰۰۱۷۰۵۸۶ «يُكسِر: بشکند» فعل است نه اسم (رد ۲)، «سخن گفتن: تكلّم: سخن: کلام» (رد ۳ و ۴)، «دیگران» در گزینه (۳) اضافه است، «يستطيع: می‌تواند» فعل است نه اسم (رد ۲ و ۳).

۲۳۳۸. ۲. «ما حدث: آنچه رخ داد» (رد ۳ و ۴)، «کانت تتغذى: تغذیه می‌کردند»، همچنین «فتران» جمع مکسر است نه مثنی (رد ۱ و ۳)، «حِثْرني: مرا شگفت زده کرد» (رد ۳ و ۴).

۲۳۳۹. ۴. کد پاسخ تصویری ۰۰۱۷۰۵۸۷ «بعضُ الطيور: برخی پرندگان» نباید به صورت «عده‌ای از پرندگان» ترجمه شود (رد ۱ و ۲)، «تَشعر بالخطر: احساس خطر می‌کنند» فعل مضارع است (رد سایر گزینه‌ها)، «تَلَجَّأ: پناه می‌برند، متوسل می‌شوند» (رد سایر گزینه‌ها)، «الحيل التي: نقشه‌هایی که، چاره‌اندیشی‌هایی که» (رد ۱ و ۳)، «تُنقذ: نجات می‌دهد» یک فعل مضارع ساده است و ساختار خاصی ندارد (رد سایر گزینه‌ها).

۲۳۴۰. ۱. کد پاسخ تصویری ۰۰۱۷۰۵۸۸ «القط الأسود: گربه سیاه»، «القط الأبيض: گربه سفید» (رد سایر گزینه‌ها)، «الفأر: موش» معرفه است (رد ۳ و ۴)، در ترجمه «لای» نفی جنس باید «هیچ... نیست» بیاید (رد سایر گزینه‌ها).

۲۳۴۱. ۳. «مَنْ: کسی که» شرطیه نیست (رد ۱ و ۴)، «أن يختل: که مختل شود» فعل لازم است نه متعدی (رد ۲)، «نشاطات مخربة تؤدي: فعالیت‌های تخریب‌گرایانه‌ای که سبب می‌شود» جمله وصفیه با حرف ربط (که) ترجمه می‌شود (رد ۴).

۲۳۴۲. ۴. کد پاسخ تصویری ۰۹۸۱۷۰۵۸۹ «ما أكثر: چه (چقدر) زیاد (بسیار) است» (رد ۱ و ۲)، «يلاحظون» فعل است؛ پس نباید به صورت «بی‌توجه هستند» (اسمی) ترجمه شود. ضمناً «مضرات» مفعول است و با «را» ترجمه می‌شود (رد ۲ و ۳).

۲۳۴۳. ۲. «الكلام: سخن گفتن» مصدر است نه فعل (رد ۱)، ضمناً «آداب الكلام: آداب سخن گفتن» ترکیب اضافی است و حرف اضافه در ترجمه‌اش نمی‌آید. (رد ۳ و ۴)، «این پایبندی» در گزینه (۴) اضافی است، مرجع فعل «لا يُستَبون» در این عبارت، «مَنْ» است. (رد ۳ و ۴)، «التزام» مفعول مطلق نوعی و «لا يُستَبون: سبب (باعث) نمی‌شوند» جمله وصفیه می‌باشد و با حرف «که» ترجمه می‌شود. [دقت کنید حرف «که» باید قبل از جمله وصفیه ترجمه شود نه جای دیگری.] (رد سایر گزینه‌ها).

۲۳۴۴. ۲. «هؤلاء الأطفال: این کودکان» (رد ۱)، «قد أجابوا: پاسخ داده‌اند» (رد ۳ و ۴)، «أسئلة سألناها: سؤالاتی که پرسیده بودیم، سؤالاتی که پرسیدیم» (رد ۱)، «إجابة الصادقين: همچون راستگويان» (مفعول مطلق نوعی + مضاف إلیه) (رد سایر گزینه‌ها).

۲۳۴۵. ۲. «طائر: پرنده‌ای» نکره است (رد ۱)، «يرتفع: بالامی‌رود» فعل لازم است (رد ۱ و ۴)، «ارتفاعاً» مفعول مطلق نوعی است و نیازی به قید تأکید ندارد (رد ۳).

۲۳۵۹. ۱ ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها: P «و هو طریق: در حالی که آن راهی است که»، «بعد» ترجمه نشده؛ ضمناً «تؤمن به ایماناً: حقیقتاً به آن ایمان داری» (ایماناً، نقش مفعول مطلق تأکیدی دارد؛ پس باید با قید تأکیدی ترجمه شود و ترجمه‌اش با لفظ «به شدت» نادرست است). P تردید نکن هرچند [اگرچه] تنها باشی ... ۴ گاهی، تنهایی بهتر از زندگی کردن برای کسب رضایت دیگران است.

ویتامینه: قد + مضارع ← «قد» حرف تأکید نیست؛ بلکه معنای «گاهی، شاید، ممکن است» می‌دهد.



۲۳۶۰. ۳ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ مفعول مطلق تأکیدی نداریم پس «قطعاً» اضافی است. P «لم ازداد: چرا زیاد شده است» ۴ «السماح: اجازه دادن» (المسامحة: بخشیدن)

۲۳۶۱. ۱ بررسی سایر گزینه‌ها: P «دُعَاء» مفعول مطلق تأکیدی است (هنگامی که او را واقعاً بخواند) ضمناً «فراوان» اضافی است. ۳ «عزم و صمود: اراده (تصمیم) و پایداری»، «ابداً... تشاهد: شروع کن [تا] بینی» ۴ «يُسْجَع: تشویق می‌شوند» مجهول است.

۲۳۶۲. ۱ بررسی سایر گزینه‌ها: P «جُعِلت» مجهول است (قرار داده شد). ۳ «ما أظلم الإنسان: انسان چقدر ستمگر است. ۴ «التي» (که) باید قبل از «هی نتیجه» ترجمه شود نه «تضرها». ضمناً منظور از «ها» طبیعت است نه انسان، ولی «او» به انسان اشاره دارد، «آن» بهتر است. (همان طور که باران‌های اسیدی که نتیجه آلودگی هواست به آن ضرر می‌رساند).

۲۳۶۳. ۳ «آیا ندانستی» مفرد است (رد ۲ و ۴)، «این پرنده: هذا الطائر» (رد ۱ و ۲)، «لأنه بلندش: عُشّه المرتفع» ترکیب وصفی - اضافی است (رد ۱ و ۴)، «دور از شکارچیان: بعيداً عن المُفترسين» (رد ۴).

۲۳۶۴. ۱ کد پاسخ تصویری ۰۱۲۰۵۹۳ «مادر: الأم» (رد سایر گزینه‌ها)، «برای تربیت: لتربية» (رد ۲ و ۴)، «بسیار تلاش می‌کند: اجتهد... إجتهداً بالغاً، (کثراً)» (رد ۲ و ۴).

۲۳۶۵. ۱ کد پاسخ تصویری ۰۱۲۰۵۹۴ «بالش: جناحه» (رد سایر گزینه‌ها)، «تظاهر کرد: تظاهر» فعل ماضی از باب «تفاعل» می‌باشد (رد ۲ و ۴)، «پرنده باهوش: الطائر الذكي» ترکیب وصفی معرفه است (رد ۳ و ۴).

۲۳۶۶. ۴ کد پاسخ تصویری ۰۱۲۰۵۹۵ «موافقت کرد: وافق» (رد ۲ و ۳)، «استاد» در سؤال ضمیر ندارد (رد ۱ و ۲)، «امتحان» مفرد است (رد ۱ و ۳)، کلمه «مدت و برای دانش آموزان» در گزینه‌های (۱) و (۲) تعریب نشده است.

۲۳۶۷. ۲ کد پاسخ تصویری ۰۳۱۲۰۵۹۶ «شهروند: المواطن» مفرد است نه جمع (رد ۱ و ۴)، «کل» در گزینه‌های ۱ و ۴، اضافی اند و معادلی در متن فارسی ندارند، «شهروند بافهم: المواطن الفهيم» (رد سایر گزینه‌ها)، «اهتمام می‌ورزد: يهتم» فعل است نه مصدر (رد ۳)، ضمناً مفرد است نه جمع (رد ۴)، دقت کنید در عبارت «شدیداً اهتمام می‌ورزد»، قید «شدیداً» برای فعل به کار رفته؛ که می‌تواند طبق ساختار [مفعول مطلق نوعی + صفت] تعریب شود؛ یعنی «يهتم... اهتماماً كثيراً (بالغاً)» اما این قید در گزینه‌های (۳) و (۴) تعریف نشده است.

۲۳۶۸. ۲ «این کودکان: هؤلاء الأطفال» (رد سایر گزینه‌ها)، «می‌خواستند: كان ... يريدون» ماضی استمراری (رد ۳)، «بمانند: أن تبقى» (رد ۱ و ۳)، «زمان بیش‌تری: وقتاً أكثر (أطول)» (رد ۳ و ۴).

۲۳۶۹. ۳ «این ادیب: هذا الأديب» (رد ۱ و ۲)، «شرایط دشوارش: ظروفه القاسية» (رد ۱ و ۴)، «فعالیت: النشاط» (رد ۲ و ۴)، «نمی‌بینیم: لا نشاهده» (رد ۲ و ۴).

۲۳۴۶. ۱ کد پاسخ تصویری ۱۲۰۴۰۵۹۰ «لا قبل از فعل «لا یتربک: نباید ترک شود» نهی است نه نفی و همچنین مجهول است (رد ۲ و ۳)، «زلة: لغزشی» نکره است نه معرفه (رد ۳ و ۴).

۲۳۴۷. ۳ «أدرک: درک کرد» فعل ماضی است نه مضارع (رد ۴)، «أخطار التلوث البيئي: خطرات آلودگی زیستی» (رد ۲ و ۴)، در گزینه (۱) «در حالی که» اضافی است و «تقليل» یعنی «کم کردن، کاهش دادن» و باید متعدی ترجمه شود. «الإجراءات اللازمة: اقدامات لازم» (رد ۲ و ۴).

۲۳۴۸. ۳ «لنستطيع: تا بتوانیم» (رد ۱)، «انسحب: عقب نشینی کردند» (رد ۲)، «شباباً أعرأ: جوانانی عزیز» (رد ۲)، «لأننا: زیرا ما» (رد ۴)، «ف: پس، و»، «ثم: سپس» (رد ۴).

۲۳۴۹. ۱ «قد» قبل از فعل مضارع معنی «شاید، گاهی، ممکن است...» می‌دهد که دوبار در صورت سؤال آمده است (رد ۲ و ۳)، در گزینه (۴) «بسیار» اضافی است. «احتیاجاً» مفعول مطلق تأکیدی و همراه با قید تأکیدی «قطعاً، یقیناً و...» ترجمه می‌شود (رد سایر گزینه‌ها).

۲۳۵۰. ۲ «مجاهدة» مفعول مطلق تأکیدی است و باید قبل از فعل ترجمه شود (حتماً جهاد می‌کند) و روی فعل تأکید کند نه روی اسم.

۲۳۵۱. ۱ «مهلكة» نکره است نه معرفه، «تضر» جمله وصفیه برای اسم نکره قبل از خود (مهلكة) است؛ بنابراین حتماً باید با لفظ «که» ترجمه شود نه «و»، ضمناً «ضرراً» مصدر منصوب فعل خودش (تضر) است؛ پس «مفعول مطلق» است و چون پس از آن «صفت»، جمله وصفیه یا «مضاف‌الیه» نیامده مفعول مطلق تأکیدی محسوب می‌شود و باید به صورت قیدهای تأکیدی (حتماً، قطعاً و...) ترجمه شود اما به شکل «بسیار» ترجمه شده که معادل مناسبی برای قید تأکیدی محسوب نمی‌شود.

ترجمه صحیح عبارت: «طمع تورادر مهلكة ای می‌اندازد که قطعاً به تو ضرر می‌زند». ۲۳۵۲. ۳ ترجمه صحیح عبارت: «و هنگامی که عالمی را دید که آن را مسح می‌کرد درحالی که مردم به او کمک می‌کردند».

۲۳۵۳. ۱ «طمریه: دو جامه کهنه» در اصل «طمرین + ه» بوده که به دلیل مضاف شدن، نون از انتهای اسم حذف شده.

۲۳۵۴. ۴ کد پاسخ تصویری ۰۱۱۲۰۵۹۱ «فرزندان من اگر آگاه باشید روابطی تو در تو [به هم وابسته] را بین موجودات زنده می‌یابید».

۲۳۵۵. ۱ (طرداً) مفعول مطلق تأکیدی است و «انسحبوا» صفت آن نیست، زیرا حرف «ف» سبب قطع ارتباط شده، لذا عبارت به شکل «متجاوزان را از کشورمان بی‌شک راندیم، پس عقب نشینی کردند» ترجمه می‌شود.

۲۳۵۶. ۱ کد پاسخ تصویری ۰۹۱۲۰۵۹۲ «تستمعوا استماعاً: حتماً گوش کنید»، «سمع: شنید» (رد ۲)، «سأقرأ: خواهم خواند» (رد ۳)، «لا تأخذون منها إلا العبرة المؤثرة: در حالی که از آن‌ها تنها عبرت تأثیرگذار می‌گیرید، در حالی که از آن‌ها جز عبرت تأثیرگذار نمی‌گیرید» (رد ۴).

۲۳۵۷. ۴ «فلنحافظ: پس باید مراقبت کنیم» (رد ۱)، «دائماً» معنا نشده است و در ضمن ضمیر «که» نیز ترجمه نشده است (رد ۲)، «الأشجار» جمع است (رد ۳).

۲۳۵۸. ۲ ترجمه سایر گزینه‌ها: ۱ «فاز فوزاً عظيماً: به رستگاری بزرگی نایل شده است (می‌شود)» ۳ «أعبد ربي عبادة المحب: پروردگار مهربانم را مانند یک عاشق (دوست دار) می‌پرستم» ۴ «ينجح الإنسان الذؤوب نجاحاً: انسان پرتلاش حتماً موفق می‌شود».

۲۳۷۷. ۴ ترجمه عبارت صورت سؤال: «هرکس دوست یا برادر بدون عیبی بخواهد، بدون برادر باقی می ماند» نزدیک ترین گزینه ای که ارتباط مفهومی با این عبارت دارد گزینه (۴) می باشد. ترجمه عبارت گزینه (۴): «همانا او در انتخاب دوست مردد است، پس تنها می ماند» (شک و تردید در انتخاب دوست به عدم توانایی در انتخاب دوست منجر می گردد).

۲۳۷۸. ۳ کد پاسخ تصویری ۰۱۱۲۰۵۹۸ کدام معادل برای مفهوم سؤال غلط است؟ بررسی گزینه ها: ۱ به خوبی نخواهید رسید تا این که از آنچه دوست دارید انفاق کنید. ← هر دو عبارت به دل کندن از مادیات و بخشش از آنچه میل خود است، اشاره دارند. ۲ ما همه شما را روزی می دهیم. ← هر دو عبارت اشاره به (ضمانت روزی توسط خدا) دارند. ۳ اگر نیکی کنید به خودتان نیکی کرده اید. (بازگشت نتیجه کار نیک). ← ولی عبارت فارسی به «تناسب عمل و عکس العمل» اشاره دارد. ۴ و اگر به امر لغو برسند، با بزرگواری می گذرند. ← هر دو عبارت اشاره به (پنهان کردن زشتی) دارند. ✓

۲۳۷۹. ۳ در گزینه (۳) آمده است که «هیچ چیزی جهت زندانی شدن سزاوارتر از زبان نیست»، در حالی که مفهوم بیت داده شده و در مقابل آن، به گفتن سخن نیکو و پسندیده توصیه می کند و این دو با هم ارتباط معنایی ندارند. بررسی سایر گزینه ها: ۱ آمده است که «آزموده شده رانیزمای» که بایست داده شده تناسب دارد. ۲ نیز آمده است که «هیچ گنجی بی نیاز کننده تر از قناعت نیست» که با شعر داده شده تناسب دارد. ۴ نیز آمده که «هیچ علمی نداریم جز آنچه که تو به ما یاد دادی» که با بیت داده شده قرابت معنایی دارد.

۲۳۸۰. ۴ کد پاسخ تصویری ۰۱۱۲۰۵۹۹ ترجمه گزینه (۴): «ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا چیزی را که انجام نمی دهید می گوید؟» مفهوم آیه شریفه، اشاره به «عمل به حرف» دارد، ولی مفهوم شعر فارسی این گزینه «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد = جایگاه و موقعیت مناسب برای حرف و سخن است» ترجمه سایر گزینه ها: ۱ بادستانان [خود را] به هلاکت و نابودی نیندازید. ۲ با مردم به اندازه توان عقل هایشان سخن بگو. ۳ نادان فقط مانند لباسی قدیمی است. ۲۳۸۱. ۴ کد پاسخ تصویری ۰۱۱۲۰۶۰۰ «برترین اخلاق مردان، بخشش است»، «أحسن إلى من أساء» به کسی که به تو بدی کرده، نیکی کن. ← مفهوم مشترک بخشش در حق دیگران.

۲۳۸۲. ۴ «عصیان» مفعول مطلق تأکیدی برای «نعصی» است. در سایر گزینه ها فعل به همراه مصدر هم ریشه نیامده است که مفعول مطلق بسازد. ۲۳۸۳. ۳ «المصوّر» اسم و «صوّر» فعل است، پس نمی تواند مفعول مطلق بسازد. در سایر گزینه ها «معرفة»، «تفکّر» و «شکر» مفعول مطلق نوعی به همراه صفت و جمله وصفیه هستند.

۲۳۸۴. ۳ «لن أبادر» فعل و «مبادرة» مفعول مطلق نوعی است («تنجینی» جمله وصفیه است). در گزینه های (۱) و (۴) «مقرّر» حال و «صبراً» مفعول دوم است. ضمن این که «فعل + مصدر هم ریشه» نداریم.

۲۳۸۵. ۳ «إكراماً»، «تأديباً» و «رغبة» مفعول مطلق نوعی به همراه صفت هستند؛ ولی در گزینه (۳) اصلاً دو کلمه هم ریشه نداریم که بخواهد مفعول مطلق باشد.

۲۳۸۶. ۴ «دوراً» مصدر از جنس فعل «یدور» و مفعول مطلق نوعی است چون با جمله وصفیه آمده است. در سایر گزینه ها، فعل و مصدر هم ریشه نداریم. گول «نستقبل» و «یستقبل» (هر دو فعل هستند) و «متعودین» (حال) را نخورید.

۲۳۸۷. ۳ «فی حزن» جار و مجرور است. در سایر گزینه ها به ترتیب «إعطاء»، تصدیقاً و غرساً مفعول مطلق نوعی هستند.

۲۳۷۰. ۲ «از قرآن: من قرآن» (رد ۱)، در گزینه (۳) صفت «قراءة» باید مؤنث باشد (رد ۳)، «به زیبایی خواندم: قرأت ... قراءة جمیلة» (رد ۴).

۲۳۷۱. ۱ کد پاسخ تصویری ۰۱۱۲۰۵۹۷ «ماه ها بعد: بعد شهر، بعد آشپز» (رد ۳ و ۴)، «سبزیجات در مزرعه: الخضراوات فی المزرعة، بالمزرعة» (رد سایر گزینه ها)، «در معرض ... قرار می گیرد: تتعرض» در گزینه های (۳) و (۴) ترجمه نشده است، «خورده شدن» مصدر است نه فعل (رد ۳ و ۴)، «تلف گشتن» مصدر است نه فعل (رد ۳ و ۴).

نسوزی: اگر حرف جر «ب» به همراه «مکان» بیاید، غالباً معنای «در» می دهد.

دوپینگ: در تست های ترجمه و تعریب به دنبال رد گزینه با ترجمه دقیق لغات نباشید! بلکه با ساختارهای ترجمه ای خاص و تکنیک های ترجمه رد گزینه کنید. به عنوان مثال: در این تست برای فعل «مشاهده کرد» دو لغت «متراصف» و صحیح آمده (شاهد / رأی) و یا برای کشاورز نیز دو لغت مترادف (الفلاح / المزارع) در گزینه ها قرار داده شده. پس مثلاً: به جای اینکه دنبال معنای دقیق «خورده شدن» باشید به این نکته دقت کنید که «خورده شدن» مصدر است و نباید به شکل «فعل» تعریب شود و اگر به شکل «فعل» تعریب شد غلط است (مانند گزینه های ۳ و ۴).

۲۳۷۲. ۲ «برزلی» دارای «ی» نسبت است پس «البرازیل» غلط است (رد ۱) «انگور برزلی» ترکیب وصفی است پس هر دو باید «ال» بگیرند (رد ۳)، «تنه» مفرد است (رد ۳ و ۴)، «خصوصیات» ضمیر دارد (رد سایر گزینه ها)، «درختی است که: الشجرة التي، شجرة ...» (رد ۴).

۲۳۷۳. ۲ «آلودگی هوا: تلوث الهواء» ترکیب اضافی است و حرف جرّ «فی» در تعریب آن اضافی است (رد ۴). ضمناً «آلودگی: تلوث» در این ترکیب، مضاف است و «ال» نمی گیرد (رد ۴). ضمیر «آن» در «بالا رفتن درجه حرارت آن» ازدیاد درجه حرارت» در گزینه های (۱) و (۴) در تعریب نیامده است (رد ۱ و ۴)، «سبب شده است: قد سبباً ماضی است نه مضارع» (رد ۳ و ۴)، ضمناً چون به «آلودگی هوا: تلوث الهواء» و «بالا رفتن ...» ازدیاد» به عنوان «مرجع» برمی گردد باید به شکل «مثنی» بیاید نه «مفرد» (رد سایر گزینه ها).

۲۳۷۴. ۲ «تغییر کرد: تَغَيَّرَ»، «تغییر داد: غَيَّرَ» (رد ۱)، در گزینه (۳) کلمه «قطعاً» بیان نشده است (به صورت مفعول مطلق تأکیدی می آید) «تغییراً» مصدر فعل «تَغَيَّرَ» نمی باشد (رد ۴).

۲۳۷۵. ۴ دوست نباید به خاطر لغزش یا عیبی رها شود، چه فقط خداوند کامل است. مفهوم گزینه (۴): تو بگو با چه کسی معاشرت می کنی تا بگویم کیستی؟ بی ارتباط است. ترجمه سایر گزینه ها: ۱ هرکس به دنبال برادر بی عیب بگردد، بدون برادر می ماند. ۲ برای انسان کافی است که عیب هایش شمرده شود، (هیچ کس بی عیب نیست، همین که عیوب یک نفر آن قدر کم باشد که بتوان آن را شمرده کافی است تا او را به عنوان دوست خوب به حساب آورد). ۳ هرکس به دنبال دوست خالی از عیوب بگردد.

۲۳۷۶. ۴ ترجمه گزینه ۴: «خالقتان را به من نشان دهید تا بدانم به جای من برایتان چه آفریده است؟» بی معنی است. سایر گزینه ها مرتبط هستند. ترجمه سایر گزینه ها: ۱ جز خدای یکتا، کسی قادر بر آفرینش نیست. ۲ آنچه آن ها را خدایانتان می شمارید، قادر بر پدید آوردن چیزی نیستند.

۲۳۸۸. ۱ **کد پاسخ تصویری ۰۳۶۲۰۶۰۱** «الزَّامُ» در ابتدای جمله «مصدر» است نه فعل؛ بنابراین ساختار مفعول مطلق نداریم و «الزَّامُ» در وسط جمله نمی‌تواند مفعول مطلق باشد؛ چون [فعل + مصدر] است که ساختار مفعول مطلق را ایجاد می‌کند نه [مصدر + مصدر]. هرچند اگر به این موضوع هم دقت نکنید باید بدانید «الزَّامُ» دومی با توجه به اینکه پس از آن فعل آمده و مضاف نشده (مضاف الیه نگرفته) با فرض بر اینکه مفعول مطلق است، حتماً باید به شکل «الزَّامَا» منصوب می‌شده که نشده؛ پس از این طریق نیز می‌توان متوجه شد که در این گزینه مفعول مطلق نداریم.

در سایر گزینه‌ها به ترتیب: «مُشِيَا» (مصدر «أَمْشِي»)، «إِسْخَاطَا» (مصدر «تُسْخِطُ») و «إِغْلَاقَا» (مصدر «أَغْلَقْتُ») همگی مفعول مطلق هستند.

۲۳۸۹. ۱ «يُجَاهِدُونَ» فعل جمله و از باب «مُفَاعَلَة» است و با توجه به «المتوكلين» در انتهای عبارت متوجه می‌شویم که باید مفعول مطلق نوعی بسازیم که به همراه مضاف الیه آمده باشد؛ پس «مُجَاهِدَة» یا «جِهَاد» مناسب است، زیرا مضاف بوده و بدون تنوین می‌آید.

۲۳۹۰. ۴ برای ساختن مفعول مطلق، فعل و مصدر باید هم‌ریشه باشند (رد ۱ و ۲)؛ «مُحِب» اسم فاعل (مُدار) است نه مصدر (رد ۳).

۲۳۹۱. ۱ در این گزینه «مدح» در ابتدای جمله فعل و «مدح» دوم مصدر است که چون «جیداً» صفت آن است بنابراین مفعول مطلق نوعی است.

۲۳۹۲. ۱ «أَعَانَ» فعل و «إِعَانَة» هم مفعول مطلق تأکیدی است که شک را از اتفاق افتادن فعل برطرف می‌کند. در گزینه‌های دیگر به ترتیب «تَکْرِيمًا» مفعول مطلق نوعی، «حَسَنًا» صفت، «بَقَاءً» مفعول مطلق نوعی، «غَيْر» صفت، «حَسَابًا» مفعول مطلق نوعی و «أَسْرَع» صفت آن است.

۲۳۹۳. ۴ «تَشْجِيعًا» مفعول مطلق تأکیدی است که در آن توجه و اهمیت به وقوع فعل است. در گزینه (۲) «مُسَاعَدَة» مفعول مطلق نوعی و «أَشْكُر» جمله وصفیه آن است.

۲۳۹۴. ۱ **کد پاسخ تصویری ۱۲۰۴۰۶۰۲** «رُؤْيَة» مفعول مطلق تأکیدی است «ف» قطع رابطه کرده و جمله وصفیه نداریم. «إِنْجَاز الْعَمَل» انجام کار، مفعول مطلق تأکیدی اسمی است که بر وقوع فعل تأکید می‌کند. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «مُنْعَاً، إِيْمَانًا، مُسَاعَدَة» مفعول مطلق نوعی یا بیانی هستند، زیرا بعد از آن‌ها صفت یا مضاف الیه ذکر شده است.

۲۳۹۵. ۲ «دُقُّ» فعل و «دَقًّا» مفعول مطلق نوعی به همراه جمله وصفیه «لَا يُوصَفُ» است. در سایر گزینه‌ها «قَبُولًا، جَرَحًا، دَعْوَة» مفعول مطلق تأکیدی هستند.

۲۳۹۶. ۱ «خَفْتُ» فعل، «خَوْفًا» مفعول مطلق نوعی (بیانی) و «مَنْعَنِي» هم جمله وصفیه آن است.

۲۳۹۷. ۳ **کد پاسخ تصویری ۱۲۰۴۰۶۰۳** صورت سؤال عبارتی رامی خواهد که در آن تأکیدشونده، فعل باشد. در گزینه (۳) «تَسْلِيمًا» مصدر فعل «تَسَلَّمَ» است و به عنوان مفعول مطلق تأکیدی روی فعل خود (تَسَلَّمَ) تأکید کرده. در گزینه (۱) حصر آمده و «إِلَّا» در این حالت روی کلمه بعد تأکید کرده که اسم است. در گزینه (۲) نیز دو تأکید داریم: «إِنَّ» روی تمام جمله و «لَ» تأکید روی اسم پس از آن. در گزینه (۴) نیز «إِنَّمَا» روی رکن دوم جمله (الرياضيون) تأکید کرده است.

۲۳۹۸. ۳ **کد پاسخ تصویری ۹۷۱۲۰۶۰۴** قبل از «تَسْبِيح» فعل هم‌ریشه آن نیامده، در گزینه (۱) «تَسْبِيحًا»، در گزینه‌های (۲) و (۴) «ذَكَرًا» مفعول مطلق تأکیدی اند.

۲۳۹۹. ۳ **کد پاسخ تصویری ۱۲۰۴۰۶۰۵** صورت سؤال، عبارتی رامی خواهد که در آن «مُؤَكَّد» تأکیدشونده (کلمه‌ای که روی آن تأکید می‌شود) اسم نیست. در این گزینه «تَشْجِيعًا» مصدر فعل «يُشْجِعُونَ» است و به عنوان مفعول مطلق تأکیدی روی آن تأکید می‌کند؛ یعنی «مُؤَكَّد» تأکیدکننده (تَشْجِيعًا) مصدر و اسم محسوب می‌شود اما «مُؤَكَّد» تأکیدشونده (يُشْجِعُونَ) فعل است. بررسی سایر گزینه‌ها: **۱** در این گزینه، ساختار «حَصْر» داریم و «إِلَّا» در این حالت روی کلمه بعد از خود که در اینجا «مَنْ» (اسم) می‌باشد، تأکید می‌کند. **۲** در این گزینه، دو تأکید داریم: «إِنَّ» روی تمام جمله پس از خود تأکید می‌کند و «لَ» روی کلمه بعد از خود (آیات) که اسم می‌باشد. **۴** «إِنَّمَا» روی رکن دوم (در اینجا روی «الطَّلَاب» به عنوان اسم) تأکید می‌کند. **۲۴۰۰. ۲** **کد پاسخ تصویری ۱۲۰۴۰۶۰۶** در این گزینه «المُؤَكَّد» حرف «لَ» تأکید و فعل «أَكْرَمْتُ»، «المُؤَكَّد» می‌باشد.

۲۴۰۱. ۱ **کد پاسخ تصویری ۱۲۰۴۰۶۰۷** در این گزینه «اِثْنَان» مؤکد و «مدرستان» مؤکد است که «مُؤَكَّد» بعد از مؤکد آمده است. در گزینه (۲)، «لَ» امر مؤکد و «نَطَالَع» مؤکد است. در گزینه (۳) حرف «قَدْ» مؤکد و فعل ماضی «أَرْسَلَ» مؤکد است. در گزینه (۴) نیز «لَا» ی نهی مؤکد و «تَتَكَنَّنُوا» مؤکد است.

۲۴۰۲. ۴ «هَجْرَانًا» مفعول مطلق نوعی است و بعد از آن جمله وصفیه (یوصلک) آمده است. در سایر گزینه‌ها «إِحْسَانًا»، «تَزِينًا» و «تَقْصِيرًا» مفعول مطلق تأکیدی هستند.

۲۴۰۳. ۲ «اِخْتِفَاءً» مصدر از فعل «يَخْتَفِي» و مفعول مطلق تأکیدی است زیرا بعد از آن صفت یا مضاف الیه نیامده است؛ در سایر عبارات به ترتیب «غَوْصًا، عَفْوًا، سَمَحًا» مفعول مطلق نوعی می‌باشند که صفت یا جمله وصفیه گرفته‌اند. **۲۴۰۴. ۳** در این عبارت «إِنَّ» جزء حروف مشبّهه بالفعل می‌باشد و کاربرد آن تأکید بر کل جمله ما بعد خود است؛ در گزینه (۱) «أَنْ» داریم که تأکید ندارد، در گزینه (۲) «كَأَنَّ» ارتباطی به تأکید ندارد و همچنین در گزینه (۴) نیز نوع مصدر «إِنْشَادًا» مفعول مطلق نوعی است و کاربرد آن بیان نوع و کیفیت وقوع فعل است نه تأکید بر وقوع فعل.

۲۴۰۵. ۴ **کد پاسخ تصویری ۹۹۱۲۰۶۰۸** «يَفْتَخِرُ» فعل و «إِفْتِخَارًا» مصدر آن و مفعول مطلق است که صفت و مضاف الیه ندارد؛ پس تأکید است. در سایر گزینه‌ها «مُشَاهَدَة، عَمَلًا، إِرَاءَة» همگی مفعول مطلق نوعی (بیانی) هستند که صفت یا جمله وصفیه گرفته‌اند.

۲۴۰۶. ۴ **کد پاسخ تصویری ۹۹۱۲۰۶۰۹** تأکید فعل کار مفعول مطلق تأکیدی است. در گزینه (۴)، «تَحْتَاجُ» فعل و مصدر آن «إِحْتِيَاجًا» است که مفعول مطلق است و چون صفت و مضاف الیه ندارد، مفعول مطلق تأکیدی است. «حَصُولًا» در گزینه (۱)، «عَمَل» در گزینه (۲) و «رَغْبَة» در گزینه (۳) مفعول مطلق نوعی هستند که به همراه صفت یا مضاف الیه آمده‌اند.

۲۴۰۷. ۴ «دَعْوَة» مصدری از جنس «تَدْعُونَ» است و بعد از آن مضاف الیه (الضَّالِّينَ) آمده است، پس مفعول مطلق نوعی یا بیانی است؛ که بیانگر چگونگی انجام فعل است. در گزینه (۱) «نَجَاحًا» مفعول مطلق تأکیدی است. در گزینه (۲) مفعول مطلق نیامده و در گزینه (۳) «إِحْتِرَامًا» مفعول مطلق تأکیدی است؛ زیرا «حَتَّى» رابطه را قطع کرده پس جمله وصفیه نداریم.

۲۴۰۸. ۴ «تَقْدِمًا» مصدر و «لَمْ يَكُنْ لَهُ نَظِيرٌ» جمله وصفیه است، پس مفعول مطلق نوعی داریم. در گزینه (۱) مفعول مطلق تأکیدی داریم. گزینه (۲) هم‌ریشه با فعل نیست، گزینه (۳) هم «مُ» دارد و اسم فاعل است نه مصدر.

به جدول زیر که مهم‌ترین موارد «تأکید» را در کنکور بررسی کرده، دقت کنید:

مثال	تأکیدکننده: «مُؤَكِّد» (روی چه موردی تأکید میشه؟)	تأکیدشونده: «مُؤَكَّد»
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ («إِنَّ» روی تمام جمله «اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» تأکید کرده.)	تمام جمله پس از «إِنَّ»	«إِنَّ»
إِنَّمَا الْعِلْمُ وَسِيلَةٌ («إِنَّمَا» روی رکن دوم جمله یعنی «وَسِيلَةٌ» که «خبر» است، تأکید کرده.)	رکن دوم (دورتر) جمله	«إِنَّمَا»
يُسَاعِدُ الْمُؤْمِنَ الْمُسَاكِينَ مُسَاعِدَةً («يُسَاعِدُ» روی همون فعل خودش یعنی «يُسَاعِدُ» تأکید کرده.)	همان فعل خودش	مفعول مطلق تأکیدی
مَا شَهِدْتُ فِي الْمَدْرَسَةِ إِلَّا حَامِداً. («إِلَّا» روی اسم بعدش یعنی «حامداً» تأکید کرده.)	کلمه پس از «إِلَّا»	«إِلَّا» در اسلوب حصر
قَدْ رَجَعَ الْمَعْلَمُ. («قَدْ» روی فعل بعدش یعنی «رَجَعَ» تأکید کرده.)	فعل ماضی	«قَدْ» (لَقَدْ) + ماضی
﴿إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ («لَ» روی اسم بعدش یعنی «صوت» تأکید کرده.)	کلمه یا جمله پس از خود	«لَ» تأکید
لِيَذْهَبَ الظَّالِمُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ («لِيَذْهَبَ» روی فعل بعدش یعنی «يَذْهَبُ» تأکید کرده.)	فعل مضارع	«لَا» (لَا) جازمه (معنا: باید)
لَا يَكْذِبُ الْمُؤْمِنُ («لَا» روی فعل بعدش یعنی «يَكْذِبُ» تأکید کرده.)	فعل مضارع	«لَا» نهی غایب و متکلم (معنا: نباید)
اشْتَرَيْتُ سَيَّارَةً وَاحِدَةً («وَاحِدَةً» روی «سَيَّارَةً» تأکید می‌کنند.)	اسم قبل	عدد ۱ و ۲

۲۴۱۵. کد پاسخ تصویری ۰۲۱۲۰۶۱۳ صورت سؤال تأکیدی را می‌خواهد که برای تمام جمله باشد. تأکید «إِنَّ» بر تمام جمله پس از خود است. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ در این گزینه، جمله قبل از «إِلَّا» ناقص است و مفعول ندارد پس ساختار «حصر» داریم و در ساختار «حصر» تأکید روی تمام جمله نیست بلکه روی کلمه بعد از «إِلَّا» (در اینجا، «الحسنات») می‌باشد. ۳ «تشجیعاً» مصدر فعل قبل از خود (شَجَعَ) است و به عنوان «مفعول مطلق تأکیدی» فقط روی فعل خود (شَجَعَ) تأکید دارد نه تمام جمله. ۴ تأکید «إِنَّمَا» روی رکن دوم جمله است و در این گزینه، چون جمله اسمیه داریم، بنابراین تأکید «إِنَّمَا» روی خبر جمله (نائمه) می‌باشد و باز هم روی تمام جمله تأکید نمی‌کند.

ویتامینه: مهم‌ترین مواردی که بر «تأکید» دلالت دارند:

- ۱ «إِنَّ» = تأکید روی «تمام» جمله پس از خود
- ۲ «إِنَّمَا» = تأکید روی رکن دورتر و «دوم» جمله
- ۳ «مفعول مطلق تأکیدی» = تأکید روی «فعل خود» قبل از خود
- ۴ «حصر» = تأکید روی کلمه بعد از «إِلَّا»

۲۴۰۹. کد پاسخ تصویری ۱۲۰۴۰۶۱۰ سؤال درباره ساختار مفعول مطلق است و در جای خالی اول باید یک فعل و در جای خالی دوم مصدر مناسب آن بیاید تا ساختار مفعول مطلق ایجاد شود. دقت کنید که در گزینه (۱)، فعل جمله با توجه به «مُدْرَسَةِ» که مفرد مؤنث است باید «تُعَلِّمُ» باشد و نمی‌تواند «تُعَلِّمَ» باشد، پس برای ایجاد ساختار مفعول مطلق باید در جای خالی دوم «تُعَلِّمُ» قرار بگیرد که به اشتباه «تُعَلِّمُ» آمده است. در سایر گزینه‌ها فعل و مصدر با توجه به فاعل جمله که «مُدْرَسَةُ» است، صحیح به کار رفته است.

۲۴۱۰. کد پاسخ تصویری ۱۲۰۴۰۶۱۱ در این گزینه «انعم» فعل و «إنعاماً» مصدر آن است که مفعول مطلق تأکیدی ساخته. در سایر گزینه‌ها «تنافساً» به ترتیب مفعول، مفعول مطلق نوعی و «إنعاماً» در گزینه (۴) مفعول مطلق نوعی است («وافراً» صفت است).

۲۴۱۱. کد پاسخ تصویری ۱۲۰۴۰۶۱۱ «صبراً» مفعول مطلق نوعی و «کثیراً» صفت آن است. در سایر گزینه‌ها «صبر» اسم است ولی «فعل + اسم» می‌خواهیم.

۲۴۱۲. کد پاسخ تصویری ۱۲۰۴۰۶۱۱ در این گزینه «إحساناً» مصدری است که بعد از فعل «يُحَسِّنُ» آمده و مفعول مطلق است.

ترجمه عبارت: ای پسرم در زندگی ات نیکی کن همان‌گونه که دوست داری به تو نیکی شود. بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «إحساناً» در این عبارت مفعول دوم فعل «رَزَقَ» می‌باشد و مفعول مطلق نیست.

(ترجمه عبارت: هرکس به مردم نیکی کند پس خدا نیکی (خوبی) بسیاری را به او روزی می‌دهد.)

۲ در این گزینه «إحساناً» مفعول است و مفعول مطلق نیست، زیرا فعل هم‌ریشه و هم‌مصدرش در قبل وجود ندارد و «أحسن» اسم تفضیل است.

(ترجمه عبارت: قطعاً بهترین مردم همان کسانی هستند که نیکی کردنی را دوست دارند که خدا را راضی کند و خدا آن‌ها را به دلیل آن دوست دارد.)

۳ «إحساناً» در این عبارت مفعول مطلق نیست، بلکه مفعول دوم فعل «يجعل» است.

(ترجمه عبارت: اگر به نیازمندان برای نزدیکی به خدا نیکی کردی، پس خدا آن را نیکی‌ای برای تو قرار خواهد داد.)

۲۴۱۳. کد پاسخ تصویری ۱۲۰۴۰۶۱۲ «خُسراناً» مصدر از جنس «خَسِرَ» است و بعد از آن صفت «مُبِيناً» ذکر شده است، بنابراین مفعول مطلق نوعی است. در گزینه (۱) «قراءة» مبتداست. در گزینه‌های (۲) و (۴) «إستماعاً، إبطالاً» مفعول مطلق تأکیدی هستند. «یفر» در گزینه (۲) جواب شرط است نه جمله وصفیه.

نسوزی: جواب شرطی که بعد از اسم نکره می‌آید را با جمله وصفیه اشتباه نگیرید.

مثال مَنْ طَلَبَ عِلْماً يَجِدْ لَهُ.
ادات: فعل شرط (مفعول نکره) جواب شرط

۲۴۱۴. کد پاسخ تصویری ۱۱۲۰۶۱۷ آنچه در آن تأکید نیست را پیدا کن. بررسی گزینه‌ها: ۱ «إِنَّ» از حروف مشبّهه است که کاربرد تأکیدی بر کل جمله دارد و بیانگر تأکید است. ۲ «تعجباً» مفعول مطلق تأکیدی و بیانگر تأکید است.

۳ «تعجباً شدیداً»: [مفعول مطلق نوعی + صفت] داریم؛ بنابراین مفعول مطلق نوعی بیانگر تأکید نیست. ۴ «مُشَاهِدَةً»: مفعول مطلق تأکیدی و بیانگر تأکید است.

۲۴۱۶. ۲ منظور از صورت سؤال مفعول مطلق تأکیدی است (مخاطبی که به راحتی باور نمی‌کند)؛ پس به تأکید نیاز داریم. «احتراماً» مصدر فعل «يُحترموا» برای تأکید وقوع فعل مطرح شده است. در گزینه (۱) مفعول مطلق نوعی داریم و در گزینه‌های (۳) و (۴) مفعول مطلق نداریم.

۲۴۱۷. ۴ صورت سؤال، مصدری را می‌خواهد که بر موضوع «تشبیه» دلالت کند؛ یعنی باید به دنبال ساختار «مفعول مطلق نوعی + مضاف الیه» باشیم. در این گزینه، «تشجیع» مصدر فعلی قبلش (شَجَّعَ) و مفعول مطلق نوعی است که بعد از آن «الوالدین» به عنوان مضاف الیه آمده است. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «جذباً» مصدر فعلی «تجذب» و مفعول مطلق تأکیدی است. ۲ «اجتهاداً» مفعول (مفعول به) برای فعل «ما شاهدتُ» است نه مفعول مطلق! (دقت کنید در این گزینه حرف «که» در «اجتهاد» بیانگر «تشبیه» است نه مصدر «اجتهاد»). ۳ «طيراناً» مصدر فعلی «یطير» و مفعول مطلق نوعی است که «سريعاً» به عنوان «صفت» آمده.

۲۴۱۸. ۴ صورت سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن طلب و درخواست انفاق، به صورت تشبیهی آمده باشد. در گزینه (۴) فعل «أنفقوا» که فعل امر است، طلب و درخواست انفاق را دارد و چون «إنفاق» مفعول مطلق نوعی با مضاف الیه (المخلصین) است، برای این طلب و درخواست، بیانگر تشبیه است. ترجمه عبارت: «اموال خود را مانند انسان‌های مخلص در راه خدا انفاق کنید». بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ عبارت دارای اسلوب حصر است و در آن انفاق کردن تنها به راه خدا اختصاص یافته است. ترجمه: «اموال خود را تنها در راه خدا انفاق کنید». ۲ «إنفاقاً» مفعول مطلق تأکیدی است و دلالت بر تأکید طلب انفاق دارد. ترجمه: «شما باید اموالتان را در راه خدا حتماً انفاق کنید». ۳ «إنفاقاً» مفعول مطلق نوعی (بیانی) است و چون دارای صفت است نوع و چگونگی انفاق کردن را بیان کرده است. ترجمه: «اموالتان را در راه خدا بسیار انفاق کنید». ۲۴۱۹. ۴ «تقدماً» مصدری از جنس «تقدم» است و فقط بر وقوع فعل تأکید می‌کند. در گزینه‌های (۱) و (۲) «إبتساماً» مفعول مطلق نوعی یا بیانی هستند، زیرا بعد از آن‌ها صفت یا مضاف الیه عنوان شده. در گزینه (۳) «سعیاً» مفعول است. (بسیار تلاش کردیم ولی شما تلاشی را نمی‌خواهید).

۲۴۲۰. ۴ إِنَّ روی تمام جمله بعدش تأکید می‌کنند (رد ۱)، در سایر گزینه‌ها به ترتیب «حمایه» و «تذییر» مفعول مطلق تأکیدی‌اند که روی فعل‌های خود (احم و حذرت) تأکید کرده‌اند.

۲۴۲۱. ۱ صورت سؤال مفعول مطلق تأکیدی می‌خواهد. «توفیقاً» مفعول مطلق تأکیدی است که چون تنوین گرفته نمی‌تواند مضاف باشد. و «ناجحین» نیز حال است در گزینه‌های (۲) و (۳) مفعول مطلق نوعی داریم و در گزینه (۴) مفعول مطلق نداریم («مستعیناً» حال است).

۲۴۲۲. ۳ در این گزینه «کأن» به همراه اسم و فعل آمده که نمی‌تواند بیانگر تشبیه باشد «گویی درس‌ها سخت شده است». بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «إكراماً» مفعول مطلق نوعی به همراه مضاف الیه (المضياف) است (مثل مهمان نواز). ۲ «ك» مثل ۴ «كأن» مثل

۲۴۲۳. ۱ مفعول مطلق روی فعل تأکید دارد (علی قطعاً درس خواند) ولی «إن» روی کل جمله (قطعاً علی درس خواند). در گزینه‌های (۲) و (۴) مفعول مطلق نوعی به همراه مضاف الیه داریم که بیانگر تشبیه است.

۲۴۲۴. ۲ «دخولاً» مفعول مطلق تأکیدی است و «فرحاً» حال است؛ زیرا «شاد» بیانگر حالت فعل نیست و به اسم برمی‌گردد. (مدیر با شادی...) در سایر گزینه‌ها «إنفاقاً» شکر، تأثراً مفعول مطلق بیانی هستند.

۲۴۲۵. ۴ «مساعدة» مفعول مطلق نوعی است و «یأخذ» جمله وصفیه است. در سایر گزینه‌ها «قیاماً» تکلفاً، «فرحاً» مفعول مطلق تأکیدی هستند. در گزینه (۱) ساختار شرط داریم و «یصل» جواب شرط است نه جمله وصفیه. در گزینه (۲) هم «حینما» هنگامی که داریم که مانند «إذا» شرط عمل می‌کند و دو تا فعل می‌خواهد پس «یسهل» جمله وصفیه نیست.

۲۴۲۶. ۴ «جهاداً» مفعول مطلق نوعی است و «يُحِبُّه الله» جمله وصفیه. در سایر گزینه‌ها مفعول مطلق تأکیدی داریم. در گزینه (۱) «حتى» رابطه را قطع کرده، در گزینه (۲) «تصل» جواب شرط است و در گزینه (۳) «عندما» هنگامی که مثل «إذا» شرط عمل می‌کند و دو فعل می‌خواهد، پس «نكتب» جمله وصفیه نیست.

۲۴۲۷. ۴ «انقلب» فعل و «انقلاباً» مفعول مطلق تأکیدی است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «خُفِرَ» مفعول است. (حفره‌ای را حفر کردند). ۲ «نعماً» مفعول است. (نعمت‌هایی را به خلق روزی داد). ۳ «لباساً» و «طعاماً» هر دو مفعول هستند. در رابطه با گزینه‌های (۲) و (۳) دقت کنید که کلمات مورد نظر از مصدر فعل نیستند، اگر مصدر بودند به صورت «إنعاماً» «إطعاماً» می‌آمدند. ۲۴۲۸. ۱ «سؤالاً» مفعول است. (از معلم درباره درس یک سؤال پرسیدم). ترجمه گزینه (۴): «محبت و علاقه پدرم را دوست دارم».

۲۴۲۹. ۳ «إن» روی کل جمله و «وعظاً» روی فعل جمله، تأکید می‌کند. (مفعول مطلق تأکیدی است). بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «أشترأ» مفعول مطلق تأکیدی است و روی «أشتریت» (فعل) تأکید دارد. ۲ «لعباً» مفعول مطلق نوعی است و تأکید ندارد. ۴ «أشتراکاً» مفعول مطلق تأکیدی است و روی فعل «أشترک» تأکید دارد.

۲۴۳۰. ۲ سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، توضیح درستی درباره بخش تأکیدشونده آمده است.

در گزینه (۱) چون فعل منفی داریم و مستثنی منه محذوف است، پس ما ساختار حصر می‌بینیم. بنابراین تأکید روی کلمه «صیاد» است نه فعل «ما رأی». در گزینه (۲) «تکلماً» مصدری منصوب از ریشه فعل قبلش است که پس از آن مضاف الیه یا صفتی نیامده، پس مفعول مطلق تأکیدی داریم؛ بنابراین به وسیله یک مصدر روی وقوع فعل، تأکید شده است. در گزینه (۳) هم «قیاماً» مفعول مطلق تأکیدی است و بر وقوع فعل «يقيم» تأکید می‌کند نه دو فعل. در گزینه (۴) حرف مشبّهة بالفعل «إن» روی تمام جمله بعد از خودش تأکید می‌کند نه کلمه «الكتاب» به تنهایی.

۲۴۳۱. ۴ «إنفاقاً» مفعول مطلق نوعی به همراه جمله وصفیه «لم يفهم» است و «فرئتم» جواب شرط است. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «شاهدتم» جمله وصفیه نیست؛ چون «بینما» در حالی که، مثل «إذا» عمل می‌کند و دو فعل می‌خواهد. ۲ «سائلان» پرسشگر، حال است، نه صفت. ۳ «يساعد» جواب شرط است نه جمله وصفیه.

۲۴۳۲. ۱ «قراءة» مفعول مطلق تأکیدی است. «هائناً» حال است چون در جنس مطابق «قراءة» نیست نمی‌تواند صفت باشد. در گزینه (۲) «هرباً» مفعول مطلق تأکیدی و «ضاحكاً» خندان، حال است. در گزینه (۳) کسی که دوست ندارد به جز خواب را، «المنام» مفعول و منحصر است. در گزینه (۴) «جالساً» حال برای «محمد» است.

۲۴۴۶. ۲. کد پاسخ تصویری ۰۷۱۲۰۶۱۸ «أُمّ: مادرم» (رد ۱ و ۳).

نَسُوْزِي: «أُمّ» در اصل «أُمِّي» بوده که ضمیر «ی» از آن حذف و کسره جایگزینش شده است.



«أَنْتِ نَفْسُ الرَّسَامَةِ الْتِي: تو همان نقاشی هستی که» (رد سایر گزینه‌ها)، «قَدْ رَسَمْتُ» از صیغه «هی = مفرد مؤنث غائب» است نه مخاطب (رد ۱ و ۲)، ضمناً ماضی نقلی است (رد ۱ و ۲)، «فی: در» (رد سایر گزینه‌ها)، «أَبِي: پدر من» (رد سایر گزینه‌ها)، «يَدْعُونِي» مضارع غایب است (رد سایر گزینه‌ها).

۲۴۴۷. ۳. «هذه الغرف: این اتاق‌ها» (رد ۱ و ۴)، در گزینه‌های (۲) و (۴) «جیداً: خوب» ترجمه نشده است. «أَنْ يَنْظَفُوا: که تمیز کنند، که نظافت کنند» معلوم است (رد ۲).

۲۴۴۸. ۱. «أَمْنُوا: ایمان آورده‌اید» با توجه به «أَيُّهَا» مخاطب است (رد ۲ و ۴)، «إِثْم: گناه» مفرد است نه جمع (رد ۲ و ۴)، «لَا تَجَسَّسُوا: تجسس نکنید» (رد ۳ و ۴)، «لَا يَغْتَب: غیبت نکنید» (رد ۲ و ۴).

۲۴۴۹. ۳. «فی دینهم: در دینشان» (رد ۱ و ۲)، «الشُّعُوبُ الْمُخْتَلِفَةُ: ملت‌های مختلف» معرفه است نه نکره (رد ۲ و ۴)، در ضمن «الْخِرَافَات» جمع و معرفه است (رد سایر گزینه‌ها)، «يَبْنُوا: بیان کردند، روشن کردند» (رد ۲ و ۴).

۲۴۵۰. ۲. کد پاسخ تصویری ۰۳۱۲۰۶۱۹ «كَأَنَّ: گویی، همچون» در گزینه «۱» ترجمه نشده، «أَرْضٌ خَالِيَةٌ: زمینی خالی» ترکیب وصفی «نکره» است نه «معرفه» (رد ۱ و ۳)، «تَزْرَع: مضارع است نه ماضی» (رد ۱)، ضمناً از صیغه «مخاطب» است نه «غایب» (رد ۲)، همچنین چون فعل شرط است به شکل «مضارع التزامی» (بکاری) ترجمه می‌شود (رد ۱ و ۲)، «يَقْبَل: می‌پذیرد» فعل جواب شرط است و مضارع «اخباری» ترجمه می‌شود نه «التزامی» (رد ۲)، «تا اینکه» در گزینه «۲» اضافی است، «عَقْلَهُ وَ قَلْبَهُ: عقل و قلب او» (قلبش) باید به ترتیب ترجمه شود (رد ۲).

۲۴۵۱. ۱. کد پاسخ تصویری ۰۱۱۲۰۶۲۰ «لِلتَّجَّاح: برای موفق شدن، برای موفقیت» جار و مجرور است نه فعل (رد ۳)، «اِكْتِسَاب: اکتساب، کسب کردن» مصدر است نه فعل (رد ۳ و ۴)، «ليس طريق في الحياة: راهی در زندگی نیست» (رد سایر گزینه‌ها).

۲۴۵۲. ۳. «وجدت: یافتم» (رد ۱ و ۴)، «أَقْوَى مصدر: نیرومندترین منبعی» اسم تفضیل و نکره است (رد ۱ و ۲)، «السَّمْس: بدون اسم اشاره است» (رد ۴)، همچنین «بتواند» در گزینه (۴) اضافی است.

۲۴۵۳. ۱. کد پاسخ تصویری ۰۹۹۱۲۰۶۲۱ «فِيمَا لَا تَعْلَم: درباره آنچه نمی‌دانی» ما شرطیه نیست پس معنی «هر چه» نمی‌دهد (رد ۲ و ۴)، «وإن: اگرچه» (رد ۳ و ۴)، «كانوا: باشند» با توجه به «وإن» به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود (رد ۲ و ۴)، «بين: میان» (رد ۲)، «لا تميز: جدا نمی‌کند» (رد ۲ و ۳).

۲۴۵۴. ۱. با توجه به «أَيُّهَا» صیغه فعل «أَمْنُوا» مخاطب است نه غائب (رد ۲ و ۳)، «كثيراً من: بسیاری از» (رد سایر گزینه‌ها)، «بعض الظن: برخی گمان‌ها» (رد ۴).

۲۴۵۵. ۱. کد پاسخ تصویری ۰۱۱۲۰۶۲۲ «بَعْضُكُمْ الْبَعْض: یکدیگر، بعضی دیگر، همدیگر» (رد ۳)، «أداء: ادا کردن، انجام دادن» اسم است نه فعل (رد ۳)، «الواجبات: تکالیف، وظایف» بدون ضمیر است (رد ۲)، «حتى يُصبح: تا ... شود» (گردد) (رد سایر گزینه‌ها)، «تُمْلَأ: پُر شود» مضارع مفرد و مجهول است نه معلوم (رد ۲ و ۳).

۲۴۵۶. ۱. کد پاسخ تصویری ۰۹۹۱۲۰۶۲۳ «ثقافة: فرهنگ» معرفه است (رد ۲ و ۳)، «يتكلم: مضارع است نه ماضی» (رد ۲) و در ضمن در گزینه‌های (۲) و (۳)، «هذا: این» معنا نشده است، «المشتركة» معرفه است (رد ۴) و در ضمن کلمه «این» در ابتدای گزینه‌های (۳) و (۴) اضافی است.

۲۴۳۳. ۴. سه مفعول داریم: «الإنسان» مفعول اول، «قدرة» مفعول دوم و «إعطاء» مفعول مطلق تأکیدی است. در گزینه (۱) «سعیاً» مفعول مطلق تأکیدی، «مُتَوَكِّلاً» حال و «یرشد» جواب شرط است. در گزینه (۲) «بعد» الّا جار و مجرور آمده، پس حصر است. در گزینه (۳) «إن» رفع شک و «لكن» رفع ابهام می‌کند.

۲۴۳۴. ۳. چون پایان گزینه‌ها ویرگول دارد، پس در ادامه هم هستند یعنی «اكتساباً» مفعول مطلق برای «تكتسب» است. دقت کنید «صبراً» در گزینه (۱) مفعول و «درسا» در گزینه (۴) مفعول دوم است.

۲۴۳۵. ۲. «صبراً» مفعول مطلق تأکیدی است که نقش (محل اعرابی) است؛ در گزینه‌های (۱) و (۴) «إن» له بیانگر تأکید هستند و بدون محل اعرابی (حرف‌ها نقش ندارند). در گزینه (۳) تأکید نداریم.

۲۴۳۶. ۱. در این گزینه «سعیاً: تلاشی» مصدر است و ترجمه می‌شود. در سایر گزینه‌ها «استجابة، اهتماماً، تغریداً» همگی مفعول مطلق هستند که ترجمه نمی‌شوند.

۲۴۳۷. ۴. در این گزینه «بزینة: بازیبایی» جار و مجرور است. در سایر گزینه‌ها «زینة» مفعول مطلق است که در این حالت، خود مصدر ترجمه نمی‌شود.

۲۴۳۸. ۱. در این گزینه «احتراماً» مفعول مطلق نوعی است که پس از آن جمله وصفیه آمده و «به شکلی که، به گونه‌ای که» ترجمه می‌شود.

۲۴۳۹. ۲. «إنما» روی قسمت دوم جمله حصر دارد؛ پس «إنما نام علی: فقط علی، خوابید» درست است و «إنما علی نام: علی، فقط خوابید» غلط است. در رابطه با گزینه (۱) هم دقت کنید که «له» روی فعل جمله تأکید کرده و «إن» هم که می‌تواند ترجمه بشود یا نشود، ترجمه گزینه (۳): شاید نامه نوشته شود.

پایه دوازدهم درس پنجم

۲۴۴۰. ۴. «فُرساً: فرصت‌هایی» جمع است (رد ۱)، «ستستفید: استفاده خواهی کرد» آینده است (رد ۱ و ۲)، در گزینه (۳) «و» اضافی است، همچنین «یخلق» جمله وصفیه نیست و نباید همراه «که» ترجمه شود (رد ۳)، «تحمله: تحملش» (رد سایر گزینه‌ها).

۲۴۴۱. ۳. کد پاسخ تصویری ۰۹۹۱۲۰۶۱۴ «هناک لا إنسان: هیچ انسانی وجود ندارد»، «انسان» نکره است و «لا» قبل از آن نفی جنس می‌باشد (رد ۲ و ۴)، «خطأ» اسم است و نباید به صورت فعل ترجمه شود و همچنین «یفشل: شکست می‌خورد» مضارع است نه آینده (رد ۱)، کلمه «هیچ‌گاه» در گزینه‌های (۲) و (۴) اضافه است.

۲۴۴۲. ۴. کد پاسخ تصویری ۰۷۱۲۰۶۱۵ «مقیم: اقامه‌کننده» در گزینه «۳» ترجمه نشده است، «ونیز» در گزینه «۳» اضافی است، «دعاء» مفرد است نه جمع (رد ۱ و ۲)، «دعاء = دعائی: دعای من» (رد سایر گزینه‌ها)، دقت کنید «دعاء» در اصل «دعائی» بوده که ضمیر «ی» از آن حذف شده و کسره جایگزینش شده است. گزینه‌ها)، «إن: اگر» نباید «هرگاه» ترجمه شود (رد ۱ و ۳)، «لنا: برای ما» ترجمه نشده است (رد ۱ و ۴)، «البيوت» ضمیر ندارد (رد ۱ و ۴).

۲۴۴۴. ۴. «إنسان» نکره است (رد ۱ و ۲)، «بستان» نکره است (رد ۱ و ۳)، «أن تزرع: بکاری» (رد ۱ و ۳)، «الجمال: زیبایی» (رد ۱ و ۳).

۲۴۴۵. ۳. کد پاسخ تصویری ۰۳۱۲۰۶۱۷ «نادی: ندا در داد» فعل است نه اسم (رد ۲ و ۴)، «قال: گفت» فقط در گزینه (۳) ترجمه شده، «یا قوم: ای قوم من» (رد سایر گزینه‌ها).

نَسُوْزِي: کسره (یا) در انتهای «قوم» بیانگر این است که در اصل «یا قومی: ای قوم من» داشتیم؛ بنابراین ضمیر «ی» در این حالت حتماً باید ترجمه شود.



